



رشد آموزش

دستگاه

۲۲



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

www.roshdmag.ir

فصل نامه آموزشی، تحلیلی، اطلاع رسانی
برای مربیان مراکز پیش دبستانی، دانشجویان، کارشناسان و والدین
دوره پنجم / بهار ۱۳۹۳ / شماره ۳ / ۴۸ صفحه / ۸۰۰۰ ریال



- سگوسازی، داریست‌سازی و یا تکیه‌گاه‌سازی چیست؟
- تربیت دینی کودکان پیش دبستانی
- بازی کودکان، تمرین زندگی بزرگسالی
- کودکان و مشارکت در بازیافت کاغذ



کودک تلویزیون دغدغه‌ها

الهام وفایی نژاد

از آنجا که کودک امروز ناگزیر به پیروی از سبک زندگی بزرگسالان می‌باشد، تکنولوژی و لوازم آن خیلی زود وارد دنیای او می‌شود و محیط‌اش را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از نمودهای تکنولوژی در زندگی افراد، وجود تلویزیون است. با توجه به مخاطبان فراوانی که این رسانهٔ جمعی دارد، تولیدکنندگان برنامه‌هایی که نمایش داده می‌شوند باید محتوای مناسب و بی‌خطر را بر اساس ویژگی‌های آنان ترتیب دهند. تلویزیون کودکان را با اطلاعات و دانش دست دوم آشنا می‌کند. البته این اطلاعات می‌توانند آموزش باشند، اما نمی‌توانند لزوماً همان کیفیت تجربهٔ واقعی را برایشان فراهم آورند. مشاهدهٔ حیوانات در تلویزیون به همان کیفیت تجربهٔ رفتن به مزرعه، دیدن زندگی حیوانات و غذا دادن و لمس کردن آن‌ها نیست. این‌گونه تجربیات دست اول در کودکان تأثیر عمیق و پردوامی می‌گذارد.

با وجود این، نگرانی‌های زیادی از جانب والدین در مورد تماشای برنامه‌های تلویزیون فرزندانشان وجود دارد. یکی از نگرانی‌های والدین در مورد تماشای تلویزیون کودکان این است که آن‌ها تا چه اندازه در معرض برنامه‌های ناخوشایند قرار می‌گیرند.

بررسی‌های افکار عمومی پیوسته نشان داده است که مردم نگران موارد بالقوهٔ مخرب برنامه‌هایی هستند که حاوی خشونت، مسائل جنسی و واژگان مستهجن می‌باشند. وقتی این احتمال وجود داشته باشد که کودکان به‌طور دائم در معرض این برنامه‌ها قرار می‌گیرند آن‌گاه افزایش نگرانی کاملاً قابل درک است. به همین جهت ضمن تأکید بر مسئولیت برنامه‌ریزان در تهیهٔ برنامه‌های تلویزیون برای کودکان، والدین نیز باید زمان مشاهدهٔ کودکان و نوع برنامه‌ها را کنترل یا محدود کنند.

دیدگاه شما دربارهٔ تماشای تلویزیون به وسیلهٔ کودکان چیست؟



رشد آموزش

۲۲



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای مربیان مراکز پیش‌دبستانی، دانشجویان، کارشناسان آموزشی و والدین

شمارگان: ۷۰۰۰۰ نسخه

دوره پنجم / شماره ۳ / بهار ۱۳۹۳

E-mail: pishdabestani@roshdmag.ir
www.roshdmag.ir

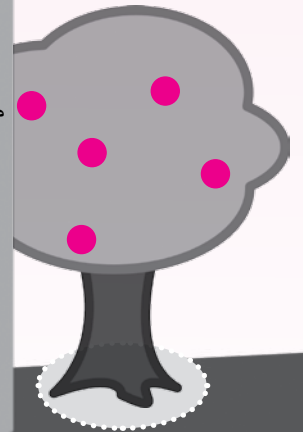
مدیر مسئول: محمدناصری
سر دبیر: دکتر فرخنده مفیدی
هیئت تحریریه:
مرتضی طاهری
فریده عصاره
شیرین بزرین
مسعود تهرانی فرجاد
مدیر داخلی: شهلا فهیمی
ویراستار: لیلا بنی‌طیاء خان آبادی
طراح گرافیک: مهسا قباپی

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم:

● مقاله‌هایی را که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با آموزش پیش‌دبستانی مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنان‌چه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته و یا ماشین شود (مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار ورد - Word - و بر روی لوح فشرده (CD) یا فلاپی و یا از طریق پست الکترونیکی مجله نیز ارسال شوند). ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم میندول شود. ● محل قرار گرفتن جدول‌ها، نمودارها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مجله در، رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان رشد آموزش پیش‌دبستانی نیست. بنابراین، مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است. ● مجله از عودت مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی‌شود، معذور است.

تلفن پیامگیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیر مسئول: ۱۰۲
کد دفتر مجله: ۱۱۳
کد امور مشترکین: ۱۱۴
و ...

مهد کودک خوب چه ویژگی‌هایی دارد؟ ۴
سازی که کوک نمی‌شود ۲
سر دبیر
چگونه رفتارهای خلقی غیراستاندارد
را تشخیص دهیم؟ ۷
دکتر مرجان گودرزی
و یا تکیه‌گام‌سازی چیست؟ ۸
دکتر فرخنده مفیدی
چه کنیم تا از محیط کارمان بیشتر لذت ببریم؟ ۱۰
فاطمه رجایی
تربیت دینی کودکان پیش‌دبستانی ۱۴
غفار کریمیان‌پور، حمیرا احمدی
دوربین خانم مربی ۱۸
سید غلام‌رضا فلسفی
بازی کودکان، تمرین زندگی بزرگ‌سالی ۲۴
بهزاد آذر نیوشان
کودکان و مشارکت در بازیافت کاغذ ۲۸
مریم طاهریان
مهارت‌های شغلی مربیان پیش‌از دبستان ۳۲
مجید نیسی، عاشور جلیزی
دنیا بازی کودکان را بشناسیم ۳۶
محبوبه فیض‌نژاد
قصه‌گویی و تقویت مهارت‌های زبانی
و ارتباطی ۴۵
رحیمه منصوری گرگر
معرفی کتاب ۴۸
دکتر مرجان گودرزی
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)



نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی،

پلاک ۲۶۶

صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵

تلفن: ۸۸۴۹۰۲۳۴ (داخلی ۴۲۹)

نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن: ۷۷۳۳۶۶۵۵ - ۷۷۳۳۶۶۵۶

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)



سازی که کوچک نمی شود

سلام،

به نام او که پرتویی از انوارش در دل هر ذره‌ای است و هر کس را همان قابل که پذیرای جلوه خداوندی. در این فصل زیبا برای همگان آرزوی سلامتی و شادمانی می‌کنم و سالی پر از موفقیت را خواستارم.

هنگامی که در آذرماه ۱۳۹۰ و در راهکارهای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش عبارت «تعمیم دوره پیش دبستانی به ویژه در مناطق محروم و نیازمند حتی الامکان با مشارکت بخش غیردولتی با تأکید بر آموزش‌های قرآنی و تربیت بدنی و اجتماعی» نمایانگر شد و نیز در ساختار نظام آموزش و پرورش (صفحه ۴۴) برنامه درسی ملی اسفند ۱۳۹۱ چنین آمد که: «دوره پیش دبستان به دوره دوساله رسمی و غیراجباری اطلاق می‌شود که کودکان گروه سنی پنج و شش سال را تحت پوشش برنامه‌های آموزشی و تربیتی قرار می‌دهد»، موجی از امید و در عین حال نگرانی نیز در جامعه آموزشی و دست‌اندرکاران پیش دبستان پدید آمد. چرا؟ همواره آموزش دیده‌ایم که در هر برنامه‌ریزی کاربردی نیاز به همفکری و همراهی است و چند سالی است بحث‌های مربوط به تحول، نوجویی، تغییر و دگرگونی در آموزش و پرورش به‌طور کلی و به‌ویژه در دوره پیش از دبستان، نقل جلسه‌ها و نشست‌های مختلف در سراسر کشور است. تاکنون و به تجربه حضور در بسیاری از جلسات و شنیدن عقاید و نظرات مختلف می‌توانم چنین اظهار نظر کنم که بلا تکلیفی در برنامه‌ریزی برای شکل‌دهی به پاره‌ای از مصوبات اصولی و اهداف مورد نظر در دوره پیش دبستان و تشتت در افکار و دیدگاه‌ها برای تحقق مبانی، درگیری فکری و چالش‌های گوناگون و حتی بحران نگاه به ایجاد تحول و نوآوری در این باره سهم قابل توجهی داشته است.

در این راستا، آموزش و پرورش پیش دبستان در یک سه وجهی تعریف شده است که یک وجه آن دفتر تألیف و کمیته‌های تعیین محتوا و برنامه‌ریزی آموزشی، و دو وجه دیگر آن معاونت آموزش ابتدایی در شکل ارزشیابی و دفتر مشارکت‌های مردمی در مسئولیت اجرایی قرار گرفته است و حتماً قرار بوده است مثلثی متقارن و متعادل را برای پیشبرد و ایجاد تغییر و تحول در این سطح شکل دهند.

چرخش درست قضایا به قاعده باید به گونه‌ای باشد که کارکردهای وجوه مختلف این سه ضلعی هماهنگی و بسامانی داشته باشند تا امور به درستی پیش رود. اما امروز هنوز با وجود شکل ظاهری این سه وجهی، سؤال این است که آیا حرکت در این مسیر بدون همفکری، همکاری و هم‌اندیشی میسر است. آیا وقتی هر که ساز خود زند در این محفل، نوای دل‌نوازی به گوش خواهد رسید؟

مگر نه این است که اصولاً در یک سیستم و نظام آموزشی متحول و اصولی، تهیه و تولید محتوا،

سیاست‌گذاری، ارزشیابی و زیرمجموعه تصمیم‌گیری‌ها باید همگام و در هم تنیده باشند؟

نکته مهم‌تر، راه‌حل‌های بسته‌بندی شده و پیش‌ساخته را نباید



تجربه کنیم بلکه باید اندیشه‌ها را به شفافیت برسانیم و مشارکت و تعامل را برای سازندگی دامن زنیم. در این صورت یا این مثلث باید وجوه خود را به تعادل و یکرنگی برساند و یا تغییر وجه دهد و به شکل مطمئن و استواری درآید تا برنامه‌ریزی پایهٔ پیش‌دبستان سهل‌تر و قابل‌حصول‌تر باشد. و اما...

در این فصل پر جلوه و دلگشا که به غایت نعمات خداوند بزرگ را نشانگر است، مراسم گوناگونی در مراکز پیش‌دبستانی برگزار می‌شود. از جمله شهادت حضرت فاطمه (س)، روز سلامتی، روز تولد حضرت زهرا (س) و امام خمینی (ره) در ماه فروردین، روز معلم در اردیبهشت‌ماه و ولادت حضرت امام حسین (ع) و رحلت امام بزرگوار و رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی (ره) در خرداد ماه. این موارد رویدادهای مهمی هستند که مراکز پیش‌دبستانی باید به موقع برای شکل‌دهی آنان در برنامه‌های خود برای کودکان برنامه‌ریزی کنند و کودکان را به اهمیت و ارزش این وقایع در تقویم سالیانه توجه دهند.

در پایان، بی‌تردید در این فصل آرمان‌ساز، درخواستی دیگر نیز از خداوند منان دارم که خود اجر همهٔ یاوران‌مان را به خیر عطا فرماید و از دیگرانی که در فراهم آوردن امکانات چاپ و آماده‌سازی توشه‌های مخاطبان گران‌قدر فصلنامهٔ رشد پیش‌دبستانی از هیچ کوششی واگذار نمی‌کنند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

سال پیش‌رو به خیر و مبارکی باد.

سردبیر



کلیدواژه‌ها: مهد کودک، کودکان نوپا، فضا

اشاره

نقد و نظر

۴
 رشد آموزش پیش‌دبستانی
 دوره پنجم، شماره ۳
 بهار ۱۳۹۲

همه والدین دوست دارند برای فرزندانشان بهترین را فراهم کنند و آرزو دارند که در آینده فرزندان موفق داشته باشند. «پنج سال اول زندگی از اهمیتی ویژه برخوردار است و انسان بیش از ۵۰ درصد توانایی‌ها و مهارت‌هایی را که تمام عمر همراه دارد، در این پنج سال به دست می‌آورد. پس ضروری است که برای این پنج سال تمهیداتی ویژه ببندیم. از آن جمله می‌توان به بالا بردن اطلاعات والدین درباره ویژگی‌های این دوره با شرکت در کلاس‌ها و دوره‌ها و مخصوصاً مطالعه کتب و مجلات مربوط اشاره کرد. یکی از راه‌های بهره‌وری مناسب و در عین حال آسان دوران خردسالی سپردن آن‌ها به مهد کودک‌ها است.»^۱ (استاپرد، ۱۳۸۵: ۱۵)

«مهم‌ترین اقدام والدین در این خصوص انتخاب

مهد کودک خوب چه ویژگی‌هایی دارد؟

داود فتحی، کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی
 علیرضا ذوالفقاری، کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی

مهدکودکی خوب است؛ مهدکودکی که بتواند توانایی‌های کودکان را بالا برد و مقدمات بالفعل شدن توانایی‌های بالقوه ایشان را فراهم آورد» (میردان دینک و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۵)

«مهدکودک برای نوباوگان و کودکان نوپا امری متداول است که کیفیت آن بر رشد ذهنی آن‌ها تأثیر بسزایی دارد. پژوهش‌ها همواره نشان می‌دهند که نوباوگان و خردسالان که به مهدکودک‌هایی نامطلوب می‌روند، صرف‌نظر از اینکه از خانواده‌های دارای جایگاه اجتماعی - اقتصادی متوسط یا پایین باشند، در آزمون‌هایی که مهارت‌های شناختی و اجتماعی را ارزیابی می‌کنند، نمره پایینی می‌گیرند. در مقابل، مهدکودک خوب می‌تواند تأثیر منفی زندگی خانوادگی تحت استرس و فقرزده را کاهش دهد و مزایای بزرگ شدن در خانواده‌ای را که از لحاظ مالی مرفه است، حفظ کند. در یک پژوهش در کشور سوئد، معلوم شد که وارد شدن به مهدکودک خوب در دوره نوباوگی و نوپایی با قابلیت خوب شناختی، هیجانی و اجتماعی در اواسط کودکی و نوجوانی ارتباط دارد» (برک، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۵، ج اول: ۲۹۹)

در کشورهای پیشرفته، آموزش‌های جمعی و رفتاری در مهدکودک از ۲ تا ۶ سالگی یک عرف اجتماعی است و علت سپردن کودک به مهد شاغل بودن مادر نیست، بلکه تأمین منافعی در انسان است که فقط از ۲ تا ۶ سالگی دست‌یافتنی است و تمام عمر مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و در هیچ سنی جبران‌پذیر نیست. از سوی دیگر، والدینی که به سبب وابستگی به کودک خود مانع حضور آن‌ها در جمع، بدون حمایت و حضور خود می‌شوند و از کسب استقلال آن‌ها جلوگیری می‌کنند، مانع می‌شوند که کودک نیروی خود را بسنجد و تقویت کند. این نحوه تربیت می‌تواند منجر به خشم، سرکشی، طغیان، ترس عمیق از فضای بیرونی شود. این کودکان همواره طی دوران رشد در حال تقلا و درگیری با موضوعات و مشکلات مشابه هستند، آن‌ها نمی‌خواهند تحت کنترل باشند، در عین حال، نمی‌دانند که آیا می‌توانند مثل فردی مستقل زندگی کنند یا نه. منطقی است که در چنین شرایطی مهدکودک می‌تواند مکانی برای کاوشگری کودک و ابراز وجود وی باشد، مکانی که بدون حضور و حمایت افراطی مادر، کودک خود را پیدا می‌کند. مطالعات نشان داده است کودکانی که به مهدکودک می‌روند به دلیل تعدد بازی‌ها و داشتن هم‌بازی‌های بیشتر از سایر کودکان فعال‌تر و پرتحرک‌ترند. محققان با بررسی بیش از بیست مهدکودک دریافتند که کودکان در مهد کمتر به بازی‌های نشسته می‌پردازند و تحرک بیشتری دارند. همچنین، مهدکودک به ارتقای مهارت‌های اجتماعی و تقویت هوش کودکان نیز کمک می‌کند.» (برک، ۱۳۸۵: ۳۰۰)

با توجه به توضیحات فوق جست‌وجو برای یافتن یک مهدکودک خوب اولین مسئولیت والدین است که باید با دقت فراوان انجام شود. باید توجه داشت که مهدکودک‌ها قابلیت نگهداری کودکان تا چهار سال را دارند اما پیش‌دبستانی‌ها و آمادگی‌ها دوره‌های تربیتی کودکان چهار سال به بالا را شامل می‌شوند.

عده‌ای به والدینی که در سپردن فرزندانشان به مهدها وسواس به خرج می‌دهند، خرده می‌گیرند، اما واقعیت آن است که شما روزانه کودک را بین چهار تا هشت ساعت از بهترین ساعات مفید به مهد می‌سپرید. پس آیا منطقی حکم نمی‌کند که نسبت به مکان، برنامه‌ها، اقدامات، امکانات و... در مهدها دقت نظر داشته باشید؟»

البته گفتنی است که مدت زمان بهینه و استاندارد حضور کودک در مهدها و مراکز پیش‌دبستانی حداکثر سه‌ونیم ساعت در روز است. در ادامه به شرایط مناسب مهدهای

کودک در مقاطع مختلف سنی می‌پردازیم.

ویژگی‌های مهدکودک مناسب برای نوباوگان و کودکان نوپا (تولد تا دوسالگی)

محیط فیزیکی: محیط تمیز، نور کافی، تهویه مناسب و محل بازی حصار کشی شده باشد و محیط هنگام حضور همه بچه‌ها شلوغ نباشد.

اسباب بازی: اسباب بازی و وسایل کافی و مناسب در داخل و بیرون مهدکودک وجود داشته باشد.

نسبت مراقبت‌کننده به کودک: در مهدکودک‌ها، نسبت مراقبت‌کننده به کودک برای نوباوگان از یک به سه و برای کودکان نوپا از یک به شش بیشتر نیست. لازم است گروه (تعداد بچه‌ها در یک اتاق) از شش نوباوه با دو مراقبت‌کننده و دوازده کودک نوپا با دو مراقبت‌کننده بیشتر نباشد.

فعالیت‌های روزانه: این برنامه برای رفع نیازهای فردی کودکان تهیه می‌شود و انعطاف‌پذیر است. محیط باید دوستانه و حمایتگر باشد.

تعامل بین‌مهربان (مراقبت‌کنندگان) و کودکان: مراقبت‌کنندگان بی‌درنگ به ناراحتی نوباوگان و کودکان نوپا پاسخ دهند. به نوباوه‌ها محبت ورزند و نوباوگان هم در آغوش آن‌ها احساس امنیت و آرامش کنند.

سایر موارد: طبیعی است که مراقبت‌کننده‌ها می‌بایست در زمینه رشد و تغذیه کودک، کمک‌های اولیه و ایمنی آموزش کافی دیده باشند. از نظر ویژگی‌های شخصیتی هم با این شغل منطبق باشند و شغلشان را دوست داشته باشند.

اجزای سازنده یک مهد خوب برای کودکان ۲ تا ۶ ساله

قبل از انتخاب مهدکودک لازم

است به نکاتی توجه کنیم. از آن جمله نسبت تعداد مربیان به تعداد بچه‌هاست. هرچه تعداد کودکان کمتر باشد، کارایی مربی بیشتر می‌شود. آکادمی پزشکان اطفال آمریکا سه تا پنج کودک و هفت تا ده کودک بزرگ‌تر را برای هر مربی پیشنهاد کرده است. تفکیک رده‌های سنی مختلف نیز باید مورد توجه باشد؛ چرا که از گسترش بیماری بین بچه‌ها جلوگیری می‌کند. همچنین، باید درباره شیوه‌های تربیتی و مدیریتی مرکز اطلاع پیدا کرد. باید دید که چگونه از کودکان بیمار مراقبت

مربیان

مهد کودک چند مربی دارد؟ آیا به‌نظر می‌رسد که مربیان کودک را دوست دارند؟ مربیان چه مقاصد، اهداف و غایت‌هایی را برای کودکان در نظر دارند؟ تحصیلات آموزشی مربیان در چه حد است؟ تجربه آموزشی مربیان چگونه است؟ آیا مربیان تجربه مادر بودن دارند؟ آیا مربیان خودشان بچه دارند؟ اگر دارند آیا بچه‌هایشان به همان مهد کودک یا آمادگی می‌آیند؟ آیا با مربیان دیگر رابطه دوستی دارید؟ آیا از اینکه کودک خود را به‌دست مهد کودک و مربیان بسپارید، احساس رضایت می‌کنید؟ آیا این‌طور به‌نظر می‌رسد که مربیان عاشق کارشان هستند؟ آیا ویژگی‌های روانی و شخصیتی یک مربی مهد کودک را دارند؟

محیط و جو کلی

چه تعداد کودک در مهد کودک حضور دارند؟ محیط چگونه است؟ جو آرام است یا شلوغ و آشفته؟ بی‌خطر به‌نظر می‌رسد؟ آیا سیستم گرم‌کننده مناسب است؟ آیا تلاشی برای جذابیت بخشیدن به محیط مؤسسه و پیرامون آن به‌عمل آمده است؟ برنامه آموزشی چگونه است؟ آیا دارای نظم خاصی است؟ آیا نشانه‌ای از اینکه کودک از آموزش‌های مقدماتی برای خواندن، کار کلاسی و کتاب‌های تمرین برخوردار خواهد بود، به‌چشم می‌خورد؟ آیا فکر می‌کنید آن‌ها با بازی‌ها و اسباب‌بازی‌های تخیلی موافق‌اند و آن را تشویق می‌کنند؟ تجهیزات بازی در بیرون چگونه است؟ آیا اثری از دستگاه تلویزیون (که نکته‌ای منفی محسوب می‌شود) به‌چشم می‌خورد؟ آیا کامپیوتر ساده دارند؟ (بهتر است در مورد کودکان خردسال از آن استفاده نکنند). آیا فعالیت‌های هنری مثل وسایل ساده موسیقی، نقاشی، بازی با شن، وسایل آب‌بازی و لباس‌های نمایشی (برای دکتر بازی و غیره) وجود دارد؟ طی روز چه مقدار برنامه موسیقی وجود دارد؟ کودک تا چه اندازه امکان گوش دادن به موسیقی از روی نوار، صفحه، یا لوح فشرده را دارد؟ آیا بازی‌های همراه با آوازخوانی و حرکت انجام می‌شود؟

منابع

۱. استاپر، میریام؛ همه کودکان تیزهوش‌اند اگر...، مترجمان: سهراب‌سوری و امیر صادقی بابلان، دانش ایران، تهران، ۱۳۸۵.
۲. دینک، میر دان و همکاران؛ والدین و فرزندان زیر شش سال، مترجم: مجید رئیس‌دانا، رشد، تهران؛ ۱۳۸۴.
۳. برک، لورا ای؛ روان‌شناسی رشد، جلد اول، مترجم: یحیی سیدمحمدی، جلد اول، ارسباران، تهران؛ ۱۳۸۶.

4. Jamejamonline.ir



می‌کنند، به کودکان دارو تجویز می‌شود یا نه؛ آیا مرکز به اتاق مخصوص بچه‌های بیمار مجهز است؛ و یا در مهد کودک، پرستار یا پزشک برای مراقبت‌های پزشکی وجود دارد؛ آیا به ضرورت واکسیناسیون برای کودکان قبل از ورود به مرکز توجه می‌شود؛ به لزوم انجام آزمایش‌های پزشکی هنگام ثبت‌نام توجه می‌کنند و همچنین، برای هر کودکی پرونده پزشکی تشکیل می‌دهند.

در مورد مربیان و کارمندان مهد کودک نیز باید در نظر داشت که آیا با کمک‌های اولیه آشنا هستند، آشنایی آن‌ها با روش‌های تربیتی چگونه است، آیا کارکنان مهد کودک آموزش‌های لازم برای جلوگیری از گسترش بیماری‌ها را



چگونه رفتارهای خلقی غیراستاندارد را تشخیص دهیم؟

دکتر مرجان گودرزی
پزشک عمومی

سؤال: مادری هستم که دو کودک سه ساله و پنج ساله دارم. از شما تقاضا دارم نشانه‌هایی را که می‌توانم به بیماری و رفتارهای خلقی غیراستاندارد در کودکان بی‌بهرم برایم بیان کنید. چون گاهی در تشخیص اینکه چه رفتاری درست است و چه رفتاری می‌تواند نشانه یک بیماری باشد، مشکل دارم.

با سلام و تشکر از شما مادر عزیز، سؤال خوبی را مطرح کرده‌اید که بسیار با آن مواجه می‌شویم و والدین به دنبال نشانه‌ها و معرف‌های سلامتی و بیماری در کودکانشان هستند. البته باید اشاره کنم که کودکان در سنین مختلف باید مورد توجه و مشاهده دقیق قرار گیرند. ممکن است در هنگام مشاهده کودکان، متوجه حرکات خاصی در آنها شده باشید که بی‌فایده و بی‌هدف به نظر برسند و از این امر تعجب کنید. این موارد شامل حرکات بدن به سمت عقب و جلو، تیک‌های عصبی و پرش‌های عضلانی، پلک‌زدن بی‌درپی و سریع، ناخن جویدن، به هم ساییدن دندان‌ها، مکیدن شست، مالیدن چشم و حرکات دیگر است. بنابراین، یکی از مسائل دشوار برای مادران، مربیان و اطرافیان تشخیص آغاز حالات بیمارگونه در کودک سالم است. در هفته‌ها و ماه‌های اولیه ارتباط با کودکان، تشخیص اینکه پرخاشگری، بدخلقی و مسخره‌بازی کودکان نشانه‌ای از یک «لجبازی» طبیعی و عادی است و یا واکنشی نسبت به یک حالت غیرطبیعی درونی، دشوار است.

از آنجا که واکنش کودکان نسبت به بیماری کاملاً فردی و متفاوت با یکدیگر است، توصیه می‌کنم که از هر گونه گمانه‌زنی در مورد علل رفتارهای عصبی و پیشگیری از آن خودداری کنید. بهتر است در مراحل اولیه با افرادی که به خوبی با روحیات کودک آشنایی دارند و یا مشاوران پزشکی صحبت کنید و همواره به منحنی رشد سنی کودکان توجه کنید یعنی جو یا شوید که کودکان معمولاً در هر سن باید چه رفتار خاصی را داشته باشند. افراط و تفریط در رفتار میانگین می‌تواند قابل تأمل باشد. در این حال نیز آن‌ها را با یکدیگر مقایسه نکنید و اضطراب به خود راه ندهید.

بروز رفتارهای غیر معمول، غرزدن و یا گریه کردن در اثر کمتر بین تحریک می‌تواند نشانه یک بیماری مزمن یا قریب‌الوقوع و یا تنها نشانه‌ای از یک خستگی و بی‌حوصلگی ساده باشد. از آنجا که کودکان خردسال تمایل دارند خستگی خود را انکار کنند و در واقع تمایل به فعالیت و هیجان بیشتر دارند، تشخیص خستگی در آن‌ها بسیار دشوار است. توصیه می‌کنم وقتی متوجه نشانه‌های اولیه خستگی در کودکانتان می‌شوید با تغییر فعالیت‌ها و به کارگیری فعالیت‌های آرام‌تر و کم‌تحرک‌تر، از پیشرفت این حالات جلوگیری کنید.

مادر عزیز، از نگرانی و اضطراب بی‌مورد بپرهیزید ولی حتماً مشاهده‌گر خوب رفتارهای جسمی، حرکتی، عاطفی و هیجانی کودکان در هر سن باشید ولی در هر حال به دو عامل مهم بیشتر توجه داشته باشید، ۱. شدت مشکل که به مرور افزایش می‌یابد و ۲. تداوم و تکرار که در نهایت حتی همیشگی می‌شود. وقتی می‌بینید که رفتاری به تدریج تشدید شده یا به عبارت دیگر روند افزایشی پیدا کرده است و نیز تداوم دارد، حتماً به مشاور و پزشک متخصص مراجعه کنید. برای شما و فرزندانتان سلامتی و موفقیت بیشتر آرزو دارم.

کلیدواژه‌ها: سکوسازی، داربست‌سازی، منطقه تقریبی رشد

ویگوتسکی^۱ عقیده داشت که ارتباط یا گفت‌وگو بین معلم و کودک بسیار مهم است؛ زیرا ابزاری است برای کمک به کودکان تا بتوانند مفاهیم تازه را دریافت و درباره مفاهیم عالی‌تر ذهنی نیز فکر کنند. سکوسازی^۲ در حقیقت ساختاری است که معلم مهیا می‌سازد تا کودک بتواند با کمک و یاری او در تکلیف خاص چیرگی و تسلط یابد.

در استفاده از حوزه و منطقه تقریبی رشد (Z.P.D)^۳، معلم می‌تواند سکوسازی را انتخاب کند. در این قسمت، کودک تکالیفی را که در منطقه تقریبی رشد قرار دارند و هنوز آن‌ها را نیاموخته است، با یاری بزرگ‌ترها انجام می‌دهد که به این یاری و کمک کردن، داربست‌سازی و یا تکیه‌گاه‌سازی هم گفته می‌شود. وقتی معلم آگاهی یابد که کودک در یک مرحله و یا بیشتر در انجام تکالیف و فعالیت مورد نظر تأخیر دارد، می‌تواند به او یاری دهد؛ درحدی که بتواند تکلیف خود را با کمک او به انجام برساند ولی به جای او عمل نمی‌کند. کودک در مراحل بعدی می‌تواند فعالیت را به تنهایی و با اعتمادبه‌نفس به پایان برساند.

تکیه‌گاه‌سازی را می‌توان فرایند هدایت یادگیرنده برای گذر از آنچه تاکنون می‌داند به آنچه قرار است یاد بگیرد، تعریف کرد. بنابر نظر ویگوتسکی آزمون‌های رشد و یا حل مسئله، سطح رشد فعلی (واقعی) کودک را اندازه می‌گیرند اما با قدری پرسش و پاسخ می‌توان کودک را واداشت که توانایی بیشتری را از خود بروز دهد. در واقع، آنچه کودک به کمک دیگران انجام می‌دهد، بیشتر معرف توانایی واقعی آنان است. بنابراین، برای شناسایی رشد کودکان هم باید به



گام‌های لازم برای انجام سکوسازی یا داربست‌سازی

۱. به شیوه انجام کار کودک به‌دقت و تیزبینی نگاه کنید. از راه مشاهده می‌توانید نیت و مقصود او را دنبال کنید.
 ۲. از کودک بپرسید قصد انجام چه کاری را دارد. پرسیدن، نشانگر احترام به کودک است و انگیزه کلاسی خوبی برای قصد ذهنی او به‌وجود می‌آورد.
 ۳. در مورد اعمال کودک اظهار نظر کنید؛ اظهار نظر شما نشان می‌دهد که به کارهای او توجه نشان می‌دهید.
 ۴. سکوسازی را به‌طور کلامی و شفاهی و نیز عملی نشان دهید تا شیوه‌ای برای حل مسئله به او پیشنهاد شود. این شیوه، امکاناتی را برای کودک فراهم می‌آورد تا راه‌های تازه‌تری را بیابد. قبل از هرگونه حرکت برای تغییر کارهای او، از او نظر و اجازه بخواهید.
 ۵. به‌محض ورود کودک به فرایند انجام و تکمیل کار، خود را کنار بکشید. این عمل به او کمک می‌کند تا خودش به‌تنهایی کار کند و انجام کار را متعلق به خود بداند.
 ۶. در مورد فعالیت و انجام کار کودک مخصوصاً اظهار نظر نکنید؛ زیرا او مهارت جدیدش را مرهون گفته‌های ارزشمند شما خواهد دانست.
- گفتنی است که در فرایند سکوسازی، همه یا بعضی از گام‌های فوق می‌توانند به‌وقوع بپیوندند. در اداره و مدیریت سکوسازی، وود، برونر و راس در سال ۱۹۷۶ چنین اظهار نظر می‌کنند که برحسب زمینه‌های خاصی که کودک برای انجام و تکمیل کار خود نیاز دارد، ساختار تکیه‌گاه‌سازی تغییر می‌کند. همتایان و همکلاسی‌های کودک بهترین کمک‌کننده و یاری‌دهنده محسوب

تکیه‌گاه‌سازی را می‌توان فرایند هدایت یادگیرنده برای گذر از آنچه تاکنون می‌داند به آنچه قرار است یاد بگیرد، تعریف کرد

سطح رشد فعلی و هم به سطح رشد بالقوه آنان توجه داشت و برای ارتقای کودکان به سطح بالقوه رشد باید از بازی، آموزش مفاهیم مختلف و حتی کار کردن و انجام امور مختلف استفاده کرد.

واقعۀ عینی و نمونه سکوسازی

کیف زهرا از دستش به زمین می‌افتد و جعبه مدادرنگی‌هایی که با خود به‌همراه دارد، کف اتاق پراکنده می‌شود. زهرا زانو می‌زند و نزدیک میز کلاس به‌سرعت به جمع‌آوری و شمارش تصادفی آن‌ها می‌پردازد (۱۰-۹-۵-۴-۳-۲-۱). در این حال، مربی به طرف او می‌رود و در کنارش می‌نشیند و می‌گوید: «خوب شنیدم که همه مدادرنگی‌هایت را شمردی، حالا بهتر است هر کدام را که می‌شماری، روی میز بگذاری. در این صورت می‌توانی همه را به‌هنگام شمارش ببینی و از شمردن همه مطمئن شوی.» زهرا خوشحال می‌شود و با تکان دادن سر به نشانه پذیرش یکی از مدادها را بلند می‌کند و روی لبه میز قرار می‌دهد و می‌گوید: «آهان، این یک.» حالا بعدی و باحوصله دومین مدادرنگی را هم روی لبه میز قرار می‌دهد و می‌گوید: ۲. در این حال معلم می‌گوید: «خوب، چون مدادها را به‌ترتیب کنار هم گذاشته‌ای، حالا شمردنشان خیلی آسان می‌شود.» زهرا به آهستگی کارش را ادامه می‌دهد. به چهارمین مدادرنگی که می‌رسد، به دوستش شادی نگاهی می‌اندازد و او هم چهارمی را به دستش می‌دهد. در دفعات بعدی، زهرا نام عدد را بیان می‌کند ولی نمی‌تواند به‌ترتیب تطابق با عدد کارش را درست انجام دهد و نظم را رعایت نمی‌کند. به این صورت که می‌گوید: (۱۰-۹-۸-۶-۴-۳-۲-۱) در این حال معلم می‌گوید: «آفرین، تو توانستی همه را بشماری.» طی این واقعۀ، ما می‌توانیم تغییر توانایی کودک را مشاهده کنیم. بنابراین، با تمرین در مهارت تطابق دادن نام عدد با هر شکل کودک می‌تواند به‌تدریج خود را اصلاح کند. به اصطلاح خود -اصلاحی در شمارش پیدا می‌کند و خطاهایش را کنترل می‌کند. این تکلیف سکوسازی یا تکیه‌گاه‌سازی به‌مراتب بیشتر از کمک در تکمیل و به‌انجام رسانیدن کار کودک تلقی می‌شود؛ زیرا در پایان کار، مهارت انجام دادن تکلیف به‌تنهایی را پیدا می‌کند و برای پیشروی و انجام کارهای بیشتر و بهتر اعتمادبه‌نفس پیدا می‌کند.



دکتر فرخنده مفیدی
استاد دانشگاه علامه طباطبایی

سکوسازی، داربست‌سازی و یا تکیه‌گاه‌سازی چیست؟

کودک تکالیفی را که در منطقه تقریبی رشد قرار دارند و هنوز آن‌ها را نیاموخته است، با یاری بزرگ‌ترها انجام می‌دهد که به این یاری و کمک کردن، داربست‌سازی و یا تکیه‌سازی هم گفته می‌شود

می‌شوند. به نظر می‌رسد که آن‌ها با سهولت بیشتری می‌توانند گام‌های مورد نیاز کودک را دریابند؛ زیرا خودشان نیز این مراحل را تجربه کرده و یا پیموده‌اند. معلم می‌تواند به‌دقت بر کار و نحوه انجام فعالیت کودک و لحظه نیاز او به کمک، آنچه برای یادگیری نیاز دارد و نه فراتر از آن متمرکز شود. این کار مستلزم توانایی کنار کشیدن به‌موقع خود از جریان فعالیت کودک و درک تفکر کودک و پیش‌بینی اعمال او برای پایان کار است.

تجربه کنید. شواهد را یادداشت کنید. سعی کنید به‌موقع کودک را برای ادامه کار تنها بگذارید و او را به خود وابسته نکنید. ● تجربه عملی خود را برای دفتر مجله ارسال کنید تا به نام خودتان به چاپ برسد.

پی‌نوشت‌ها

1. Vygotsky
2. Scaffolding

۳. در شماره ۱۷ (زمستان ۹۱) فصلنامه مقاله‌ای تحت عنوان «منطقه تقریبی رشد کودکان کدام است؟» آمده است که به درک این مطلب کمک می‌کند.

منبع

1. Arleen pratt Prairie (2005). inquiry into Math, Science and Technology for Teaching Young children, Delmar.

برای اندیشیدن و عمل توسط مربیان و مادران

- توانایی کار مستقلانه کودکان را بسنجید.
- کارهایی را که کودکان نمی‌توانند به‌تنهایی انجام دهد، شناسایی کنید.
- سعی کنید به‌نوعی فرایند سکوسازی یا داربست‌سازی را برای انجام کارها با کودکان

چه کنیم تا از محیط کارمان بیشتر لذت ببریم؟

فاطمه رجبی
 کارشناس ارشد آموزش و پرورش
 پیش از دبستان

- هر شغلی کاملاً مطابق میل ما نیست و محاسن و معایبی دارد، ممکن است ما شغلمان را اصلاً دوست نداشته و صرفاً به‌خاطر نیاز مالی آن را پذیرفته باشیم یا برعکس، به شغلمان علاقه فراوانی داشته باشیم اما محیط و اطرافیان و کار برایمان خوشایند نباشند. ما باید بتوانیم کاری کنیم که از آن لذت ببریم. رعایت نکات زیر می‌تواند به ما در نیل به این هدف یاری برساند.
- ✓ کارمان را با نام خدا و توکل بر او شروع کنیم.
- ✓ سعی کنیم کار و محیطش را کاملاً درک کنیم.
- ✓ به نکاتی که از نظر ما عیب کار محسوب می‌شوند، آن قدر فکر نکنیم که ذهن ما را مشوش کند.
- ✓ صبح که به محل کار می‌رویم، به کارهای مثبتی بیندیشیم که می‌توانیم انجام بدهیم.
- ✓ باید بپذیریم که محیط کارمان قوانین خاص خود را دارد.
- ✓ قوانین چه مطابق میل ما باشند چه نباشند، باید آن‌ها را رعایت کنیم؛ زیرا خودمان - هر چند به اجبار - این کار را قبول کرده‌ایم.
- ✓ باید از توانایی‌های خود آگاه باشیم و به آن‌ها ایمان داشته باشیم.
- ✓ اعتماد به نفس مان را همیشه حفظ کنیم.
- ✓ پیش از آنکه از حرف نامربوطی که راجع به خودمان شنیده‌ایم ناراحت شویم، توجه کنیم که آن را چه کسی و در چه موقعیتی گفته است.
- ✓ همیشه دیگران برداشت درستی از ما ندارند؛ نباید به آن اعتنا کنیم. گاهی ممکن است افراد از روی حسادت حرف‌هایی بزنند.
- ✓ منظم باشیم و با ظاهری آراسته به محل کار برویم.
- ✓ سعی کنیم همیشه لبخند به لب داشته باشیم.
- ✓ فقط به منافع شخصی خود فکر نکنیم.
- ✓ اگر با یکی از همکاران صمیمی شدیم، این دوستی تا حدی نباشد که مانع پیشرفتمان شود.
- ✓ با همه همکاران روابط سالمی داشته باشیم و سعی کنیم آن را حفظ کنیم.
- ✓ کار خود را به بهترین صورت انجام دهیم.
- ✓ فقط به پیشرفت خودمان فکر نکنیم و به همکاران هم برای پیشرفت در کارشان کمک کنیم.
- ✓ سعی کنیم رقابتی سالم داشته باشیم تا هم انگیزه‌مان بیشتر شود و هم کارمان کسل‌کننده نباشد.

مسعود تهرانی فرجاد

اشاره

درب‌گیرنده تمامی ابعاد روابط انسانی است. رشد اجتماعی و کسب مهارت‌های مربوط به آن یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سلامت روان محسوب می‌شود. پرورش مهارت‌های اجتماعی در دوران کودکی نقش بنیادی در کیفیت زندگی انسان دارد. که از جمله مهم‌ترین این مهارت‌ها، کسب مهارت‌های ارتباطی است. این توانایی همانند سایر دانش‌ها و مهارت‌ها، تابع اصول و منطق خاص خود می‌باشد.

قرآن کریم با تأکید بر ارتباطات اجتماعی، انسان را موجودی اجتماعی و اسلام را شکوفاکننده و پرورش‌دهنده قابلیت‌ها و توانایی‌های اجتماعی شدن و برقرارکننده الفت و ارتباط بین انسان‌ها می‌داند (آل عمران، آیه ۱۰۳)

اما آنچه مسلم است لزوماً انسان محکوم و تابع تغییرات اجتماعی نیست، بلکه در موقعیت خویش و در بحران‌های اجتماعی از امکان و توان لازم جهت هدایت و دخل و تصرف در مؤلفه‌های تحولات اجتماعی برخوردار است. (برنامه درسی ملی مصوب شورای عالی آموزش و پرورش، اسفندماه، ۱۳۹۱)

اجتماعی شدن، فرآیندی است که در آن انگیزه‌ها، رفتارها، مهارت‌ها و نگرش‌های فرد در تعامل با اجتماع شکل می‌گیرد. نظریه‌های مربوط به نقش‌های اجتماعی و کارکردهای ارتباطی تأثیر فراوانی در پرورش رشد اجتماعی و توسعه آن در زندگی انسان‌ها دارد. برای نمونه هارولد لاسول (محقق معروف اروپایی، ۱۹۴۸) برای نخستین بار در حوزه علوم ارتباطات در مقاله خود بر نقش اساسی محیط (اجتماع) در انتقال میراث فرهنگی و ارتباطات اجتماعی تصریح نموده است. اما در این میان به نقش قرآن کریم به عنوان معتبرترین منبع در روابط اجتماعی کمتر توجه شده است. به طوری که با بررسی و مطالعه در منابع علوم ارتباطات اجتماعی درمی‌یابیم، بیشتر نظریه‌ها و تحلیل‌ها صرفاً از دیدگاه اندیشمندان و صاحب‌نظران این علوم منشأ می‌گیرد.

هر چند مطالعات ارتباطی یکی از شاخه‌های جوان علوم ارتباطات اجتماعی در جهان معاصر به‌شمار می‌رود، اما با توجه به تأکیدات فراوان بر رشد اجتماعی کودکان و همچنین اهمیت نقش الگوی والدین و مربیان در فرآیند تعلیم و تربیت اجتماعی و ارتباط با آنان لازم و ضروری است تا از استوارترین برنامه و راه زندگی یعنی قرآن کریم بهره‌مند شویم، تا الگوی مناسبی در شکل‌گیری رفتارهای اجتماعی کودکانمان باشیم. در این خصوص در سال‌های اخیر نیز در اسناد تحولی نظام آموزش و پرورش به ارتباط با خلق (اجتماع) در بیان چهار عرصه ارتباطی (خود، خدا، خلق و خلقت) تصریح شده است. (برنامه درسی مصوب شورای عالی آموزش و پرورش اسفند، ۱۳۹۱)

کلیدواژه‌ها: ارتباط اجتماعی، رشد اجتماعی، قرآن، اصول ارتباطی

ارتباط، زیربنای تکامل جامعه انسانی است، تا زمانی که انسان‌ها پراکنده بودند تکامل و پیشرفت فرهنگی و اجتماعی نداشتند و به بلوغ فکری نیز دست نیافته بودند. فقدان ارتباط و کاستی در ارتباط اجتماعی آثار بسیار زیان‌بار بر جای می‌گذارد، به طوری که هر قدر دانش اجتماعی توسعه می‌یابد، بیشتر مشخص می‌شود که انسان بریده از اجتماع و فاقد ارتباط با دیگران، همواره در معرض بسیاری از آسیب‌های فردی است. به همین دلیل است که قرآن کریم همواره به پرهیز از تفرقه و جدایی تأکید دارد و به تعامل و ارتباطات اجتماعی پسندیده به عنوان درمان بیماری‌ها و آسیب‌های روانی توجه ویژه دارد.

کودکی که مهارت‌های ارتباطی با دیگران را نیاموزد، به گوشه‌گیری، اضطراب، نگرانی و بسیاری از معضلات دیگر در کوتاه‌مدت و بلندمدت دچار می‌شود.

ما مربیان باید با شناخت صحیح از چگونگی تعامل با کودکان آن هم تک‌تک آن‌ها زمینه‌های پرورش و توسعه مهارت‌های اجتماعی‌شان را فراهم آوریم. از دیدگاه دیگر جوامع نوین بشری یکی از بحران‌های پیش رو، کاستی یا اختلال در ارتباط انسانی است. تا آنجا که فراموشی ارزش‌های انسانی و «شیء سروری» یا همان اصالت‌اشیاء - Reification - مطرح است. (جامعه‌شناسی ارتباطات، سازوختی، ص ۱۲)

ارتباط اجتماعی شالوده حیات اجتماعی است و ابعاد وسیع و همه‌جانبه دارد به طوری که

صداقت در سامان بخشی و استحکام ارتباطات اجتماعی تأثیر به‌سزایی دارد. از مهم‌ترین سرمایه‌های یک ارتباط مؤثر و ماندگار، صداقت و اعتماد متقابل است. انسان باید با خود و دیگران صادق بوده تا در مسیر زندگی خود و به‌ویژه تعامل با دیگران موفق باشد

اما نکته قابل تأمل اینکه بلافاصله بعد از تأکید به عدل، به احسان و نیکی امر و اشاره شده است. یعنی در تعامل و ارتباط با کودکان نباید به شکل محض و کلی فقط از منظر عدالت نگریست، بلکه در زندگی اجتماعی و به ویژه در نظام تعلیم و تربیت باید به احسان به موازات عدل توجه نمود.

احسان ناظر بر انجام کار نیک برای دیگران است نه اینکه فرد کار را نیکو انجام دهد. احسان خیر و نفع خود را به دیگران رساندن است، حال با توجه به اینکه نیازها و ویژگی‌ها مخاطبمان (کودک پیش دبستان) متفاوت با سنین بالاتر است؛ به طور عینی تر در فرآیند ارتباطی در دوره پیش دبستان از اصل عدل و احسان می‌توان این بهره را گرفت که در عین توجه به تفاوت‌ها و توانایی‌های فردی (اصل عدالت)، لازم است پایبند اصل احسان نیز باشیم به نحوی که نیکی ما به کودکان در شناسایی صحیح و دقیق توانایی‌های تک‌تک آنان است. در ارتباط با کودک همواره باید سعی کنیم شرایط، سلیق، خلاقیت‌ها و ... او را مدنظر داشته باشیم. به او کمک کنیم - احسان کنیم - تازمینه‌های بروز ظرفیت‌ها و توانایی‌های پسنندیده در وی محقق شود.

صبر، اصلی دیگر در روابط اجتماعی

صبر همراه تأمل و آگاهی، مقاومت توأم با چاره‌جویی و یافتن راه کارهای مناسب در تعاملات اجتماعی، جامعه را به سمت صعود سوق می‌دهد. (آیت‌الله جوادی آملی، سال ۱۳۷۸، ص ۳۷۳)

یا ایها الذین امنوا صبروا و صابروا و رابطوا.
 ای کسانی که ایمان آورده‌اید در کارهای خود و در ارتباط با دیگران صبور باشید و یکدیگر را به صبر و استقامت سفارش کنید (سوره آل عمران، آیه ۲۰۰)

دستوراتی

که در این آیه کریمه آمده است به روشنی نقش و تأکید بر صبر را در ارتباطات اجتماعی مورد توجه قرار داده است.

بدون صبر، پایداری و شکست‌ناپذیری هرگز نمی‌توان موفق بوده و بر مشکلات در تعاملات اجتماعی

بی‌شک ارتباط انسان‌ها با یکدیگر نمی‌تواند بدون چارچوب و قاعده باشد، زیرا انسان به‌طور فطری، طبیعی و تجربی در طول زمان سعی داشته است که به رابطه خود با دیگران چارچوب داده و همواره با این سؤال مواجه است که چگونه ارتباط خود با دیگران را سامان بخشد؟ از این رو می‌توان به چرایی و تأکید قرآن کریم در ترغیب انسان به فرمانبری از خداوند متعال و امتناع از غیر او و به بهره‌گیری از راهنمایان دین و قرآن کتاب هدایت پی برد. *ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم*. قطعاً این قرآن شما را به استوارترین راه‌های زندگی هدایت می‌کند (سوره اسراء، آیه ۹). با تدبر در آیات قرآن می‌توان راه‌های استوار، اصول و روش‌های مناسب در زندگی اجتماعی را یافت و از آزمون و خطا مصون بود یا دست‌کم از آن کاست. در این نوشتار پنج اصل مهم اعم از عدل، احسان، صبر، صداقت و امانت‌داری در ارتباط و تعامل با کودکان در تربیت اجتماعی ارائه می‌شود.

عدالت و احسان دو اصل توأمان

ان الله یامر بالعدل و الاحسان. خداوند به رعایت عدالت و احسان امر می‌نماید. (سوره نحل، آیه ۹۰)

در این آیه نورانی مهم‌ترین اصل در زمینه مسائل زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها بیان شده است، به طوری که در تفاسیر معتبر المیزان و نمونه، این آیه را جامع‌ترین برنامه اجتماعی معرفی کرده‌اند. عدل، در مقابل ظلم است به این معنا که عدالت قرار دادن هر چیز در جایی که سزاوار آن است. (قرآن حکیم، شرح و توضیح آیات ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی، ص ۲۷۷) عدل صرفاً به معنای مساوات و برابری نیست و این در نظام تربیتی یعنی توجه به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های افراد و به عبارت روشن‌تر توجه به تفاوت‌های فردی است که در غیر این صورت ظلم به فراگیران است.



از قرآن کریم می‌خوانیم: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ. ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خدا و پیامبر خیانت نکنید و در امانت‌های خود خیانت روا ندارید در حالی که می‌دانید. (سوره انفال، آیه ۲۷) امانت گرچه معمولاً به امانت‌های مالی اطلاق می‌شود، اما در منطق قرآن مفهوم وسیعی دارد که تمام شئون زندگی اجتماعی و اخلاقی را در برمی‌گیرد. تا آنجا که در روایات اسلامی، حتی گفت‌وگوهای خصوصی که در مجلسی گفته می‌شود و گوینده راضی نیست افراد دیگری غیر از حاضرین جلسه از آن‌ها مطلع شوند، امانتی در نزد شنوندگان شمرده شده است. (قرآن حکیم، شرح و توضیح آیات، آیت‌الله مکارم شیرازی، ص ۱۸۰)

هر نعمتی از جانب خداوند امانتی از سوی اوست که وظیفه هر کسی که آن نعمت را در اختیار دارد، مراقبت‌ها و استفاده صحیح از آن است. کودکان پیش‌دبستان نمونه بارزی از این امانت‌های الهی هستند که نباید در آموزش‌ها و ارتباط با آنان غفلت کرده و با بی‌توجهی دچار خیانت در این امانت‌های خدادادی شویم.

سخن آخر

با مروری بر اصول بیان شده (عدل، احسان، صبر، صداقت و امانت‌داری) در تعاملات اجتماعی همواره ما اولیا و مربیان کودک پیش‌دبستانی باید به خود یادآور شویم که در رفتار و گفتارمان به گونه‌ای عمل کنیم تا به ارتباط اثر بخشی و ماندگار منجر شود با تأکید بر نقش الگویی‌مان دائم به خود گوش زد کنیم که «کودکانمان آن گونه که می‌گوییم تربیت نمی‌شوند بلکه آن گونه که هستیم تربیت می‌شوند.»

فائق آمد تا آنجا که از مهم‌ترین ارکان هر پیروزی و توفیقی، صبر و استقامت در کارهاست و این از اساسی‌ترین اصول در فرآیند تعلیم و تربیت است.

ما مربیان پیش‌دبستانی به‌خوبی می‌دانیم در برخورد با کودکان باید صبور و پرحوصله باشیم و هر گاه چنین اصلی فراموش شود یا به هر میزان کمتر مورد توجه قرار گیرد به همان اندازه از موفقیت‌مان کاسته می‌شود. به عبارت واضح‌تر بین صبر، حوصله و شرح‌صدر اولیا و مربیان در ارتباط با کودک با میزان موفقیت یا عدم توفیق آنان رابطه معناداری وجود دارد. خداوند متعال در قرآن کریم خطاب به پیامبر عظیم‌الشان (ص) برای فائق آمدن بر مشکلات و سختی‌های هدایت و تعامل با دیگران می‌فرماید: أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ. آیا ما به تو شرح صدر (ظرفیت و توانایی تحمل برای هدایت انسان) ندادیم. (سوره انشراح، آیه ۱)

نمونه دیگر، هنگامی که خداوند حضرت موسی (ع) را برای راهنمایی و مربی بودن انسان‌ها برگزید، اولین خواسته ایشان، سعه صدر بود و گفت: رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي. پروردگارا (در مسیر هدایت و ارتباط با دیگران) به من سعه صدر (صبر و تحمل) عطا کن. (تفسیر نور، ج ۱۲، ص ۵۲۴)

صداقت

این وعده خداوند مهربان است که او همواره با صادقین است و از ما بندگان هم خواسته است که در همه امور با صادقان باشیم. یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقين (توبه، آیه ۱۱۹)

صداقت در سامان بخشی و استحکام ارتباطات اجتماعی تأثیر به‌سزایی دارد. از مهم‌ترین سرمایه‌های یک ارتباط مؤثر و ماندگار، صداقت و اعتماد متقابل است. انسان باید با خود و دیگران صادق بوده تا در مسیر زندگی خود و به‌ویژه تعامل با دیگران موفق باشد. آنان که با کودکان سروکار دارند صداقت در گفتار و رفتار را بیشتر مشاهده می‌کنند. به همین جهت ما مربیان همواره باید به این اصل اساسی که در مخاطبان ما به صورت فطری وجود دارد، توجه جدی نماییم، که نه تنها دچار خدشه نشوند بلکه در سایه تربیت صادقانه ما روز به روز شکوفاتر شوند.

امانت‌دار خوبی‌باشیم

اصلی دیگر از اصول ارتباطات اجتماعی از منظر قرآن کریم و آخرین اصل در این نوشتار، رعایت امانت در تعاملات اجتماعی است. در آیه شریفه





تربیت دینی کودکان پیش دبستانی

غفار کریمیان پور، کارشناس ارشد آموزش پیش از دبستان و مدرس دانشگاه پیام نور
حمیرا احمدی، کارشناس ارشد آموزش پیش از دبستان و مدرس دانشگاه پیام نور

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، کودکان پیش دبستانی

مقدمه

تربیت از جمله مباحثی است که در طول تاریخ مورد توجه بشر بوده است. اقدام برای تربیت آدمی در طول تاریخ با اعمال روش‌های متفاوت در جوامع مختلف نشان‌دهنده درک ضرورت و اهمیت تربیت می‌باشد. با وجود اینکه امکان تربیت فرد در دوره‌های مختلف وجود دارد، ارزش و اهمیت آن در دوران کودکی با دیگر دوران‌ها قابل مقایسه نیست. تربیت کودکان ابعاد مختلفی دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها **تربیت دینی** است.

اگر باور داریم که دین برای اقتصاد، سیاست، آموزش و پرورش، آداب حیات و تعیین برنامه زندگی دستورات و تعلیمات لازم و کافی دارد، باید قبول کنیم که تربیت دینی کودکان امری فوق‌العاده مهم و ضروری است (سادات نجومی، ۱۳۹۰). به کارگیری دین در زندگی، نیازمند آموزش و تربیت خاص خود است. دوران پیش از دبستان نیز یکی از مراحل ویژه و حساس دوران تربیت‌پذیری انسان است که باید مدنظر قرار بگیرد؛ زیرا در این دوران جسم و جان کودک برای پذیرش هر نوع تربیت آماده است و آنچه کودک در این دوران می‌آموزد، در اعماق جانش نفوذ می‌کند و تا پایان عمر می‌تواند آن را به آسانی به کار ببرد. بنابراین، باید برای این دوران بسیار مهم، برنامه‌ای ویژه داشت و سرمایه‌گذاری

بیشتری برای سعادت‌مند شدن کودکان در دوران بعدی زندگی‌شان انجام داد. بنابراین با توجه به آنچه گفته شد، در این مقاله به دنبال پاسخ به سؤال‌های زیر می‌باشیم:

- تربیت دینی کودکان پیش از دبستان چیست؟

- عوامل مؤثر در تربیت دینی کودکان پیش از دبستان کدام‌ها هستند؟

- محتوای برنامه‌های تربیت دینی کودکان پیش از دبستان شامل چه چیزهایی است؟

- چه چیزهایی می‌تواند تربیت دینی کودکان پیش از دبستان را با مشکل روبه‌رو سازد؟

روش: در پژوهش حاضر با استفاده از روش اسنادی (کتابخانه‌ای) مفاهیم تربیت دینی کودکان پیش دبستانی، عوامل مؤثر بر تربیت دینی، محتوای تربیت دینی و آسیب‌های موجود در این حوزه مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری این تحقیق کلیه متون موجود در این رابطه بوده و نمونه‌گیری نداشته است. ابزار مورد استفاده فیش‌برداری بوده و نتایج به صورت کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

تربیت دینی کودکان پیش از دبستان

تربیت دینی شامل مجموعه اعمال عمدی و هدف‌دار به‌منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر است؛ به طوری که آن افراد در عمل و نظر به

آن آموزه‌ها متعهد و پایبند شوند (داوودی، ۱۳۸۳ ص ۲۶). منظور از تربیت دینی این است که کودک، نوجوان و یا جوان باید به‌گونه‌ای آموزش ببیند و تربیت شود که شخصیت او با اهداف دینی مطرح شده در آموزه‌های دینی همخوانی داشته باشد و بتوان او را شخص دین‌دار نامید. در این اصطلاح، تربیت دینی محدود به مسائل اعتقادی، معنوی و یا اخلاقی نیست بلکه رفتار و اندیشه آدمی را در سایر ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، عاطفی و هیجانی نیز دربرمی‌گیرد و شخصیت او را پوشش می‌دهد. بنابراین، فردی از این حیث تربیت یافته تلقی می‌شود که از هر حیث به فرامین الهی نزدیک باشد. به عبارت دیگر، مراد از این نوع آموزش و پرورش این است که شرایطی برای فرد مورد تربیت ایجاد شود تا نگرش او نسبت به خود، جهان اطراف و خالق این جهان براساس آنچه خود می‌یابد و فطرت او اقتضا می‌کند شکل گیرد و آنچه را لازمه پیمودن این مسیر است فراگیرد.

تربیت دینی باید از دوران پیش از دبستان آغاز شود. چرا که کودکان نهال‌هایی هستند که احتیاج به مراقبت و رشد دارند و اگر آموزه‌های معرفتی دینی با توجه به سطح رشد فکری کودکان ارائه شود، تأثیرات فراوانی برای دوره‌های بعدی رشد آن‌ها خواهد داشت. به دلیل قدرت الگوپذیری بالا در این سن، یکی از عوامل اصلی در امر تربیت دینی کودکان، والدین، مربیان و معلمان هستند. اگر مربی



خانه

و همراه

با اعضای خانواده

خود سپری می‌کنند. بنابراین، خانواده و محیط آن می‌تواند زمینه تربیت مناسب کودکان و آموزش مفاهیم دینی را فراهم کنند. با توجه به توانایی تقلید و الگوگیری کودکان در این دوره آموزش مفاهیم دینی به کودکان در خانواده باید کاملاً غیرمستقیم، توأم با بازی، آزادانه و لذت‌بخش باشد و از به‌کاربردن روش‌های آمرانه، جداً خودداری شود. در نظر گرفتن مواردی مثل بازی، الگوبرداری، همانندسازی و علاقه‌کودکان به شادی، شعر و کلام آهنگین در آموزش‌های دینی از اهمیت اساسی برخوردار است و بدون آن نمی‌توان به موفقیت رسید (تهذیبی و جوادنیا، ۱۳۸۵) و ارتباط عاطفی و دوستانه اعضای خانواده بستری مناسب برای موارد ذکر شده می‌باشد. علاوه بر رعایت موارد ذکر شده بایستی کودکان از تیررس پیام‌هایی که حاوی هرگونه بدی، زشتی و مسائل خلاف دین می‌باشد، مصون و محفوظ‌بمانند.

تلویزیون: بی‌تردید رسانه‌ها نقش مهمی در تربیت کودکان ایفا می‌کنند؛ چرا

جنبه نظری دارد و در حد آشنایی و انس با اصول دین و تمرین در اعمال عبادی است، بهتر است آموزش مسائل دینی به صورت «آموزش غیرمستقیم» باشد و هر کودک به تناسب میزان تمایل و توان خویش کشف کند و یاد بگیرد. در روش آموزش غیرمستقیم کودکان فرصت دارند برنامه‌های کار خود را تنظیم کنند و درباره دانسته‌ها و کشفیات خود، پرسش‌های گوناگون مطرح کنند. ارزشیابی از آموخته‌های آنان نیز باید به صورت غیرمستقیم انجام شود. علاوه بر آن، کودک در انجام فعالیت‌ها از آزادی بیشتری برخوردار شود و آموزش برای او جنبه سرگرمی و بازی داشته باشد. (تهذیبی و جوادنیا، ۱۳۸۵). کودک در این دوره، روحی لطیف و حساس دارد، دارای بعد عاطفی و احساسی قوی است و علاقه‌مند به مطالب و محتوایی است که احساس مدار هستند تا اطلاعات‌مدار. درحالی‌که کتاب‌های موجود بیشتر سواد مذهبی کودکان را بالا می‌برند تا حس مذهبی آن‌ها را (محمدی، ۱۳۹۰). بنابراین، تمام تلاش‌ها در این دوران باید مبتنی بر احساسات کودکان باشد تا زمینه انس بیشتر کودکان با مفاهیم دینی فراهم شود. با توجه به حس کنجکاو و پرسشگری که در این سن وجود دارد، پاسخ دادن به سوالات دینی کودکان با رعایت توان فکری و ذهنی آنان ابزاری مناسب برای آموزش مفاهیم دینی است.

عوامل مؤثر در تربیت کودک

عوامل زیادی در تربیت کودک دخالت دارند که در این مقاله به سه مورد از مهم‌ترین آن‌ها یعنی: خانواده، تلویزیون و کتاب اشاره می‌شود.

خانواده و والدین: در سنین پیش از دبستان، کودکان بیشتر اوقات خود را در

شایسته و دانا نباشد، برنامه‌ها و کتاب‌ها هر چند خوب و دقیق تهیه و طراحی شده باشند چندان کارایی تربیتی نخواهند داشت. مربی برای آنکه بتواند تأثیر تربیتی روی دانش‌آموزان داشته باشد باید دارای آگاهی‌ها و توانایی‌های زیادی باشد. علاوه بر توجه به توانایی، زمینه، آمادگی فرد و شروع آموزش براساس یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و ضروریاتی که مربیان تربیت دینی باید داشته باشند، آشنایی با مراحل رشد تفکر کودکان است تا بتوانند مطابق با پیشرفت رشد شناختی کودکان حرکت کرده و آن‌ها را در مسیر تربیت صحیح هدایت کنند. براساس نظریه رشد شناختی پیاژه کودکان ۶-۲ ساله از لحاظ رشد شناختی در دوره پیش‌عملیاتی قرار دارند و مهم‌ترین ویژگی رشد شناختی کودکان در این دوران، خودمحور بودن آن‌هاست. خودمحوری یعنی اینکه کودک فقط از دریچه چشم خود و براساس توانایی‌هایش به پدیده‌های جهان نگاه می‌کند و نمی‌تواند به دیدگاه‌های دیگران توجه کند.

بنابراین، کودک در این سنین به بخش محدودی از مسئله توجه می‌کند. کودکی که در این مرحله از تفکر قرار دارد، دربارهٔ مجردات هم این چنین می‌اندیشد (دهستانی، ۱۳۹۱). و این نحوه تفکر به فهم داستان‌ها و مفاهیم دینی نیز تسری می‌یابد و درک آن‌ها را با نواقص و محدودیت‌های زیادی روبه‌رو می‌کند. کودکان در این سن بسیاری از واژه‌های مذهبی را به‌کار می‌برند اما معانی آن‌ها را نمی‌دانند و کسی که بر این نکته واقف نباشد، به‌سبب به‌کارگیری زبان مذهبی به خطا تصور می‌کند که کودکان از قدرت فهم مذهبی بالایی برخوردارند. در واقع، تفکر مذهبی در این دوره ماهیتی افسانه‌ای دارد و برخورد کودک با داستان‌ها و معارف دینی همانند تصویری است که از داستان‌ها و افسانه‌های خیالی دارد (باهنر، ۱۳۸۸). با توجه به اینکه تربیت دینی در دوره پیش از دبستان بیشتر



(بایندر، ۱۳۸۲). این برنامه‌ها

می‌بایست الف) نمادهای

ارتباطی و واژگان

مذهبی و معانی

ساده و ملموس

آن‌ها را با اشاره

به برخی

ریشه‌های

آن‌ها بیان

کنند تا

به تدریج

کودکان به این

درک برسند که

دین روش خاصی

از تفکر است که در

قالب زبانی اصطلاحی و

کنایی، داستان‌ها، تمثیل‌ها

و اشعاری بیان شده است. ب)

دومین وظیفه در حوزه برنامه‌سازی

دینی این است که توجه کودکان به عناصر

احساسی و عاطفی دین جلب شود. به یقین

نمی‌توان مسائل عقلانی و انتزاعی دین را از

ابعاد احساسی آن جدا دانست تا آموزش

آن کامل شود. تا این احساس برانگیخته

نشود و وجدان و فطرت انسانی احیا نگردد،

ایمان ریشه‌ندوانیده است و نمی‌توان انتظار

داشت که این آموزش از جنبه نظری

خارج و به رفتار تبدیل شود (ج) در این

راستا داستان‌هایی نقل شود که چهره‌های

زیبا، دلنشین و مهربان از خدا و پیامبران

و امامان ارائه می‌دهند؛ زیرا این داستان‌ها

بیشتر با احساسات کودکان سروکار دارد

(باهنر، ۱۳۸۷).

کتاب (کتاب‌های داستانی): یکی از

منابع دیگر در آموزش و تربیت کودکان،

کتاب‌های داستانی است که معمولاً اولیا

یا مربیان برای انتقال مفاهیم دینی از

آن‌ها استفاده می‌کنند. در صورتی که این

کتاب‌ها با عالم کودکان و فطری کودکان

هماهنگ باشند، می‌توانند زمینه مناسبی

برای پرورش دینی کودکان فراهم سازند.

نظر به اینکه انتخاب کتاب کودک در سنین

پیش دبستانی به‌طور عموم توسط بزرگ‌ترها

صورت می‌گیرد و ارائه و نحوه بیان آن نیز

توسط آنان انجام می‌شود، فرصت مناسبی

است تا پدران، مادران و مربیان از آن بهره

کافی ببرند. در صورتی که نکات زیر در

تولید کتاب‌های داستانی مدنظر قرار گیرند،

می‌توانند در القای مفاهیم دینی تسهیل

ایجاد کنند.

● در موضوعات داستانی به‌جای تأکید

بر اطلاعات دانشی بر احساس و عواطف

تأکید شود.

● داستان‌های الهام‌گرفته از آیات

قرآنی و روایات بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

● به آثار مربوط به اصول و فروع دین

بیشتر پرداخته شود.

● مؤلفان این کتاب‌ها با روایات و

ویژگی‌های رشدی کودکان آشنا شوند.

● مواد خام برای نویسندگان

کتاب‌های مربوطه توسط پژوهشگران

حوزوی و... فراهم آید (محمدی، ۱۳۹۰).

انس با مکان‌های مذهبی و شرکت

در اعمال عبادی: راه دیگر آشنایی کودک

با دین حضور او در مکان‌های مذهبی و

تمرین اعمال به‌همراه بزرگ‌ترهاست. در

اعمال عبادی نقش الگوپذیری کودکان

بسیار مهم است. البته بایستی در این

مکان‌ها به این اصل توجه جدی شود:

آموزش بایستی همراه با محبت، تکریم،

عدالت و تناسب، اعتدال و پرهیز از افراط و

اجبار باشد.

آنچه باید آموزش داده شود

توجه به تربیت دینی در دوران پیش

از دبستان به‌عنوان دوره آغازین زندگی

بستر و زمینه‌ساز دوره‌هاست و می‌تواند

به درونی‌سازی مفاهیم در دوران بعدی و

سن تکلیف سهولت بخشد. مشروط به آنکه

که بخش زیادی از زندگی افراد جامعه در

کنار این وسایل سرشار از اطلاعات و داده‌ها

سپری می‌شود. همه رسانه‌های جمعی در

تربیت کودکان نقش دارند اما تأثیر تلویزیون

در سنین کودکی برجسته‌تر به‌نظر می‌رسد.

آنچه در این سنین اهمیت دارد، رعایت

ویژگی‌های عاطفی و شناختی کودکان

در ارائه مفاهیم و مضامین آموزشی است.

اگر پیام‌آفرینی در برنامه‌های مذهبی بدون

توجه به ظرفیت ذهنی کودکان مطرح

شود، ممکن است مطالب فراتر از درک

فراگیرندگان باشد و آن‌ها را به سردرگمی

و مشکلات بیشتری دچار کند. بنابراین، در

برنامه‌های ویژه کودکان باید به‌جای بیان

مستقیم اصول دین و مذهب - که تنها

نتیجه آن انباشتن حافظه کودکان از انبوهی

از معلومات دینی است - سعی شود طرح

مفاهیم مذهبی و اخلاقی در برنامه‌های

کودکان به‌گونه‌ای باشد که کنجکاو،

پویایی و خلاقیت آن‌ها را برانگیزد

کم‌توجهی به کنش‌های آزاد و تربیت
تحمیلی و صنعتی (شمشیری و نوذری،
۱۳۹۰). این آسیب‌ها اگر مورد توجه قرار
گیرند و در جهت کاهش و حذف آن‌ها
حرکت شود، باعث تسهیل‌پذیری در تربیت
دینی کودکان می‌شوند.

منابع

۱. باهنر، ناصر؛ «رسانه‌های جمعی و تولیدات
دینی برای کودکان» فصلنامه تحقیقات فرهنگی:
شماره ۳، ۱۳۸۷.
۲. شمشیری، بابک و نوذری، مرضیه؛ «آسیب‌های
تربیت دینی کودکان مقطع پیش‌دستانی از نظر
متخصصان روان‌شناسی، علوم تربیتی، علوم دینی،
ادبیات کودک و مربیان پیش‌دستانی». فصلنامه
علمی پژوهشی تربیت اسلامی: شماره ۱۲، ۱۳۹۰.
۳. محمدی، مهدی؛ «تحلیل محتوا
و نقد داستان‌های دینی منتشر
شده برای کودکان و
نوجوانان سال‌های
۵-۸-۱۰-۱۳».
فصلنامه علمی
پژوهشی تربیت
اسلامی: شماره
۱۳، ۱۳۹۰.
۴. تهذیبی، نسرين و
جوادیانیا، امیر؛ «تربیت
دینی کودکان در دوره
پیش از دبستان». نشریه
پیوند: شماره ۳۱۹، ۱۳۸۵.
۵. داوودی، محمد؛ «سیره تربیتی
پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)» مجله تربیت دینی.
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳.
۶. دهستانی اردکانی، نرگس؛ «منم می‌توانم خدا را
بینم مامان». فصلنامه رشد آموزش پیش‌دستانی:
شماره ۲، ۱۳۹۱.
۷. رضایی باینسدر، محمدرضا؛ «درآمدی بر نقش
تلویزیون در تربیت دینی کودکان و نوجوانان».
فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی: شماره ۳۵، ۱۳۸۲.
۸. سادات‌نجومی، زهرا؛ «تربیت دینی کودکان
و خانواده». ماهنامه آموزشی تربیتی پیوند.
شماره‌های ۳۸۱، ۳۸۲ و ۳۸۳
۹. فضل‌الله، محمدرضا؛ (۱۳۷۹)، «درآمدی بر
تربیت دینی با توجه به پیشرفت ادراکات دینی
در کودکان و نوجوانان. در تربیت اسلامی (ویژه
تربیت دینی)» مرکز مطالعات تربیت اسلامی وابسته
به معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش.
تربیت. تهران. ۱۳۷۹.

قابل هضم نیست و چه بسا باعث بدبینی
در آنان شود.

آسیب‌های تربیت دینی در دوره پیش‌دستانی

در نگاهی کلی به ادبیات موجود در این
حیطه می‌توان مهم‌ترین آسیب‌های موجود
را به شرح زیر نام برد:

● بی‌توجهی به اصل دین‌یابی (تجربه
دینی): توجه به افزودن بر محفوظات و
کثرت در ارائه اطلاعات، و عدم توجه به
اصل مهم تفکر و تأمل و کشف دین درونی
از این طریق و در نهایت تبدیل نشدن
معرفت ذهنی به معارف و مکارم قلبی؛

● عدم توجه به اصل دین‌محوری از
طریق کثرت موضوعات و تفکیک موضوعات
از دین و تربیت دینی و عدم تسلط و توانایی
مربیان در تلفیق تربیت دینی و آموزش
مسائل مختلف؛

● عدم توجه به اصل فطرت از طریق:
بی‌توجهی به فطرت الهی و مفروض گرفتن
وجود حس خداآوری و خدا دوستی در
کودکان و فاصله گرفتن مناسک و اعمال
دینی و روش‌های مورد استفاده از ماهیت
درونی و فطری کودکان و بیرونی برخورد
کردن با آن‌ها و از دست رفتن رسالتشان؛

● عدم توجه به اصل اعتدال با افراط
و تفریط در برخوردهای دینی، فشار آوردن
و سخت‌گیری بی‌جا و یا ترساندن کودک
در مقابل رها کردن و عدم توجه به تربیت
دینی او و تنها اظهار محبت کردن و افراط و
تفریط در هر مرحله؛

● عدم توجه به اصل تخیل (هنر) با
غفلت از فانتزی و تخیل در ادبیات کودک و
نیز عدم توجه به این اصل مهم، در این رده
سنی خاص به‌عنوان یک عنصر کمکی برای
تربیت دینی، عدم توجه به هنر و زیبایی در
ارائه محتوا و استفاده از بیان و روش‌های
هنرمندانه.

● عدم توجه به اصل آزادی با

به حدود و چارچوب تربیت‌پذیری کودک،
اصول آن و ابزارهای مناسب و متناسب
توجه داشته باشیم و محتوای لازم و
جامعی را برای پیشبرد دین‌پذیری کودکان
انتخاب کنیم. موارد زیر می‌تواند به‌عنوان
محتوای آموزش و تربیت دینی در کودکان
پیش‌دستانی مطرح شود:

□ **عقاید:** پایه‌هایی هستند که
ایمان فرد مسلمان بر آن‌ها استوار است
و بی‌وجود آن‌ها فرد از دایره اسلام خارج
می‌شود. عقاید شامل ایمان به خدا، ایمان به
پیامبران، ایمان به فرشتگان، ایمان به کتاب
آسمانی و ایمان به روز قیامت (آیه شریفه
۱۳۶ سوره نساء) می‌باشد.

□ **احکام شرعی:** نظام‌ها، قواعد
و باید و نبایدها در عبادات، معاملات و ...
که خداوند متعال آن‌ها را تشریح کرده تا
به وسیله آن‌ها انسان رابطه خود را با خدا،
برادران هم‌کیش و هم‌نوع خود، جهان،
هستی و زندگی برقرار سازد.

□ **اخلاق و آداب:** اخلاق در اسلام
یک نظام دقیق و فراگیر در رفتار انسان
است که تنظیم‌کننده انگیزه‌ها و اهداف
است، رفتارهای فردی را بهبود می‌بخشد و
روابط اجتماعی سالم را شکل می‌دهد.

□ **منابع اصلی تشریح:** که شامل
قرآن کریم و سنت می‌باشد.

□ **سیره انبیا و پاکان:** تشریح رفتار
و سیره آنان و تبیین عملی‌سازی دین در
زندگی توسط پیامبران است (فضل‌الله،
۱۳۷۹). البته این بدان معنی نیست که
همه این موارد و فلسفه دقیق آن‌ها به‌طور
کامل به کودک ارائه شود بلکه باید متناسب
با رشد شناختی و توانایی‌های ذهنی
کودکان و در قالب داستان‌ها، تمثیل‌ها،
اشعار و کلام آهنگین در اختیار او قرار
گیرد. حتی در مواردی باید از بیان بعضی
ویژگی‌ها خودداری کرد. به‌طور مثال، بیان
صفات غضب و قهری خداوند و یا داستانی
همانند ذبح حضرت اسماعیل برای این سن

با توجه به حس
کنجکاوی و پرسشگری که
در این سن وجود دارد، پاسخ
دادن به سوالات دینی کودکان با
رعایت توان فکری و ذهنی آنان
ابزاری مناسب برای آموزش
مفاهیم دینی است

دوربین خانم مربی!

تقر و نظر

۱۸
رشد آموزش پیش دبستانی
دوره پنجم، شماره ۳
بهار ۱۳۹۳

سید غلامرضا فلسفی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی

چندی پیش توفیقی دست داد تا در جمع تعدادی از مربیان پیش دبستانی حضور یافته و گفت‌وگویی فرهنگی آموزشی در مورد مباحث مربوط به علوم ارتباطات اجتماعی و حواشی آن داشته باشم. گفت‌وگو با حضرات بدان جا رسید که برخی از مربیان به بیان تجربیات خود در این زمینه پرداختند که از آن جمله موضوع بحث برانگیز و جالب توجه «دوربین خانم مربی» بود. مربیان می‌گفتند که والدین از آن‌ها می‌خواهند برای کنترل و تأدیب بچه‌ها به آن‌ها بگویند که در خانه‌هایشان دوربینی نصب شده که اعمال و حرکاتشان را دقیقاً ثبت و ضبط کرده و به مربی گزارش می‌دهد. از ثمرات این پیشنهاد همین بس که یکی از کودکان با الگوگیری از سربال‌های تلویزیونی و برای خلاص شدن از شر دوربین موهوم با چاقو به جان روکش میلمان و صندلی‌های خانه افتاده و با پاره کردن آن‌ها به جست‌وجوی دوربین خانم مربی پرداخته بود و کودک دیگری برای حفظ حرمت پدر از دید دوربین مزبور در حین تعویض لباس او را به داخل کمد هدایت نموده بود و... در این باره سؤال‌هایی به ذهن متبادر می‌شود: از جمله اینکه مرز تسلیم شدن مربی در برابر مطالبات این چنینی والدین تا کجاست. دوم اینکه در این سطح هزینه کردن مربی از خود جهت احیا اقتدار رو به احتضار چنین والدینی تا چه حد قابل توجیه است؟ سوم اینکه مربی پیش دبستانی که به طور حتم اعتقاد به خدا و روز جزا دارد و بر این باور است که عالم محضر خداست و خداوند بر همه کس و همه چیز ناظر و آگاه است، بر مبنای کدام آموزه تربیتی از این شیوه انضباطی بهره‌گیری می‌کند؟ و در آخر این که میزان اثربخشی عوامل کنترلی و نظارت‌های بیرونی از نظر مربی و والدین در چه حدی است که آنان را به پذیرش پیامدهای منفی این امر وادار می‌سازد؟

«از آنجا که سال‌های اولیه زندگی کودک زیر بنای تکوین شخصیت اوست، چنانچه تعلیم و تربیت کودک در دوران سیادت مبتنی بر فطرت الهی به خوبی سامان یابد، امید می‌رود در آینده سرشت حقیقت جویی، فضیلت خواهی، عبودیت و... در او بروز کند. از این رو برنامه و فعالیت‌های دوره پیش دبستانی با رویکرد شکوفایی فطرت الهی طراحی و





که خود تمامی ابعاد زندگی انسان را در بر می‌گیرد، با در نظر گرفتن زندگی ابدی برای انسان که جزای کامل اعمال انسان را امکان‌پذیر می‌سازد، با بیان تقوا و آثار آن در جایگاه مهم‌ترین عامل سعادت انسان با تکریم او و اختیار و آگاهی‌اش زمینه تحقق خودکنترلی در عالی‌ترین سطح در انسان را فراهم می‌سازد و از سویی دیگر به تمهیدات عملی برای تذکر و گرایش به این ارزش‌ها و تحقق آثار آن از جمله خودکنترلی اشاره می‌کند. این نظام اعتقادی در عالی‌ترین سطح به بیان نظارت الهی می‌پردازد که دارای ویژگی‌هایی منحصر به فرد است و بدون آنکه محدودیت‌های معمول نظارت دیگران را داشته باشد، امتیازهایی خاص به همراه دارد؛ از جمله: این نظارت تمامی اعمال و ابعاد زندگی انسان را شامل می‌شود. این نظارت توسط خداوند تبارک و تعالی که خالق انسان و بر همه چیز تواناست انجام می‌شود. این نظارت توسط کمال مطلق است که بر بندگان خود رؤف و مهربان‌ترین است، به بندگان ذره‌ای ظلم نمی‌کند، خوبی‌ها را چندین برابر پاداش می‌دهد و عذاب بدی‌ها را در حقیقت چیزی جز خود اعمال بد نیستند.^۲

به باور دینی هرگاه عامل کنترل‌کننده در خارج از انسان وجود داشته باشد، انسان رفتاری آنی و گذرا متناسب با موقعیت از خود بروز می‌دهد ولی اگر عامل کنترل درونی شود، به‌طوری که شخص با اختیار و آگاهی

تدوین می‌شود. متن مذکور رویکرد برنامه و فعالیت‌های دوره پیش‌دبستانی برگرفته از راهنمای برنامه دوره پیش‌دبستانی مصوب شورای عالی آموزش و پرورش است. اگر بپذیریم که رویکرد آموزشی در خانه و مرکز در امتداد هم و در عین حال مکمل و مقوم یکدیگرند، به نظر نمی‌رسد جهت‌گیری انضباطی ذکر شده متناسب با رویکرد برنامه مصوب مبتنی بر فطرت الهی متربی و در جهت شکوفایی آن در حرکت باشد.

اینک لازم است با نگاهی مقایسه‌ای و رویکرد جامعه‌شناختی و آسیب‌شناسانه به موضوع از منظر صاحب‌نظرانی چون «میشل فوکو» و «جرمی بنتام» از یک‌سو و آموزه‌های مکتب حیات بخش اسلام از سویی دیگر نگاهی عمیق‌تر بیفکنیم.

کلیدواژه‌ها: انضباط، نظارت، قدرت گفتمان

به باور فوکو در برخی جوامع اعضای دائم در معرض مراقبت، نظارت و تربیت هستند و در نهایت در شبکه قدرت اسیر می‌شوند. وی در کتاب «مراقبت و تنبیه» می‌گوید: «قدرت از اجتماع عوامل غیر شخصی نشئت می‌گیرد.»

فوکو انضباط را نه متناسب به نهادی خاص بلکه یک فن می‌داند که در برخی نهادها به‌طور فراگیر و سراسری و در نهادهایی دیگر مانند مدارس برای رسیدن به پیامدهایی از پیش تعیین شده به کار می‌رود. انضباط صرفاً جانشین شکل‌های دیگر قدرت موجود در جامعه نمی‌شود بلکه آن‌ها را محاصره می‌کند، به هم پیوند می‌زند، سیطره آن‌ها را بسط می‌دهد و کارایی آن‌ها را تشدید می‌کند.

این نگاه مراقبتی مربی به کودک را می‌توان در چارچوب طرح نظارت فراگیر بنتام موسوم به «نظام سراسربین» نیز ارزیابی کرد. بنتام معتقد است که پس از ظهور عصر روشنگری در غرب بر اساس این دیدگاه ساختمان زندان‌ها، در جایگاه یکی از مهم‌ترین نهادهای انضباطی، در معماری جدید به نحوی بازطراحی و واحدهای فضا‌طوری سامان داده شد که همه چیز را بدون وقفه و به‌طور دائم قابل رؤیت و در نتیجه قابل شناسایی و مراقبت نمود. هر زندانی در سلولی جای گرفت که همواره در معرض دید نگهبان بود اما خود زندانی چیزی نمی‌دید و بدین‌گونه نظام سیاه‌چال واژگون و عصر جدید رؤیت‌پذیری آغاز شد. فوکو طرح سراسربینی را نمود کامل انضباط به شمار می‌آورد؛ زیرا نگاه مراقبتی جایگزین متغیرهایی چون موانع مادی و خشونت جسمانی شد که طی آن ناظر بیرونی ضمن رؤیت سوژه از دید او پنهان می‌ماند.

در مقابل دیدگاه مزبور، نظام ارزشی اسلام با تبیین نظارت الهی با ویژگی‌هایی ممتاز

به ارزیابی و اصلاح عملکرد خود در قالب استانداردهای مشخص و در جهت اهداف مطلوب بپردازد، خودکنترلی تحقق یافته است. موضوع اصلی در این بین نحوه اعمال کنترلی اثربخش و کاراست؛ زیرا اعمال کنترل نامناسب نه تنها به دستیابی اهداف کمک نمی کند بلکه خود هزینه‌ها و پیامدهای منفی بسیار دربر دارد.

اوج جلوه انضباط و نظارت فراگیر بدون زور و خشونت با قرائتی رحمانی در فرمایش ابر مرد تاریخ، امام علی (ع) در بخش‌های پایانی دعای کمیل متجلی است؛ آنجا که در نهایت خشوع، ذات اقدس باری تعالی را سپاس می گوید که به فضل و رحمتش، گناهان آشکار و پنهان انسان را حتی از چشم تقریر کنندگان مقرب خود پنهان می دارد:

«ای خدا و سرور من، از تو خواستارم به قدرتی که مقدر نمودی و به فرمانی که حتمیتش دادی و بر همه استوارش نمودی و بر کسی که بر او اجرایش کردی چیره ساختی، که در این شب و در این ساعت بر من بیخشی هر جرمی که مرتکب شدم و هر گناهی که به آن آلوده گشتم و هر زشتی را که پنهان ساختم و هر نادانی [ای] که آن را به کار گرفتم، خواه پنهان کردم یا آشکارا، پنهان ساختم یا عیان و هر کار زشتی که دستور ثبت آن را به نویسندگان بزرگوار دادی، آنان که بر ضبط آنچه از من سرزند گماشتی و آنان را نیز گواهانی بر من قرار دادی علاوه بر اعضا و خود فراتر از آن‌ها مراقب من بودی و شاهد بر آنچه از آنان پنهان ماند و به یقین با رحمت پنهان ساختی و با فضل پوشاندی و اینکه از تو می‌خواهم از هر چیزی که نازل کرد یا احسانی که تفضل نمودی یا بر نیکی که گستردی یا رزقی که پراکندی یا گناهی که بیامیزی یا خطایی که ببوشانی، پروردگارا، پروردگارا، پروردگارا».



به باور دینی هرگاه عامل کنترل کننده در خارج از انسان وجود داشته باشد، انسان رفتاری آنی و گذرا متناسب با موقعیت از خود بروز می دهد ولی اگر عامل کنترل درونی شود، به طوری که شخص با اختیار و آگاهی به ارزیابی و اصلاح عملکرد خود در قالب استانداردهای مشخص و در جهت اهداف مطلوب بپردازد، خودکنترلی تحقق یافته است

پی‌نوشت‌ها

۱. سوره نساء، آیه ۱ / سوره احزاب ، آیه ۵۲ / سوره بقره، آیات ۹۶ و ۱۱۰
۲. سوره مائده، آیات ۱۷ و ۱۲۰ / سوره تغابن آیه ۱
۳. سوره بقره، آیه ۱۴۳ / سوره انعام، آیه ۱۶۰
۴. الهی و سَیِّدِی فَاسْئَلُکَ بِالْقَدْرَةِ الَّتِی قَدَّرْتَهَا وَ بِالْقَضِیَّهِ الَّتِی حَكَمْتَهَا وَ حَكَمْتَهَا وَ غَلَبْتَ مِنْ عَلَیْهِ اجْرَیَّتَهَا اَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّیْلَةِ وَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ كُلِّ جُرْمٍ اَجْرَمْتُهُ وَ كُلِّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ وَ كُلِّ قَبِيحٍ اَسْرَرْتُهُ وَ كُلِّ جَهْلٍ اَعْلَمْتُهُ كَتَمْتُهُ اَوْ اَعْلَنْتُهُ اَخْفَيْتُهُ اَوْ اَظْهَرْتُهُ وَ كُلِّ سَیِّئَةٍ اَمَرْتُ بِاِثْبَاتِهَا الْكَرَامَ الْكَاتِبِیْنَ
۵. الذین وکلتهم بحفظ ما یكون منی و جعلتهم شهوداً علی مع جوارحی و کنت انت الرقیب علی من ورائهم و الشاهد لما خفی عنهم و برحمتک احفیتهم و بفضلک سترتہ و ان توفّر حظی من کل خیر انزلتہ او احسان فضلته او بر نسرته او رزق بسطته او ذنب تغفرتہ او خطاء تسترته یارب یارب یارب

منابع

۱. نش، کیت؛ **جامعه شناسی سیاسی معاصر**، ترجمه محمد تقی دلفروز، انتشارات کویر، چاپ دهم، تهران، ۱۳۹۱.
۲. دریفوس، هیوبرت و رابینو، پل و میشل فوکو؛ **فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک**، ترجمه حسین بشیریه، نشر نی، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۹۱.
۳. فوکو، میشل؛ **قدرت انضباطی و تابعیت**، ترجمه فرهنگ رجایی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰.
۴. فوکو، میشل؛ **سراسرینی**، ترجمه ناهید مویدی حکمت، **مجله فرهنگ (مدرنیسم و مابعد)**، ش ۱۵، (پاییز ۱۳۷۲).
۵. بونسن، پیر، **قدرت**، ترجمه عزت‌الله فولادوند، **نگاه نو**، ش ۱۷، (دی ۱۳۷۲).
۶. جمعی از مؤلفان؛ **راهنمای برنامه و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی دوره پیش دبستانی**، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۸۸.

حسین تاران

کارشناس ارشد
آموزش و پرورش پیش از
دبستان
آموزگار استثنایی، زنجان

۱۳ شعر کودک برای مربیان



اشاره:

چند صباحی پیش،
به مناسبتی، هرم مواد غذایی
مورد نیاز بدن را مطالعه می‌کردم و با
توجه به کار دل و کلم - تدریس به مربیان فکور

بخور غذای سالم

پیش دبستانی و پرسه زدن گاه و بی‌گاه در کلاس درسشان - در این اندیشه بودم که چگونه مطالب ثقیل اما ضروری این هرم را به زبان کودکان در آورم و در پرورش تفکر آنان در این زمینه سهیم باشم.
شعر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گونه‌های ادبی که تمامی کودکان دنیا انس و الفتی دیرینه با آن دارند، ذهنم را به خود مشغول ساخته بود و چون سیاه مشق‌هایی در این عرصه نگاشته بودم، به خود جرئت دادم تا دگر باره وارد این گود شوم.
امیدوارم تکه پاره‌هایی از آن به کار آید و در نشریه‌ای که سال‌هاست همانند کودکی مشتاق آن را ورق می‌زنم و در تمام کلاس‌های درس دانشگاهی معرفی می‌کنم، به زیور طبع آراسته شود.
این آرزویی بزرگ است، زیرا چشمان مربیان این مرزوبوم به این مجله دوخته شده است و من در میان چندین هنرمند و شاعر برجسته کودکان با ارائه این کارهای ناقص، چشمه طبع دوستان را گل آلود می‌کنم؛ با این امید که با مهر دوستان نواخته شوم و آن زمان است که سر به کوه و بیابان می‌گذارم... چنین باد.

کلیدواژه‌ها: غذای سالم، شعر کودک، آموزش

در شعر کودک، علاوه بر مؤلفه‌های اصلی شعر مانند پیوندهای آوایی و معنایی، جذابیت و گیرایی، احساس و عاطفه و بافت درونی، محتوای آموزشی نیز مورد نظر است که باید متناسب با نیازها و توانایی درک و دریافت آنان باشد، از صافی هنری شعر بگذرد و به‌طور غیرمستقیم به کودکان منتقل شود.

مجموعه اشعار پیش‌رو، با رعایت دو اصل مهم تعادل و تنوع در برنامه غذایی روزانه و با توجه به اندیشه «سهل و ممتنع بودن سرودن شعر برای کودکان» تهیه شده است.

از آنجا که بهترین راه برای اطمینان یافتن از تعادل و تنوع در غذای روزانه، استفاده از چهار گروه اصلی غذایی یعنی: نان و غلات، میوه‌ها و سبزی‌ها، شیر و لبنیات و گوشت و حبوبات به همراه گروه متفرقه انواع مواد قندی و چربی‌ها است، سعی کرده‌ام شعرهای سروده شده در جهت ترویج استفاده از چنین غذاهایی باشد. در این مجموعه ضمن پایبندی به اصول بدیهی شعر «بیان عامیانه» و نیز «نگاه کودکانه» شیوه خطابی را مورد استفاده قرار داده‌ام.

مادر من

مادر من چه خوب است
چراغ خانه ماست
گرمی خانه از اوست
خورشید خوب دنیاست
صورت او مثل ماه
خنده او چه زیباست
چشم قشنگ و نازش
آبی به رنگ دریاست
دست پر از مهر او
برای ما، در دعاست
شکر خدا چون که او
هدیه خوب خداست
غذای خوش مزه اش
لذیذ در هر کجاست
شادی هر خانه هست
امید ما بچه هاست

سفره صبحانه

بابا خریده امروز
چند نان سنگک داغ
پیچیده بوی خوبش
در خانه و هم در باغ
خورشید خانه، مادر
بیدار گشته از خواب
او پهن کرده سفره
صبحانه زیر آفتاب
مامان بریز برایم
لیوان داغی از شیر
با تخم مرغ تازه
کره، مربا، پنیر
بعد از غذا همیشه
ما می زنیم مسواک
خوش بو شود دهانم
دندان من شود پاک

آب

آمد به گوشم
آواز باران
با رعد و برقش
آغاز باران
باران قدم زد
در کوچه بر بام
نم نم به در زد
دام دام، دام دام
بر کوه ها ریخت
شد چشمه یا رود
هر جا که رفتم
این هدیه هم بود
من خوردم از آن
آب گوارا
گفتم پس از آن
شکرت خدا یا

عزیز مادر

عزیز مادر پاشو
دست و رو تو خوب بشور
لباس هاتو زود بپوش
صبحونه رو خوب بخور
عزیز مادر پاشو
چشم ها تو باز کن ببند
به آینه نگاه کن
به روی دنیا بخند
عزیز مادر پاشو
جوجه تو پا شده
موقع رفتن تو
به باغ گل ها شده
عزیز مادر پاشو
به کود کستان برو
بازی و شادی بکن
مثل بنفشه ها شو

حبوبات

خانم مربی آمد
امروز، شاد و خندان
دستان مهربانش
مانند دست مامان
گوش کلاس پر شد
از قصه های تازه
خانم چه خوب می خواند
هم شعر، هم ترانه
او گفت از حبوبات
از یک غذای ساده
آورده بود با خود
پاک شده، آماده
با هم درست کردیم
یک قابلمه پر از آش
با لپه با لوبیا
سبزی، نخود، کمی ماش

بستنی

باز هم ما به خرید
می رویم در بازار
سبزی تازه و تر
میوه های آبدار
سیب و توت و انگور
پیش آن زردآلو
به به عالی تر شد
طالبی، آلبالو
فصل تابستان است
بستنی می چسبد
همه جا پر میوه
همه کس می خندد
پدرم می گوید
«هندوانه بخیریم
دو سه کیلو گیلای
هم به خانه ببریم»

مهمان

الو، الو، بفرمایید
«سلام! سلام! منم دایی
می خوام به خونه تون پیام
ناراحتی یا خوش حالی؟»
مژده بده مامان جونم
کسی میاد به خونه مون
مثل گلی قشنگ و ناز
بوش می پیچه تو کوچه مون
مامان! بپز باز برامون
غذایی از گوشت سفید
مرغ پلو، ماهی پلو
زودتر که دایی جون رسید
وای! کمی نمک بزن
روغن مایع روش بریز
کنار اون یه شیشه دوغ
لیوانی با گل های ریز
منم سالاد درست کنم
گوجه فرنگی با خیار
پیاز و کاهو یا کلم
اومد دایی سفره بیار

جیب من

در جیب من هست
یک، دو، سه مهمان
من باز کردم
در، روی آنان
در جیب من هست
چهار، پنج پسته
خندان و خوش حال
گویند قصه
در جیب من هست
بادام و گردو
یک مشت تخمه
پس فندقم کو؟

دست پدر

آفتاب پرید ماه آمد
ستاره از راه آمد
به خانه آمد پدر
خسته ز کار سحر
دست پدر مهربان
صورت او چه خندان
میوه خوب خریده
پول جیبش پریده
نارنگی و پرتقال
خیار و چند سیب کال

مرکبات

به به! چه میوه هایی
سوغاتی از شمال است
این ها مرکبات است
لیمو و پرتقال است
به به! چه میوه هایی
نارنجی، قرمز و زرد
بابا خریده امروز

از دست های یک مرد
به به! چه میوه هایی

شیرین و ترش و خوش بو
مهمان فصل سرماست
تازه، رسیده، خوش رو

ماکارونی

نه تنده و نه شوره
غذای امروز ما
لذیذ و خوش مزه است
ماکارونی با سویا
قاشق و چنگال پاک
یک کمی نان لواش
کاسه ای از ماست و آب
بخور تو اما بواش
با این غذای عالی
می زنه سفره لبخند
میاره خواهر من
بعد غذا چای و قند

درس آخر

دختر خوب، پسر جان!
بخند بشی مهربان
گوش کن به حرف مامان
چیپس و پفک چی داره؟
درد شکم میاره
نخور! نخور! دوباره
نوشابه های گاز دار
نخور، می شی تو بیمار
گریه می کنی زار زار
نکن غذاها رو شور
گندمک و شیر بخور
تا که بشی تو پر زور
بخور نخودچی کشمش
بکن کمی تو نرمش
بکن همیشه ورزش

غذای سالم

گاو میده شیر بسیار
تا نشوی تو بیمار
بخور همیشه پس شیر
عسل بخور با کره
این غذا یادت نره
خامه و ماست و سرشیر
بخر تو چند نان داغ
بخور تو خانه یا باغ
سبزی و نان و پنیر
غذای خوب و کافی
بخور بخور حسابی
تا نشوی تو زود پیر



اشاره

بازی از آغاز پیدایش آدمی با او همراه بوده است؛ زیرا جزئی از حیات اوست. بنابراین، قدمت بازی با پیشینه به وجود آمدن آدمی یکی است. همچنان که سابقه زندگی انسان به دو بخش پیش از تاریخ و دوره تاریخی تقسیم می‌شود، پیشینه بازی هم به پیش از تاریخ می‌رسد. از آنجا که آدمی در طول حیات خود تحولاتی داشته، طبعاً بازی هم که ساخته و پرداخته اوست، دگرگون شده، پاره‌ای از انواع آن به‌مرور زمان از میان رفته است و پاره‌ای دیگر کمال یافته و قسمتی هم در تحول ایام به وجود آمده است.

بی‌شک انسان نخستین با تشکیل گروه‌هایی ابتدایی بازی‌های دسته‌جمعی از قبیل تقلید حرکات و صداها - چه هنگام حمله و فرار و چه موقع برخورد های دوستانه - داشته و یا تکرار اعمال خود در هنگام شکار یا جنگ با دشمن به‌صورت حرکات موزون در نوعی بازی نمایشی شرکت می‌کرده که ضمن سرگرم شدن برایش لذت‌بخش هم بوده است. نوع دیگری از بازی‌های مورد توجه انسان نخستین، ظاهراً بازی با سنگ، چوب و درخت و با حیوانات به‌عنوان گوناگون بوده است. طبعاً، بازی با همین مواد او را به ساختن و تعبیه وسایل زندگی

رهنمون کرده است.

دادن تعریف جامع و مانعی از بازی، که مورد تأیید همه نظریه‌پردازان روان‌شناسی باشد، ممکن نیست. هر صاحب‌نظری بر اساس تجربه‌ها، مشاهده‌ها، اعتقاد و نگرش خود بازی را به‌نوعی تعریف کرده و هر یک با برجسته کردن جنبه‌ای از بازی دیدگاه خاصی را نشان داده است. در میان تعاریف داده‌شده از بازی، اشتراک‌ها و تشابهات زیادی وجود دارد. بازی عبارت است از هر نوع فعالیتی که برای تفریح، خوشی و اغلب بدون توجه به نتیجه نهایی صورت می‌گیرد. انسان داوطلبانه وارد این فعالیت می‌شود و هیچ نیروی بیرونی یا اجباری در آن دخیل نیست.

کلیدواژه‌ها: بازی، بازی‌درمانی و خلاقیت

اهمیت بازی در اسلام

خداوند نخستین دوره رشد انسان را با بازی همراه کرده است. در اسلام، به این موضوع توصیه شده است که کودکان را تا هفت سالگی آزاد بگذارید تا بازی کنند. امام صادق (ع) فرموده‌اند: «بگذار فرزندت تا هفت سال به بازی بپردازد، در هفت سال دوم به او ادب بیاموز و در هفت سال سوم با او مشورت کن.» در روایتی آمده است حضرت محمد (ص) با جمعی از یاران از محلی عبور می‌کردند که کودکانی را در حال خاک‌بازی دیدند. برخی از یاران خواستند آن‌ها را از بازی باز دارند که پیامبر فرمودند: «بگذارید بازی کنند که خاک محل پرورش کودکان است.» اسلام علاوه بر آنکه از واپس زدن این تمایل در کودکان می‌پرهیزد، توصیه می‌کند که پدران و مادران امکانات لازم را برای بازی کودک فراهم کنند و در هر موقعیت و مقام اجتماعی نیز که هستند، وقتی را به بازی با فرزندان خویش اختصاص دهند و خیال نکنند که در صورت بازی کردن با فرزندان اقتدار یا متانتشان خدشه‌دار می‌شود. بازی یکی از فعالیت‌ها و اهداف مهم کودک در زندگی است. او نمی‌تواند از راه دیگری غیر از بازی به کشف محیط پیرامون خود بپردازد. استعدادهای خود و توانایی‌هایش را شناسایی کند و آن‌ها را به کار بگیرد. کودک در حین بازی به تمرین زندگی بزرگسالی می‌پردازد.

سیره عملی پیامبر (ص)

محبت رسول خدا (ص) به کودکان به حدی بود که ایشان ضمن نادیده گرفتن موقعیت خود، با فروتنی به بازی با آن‌ها می‌پرداخت. در یکی از روزها که رسول خدا (ص) برای اقامه نماز جماعت عازم مسجد بودند، در راه به گروهی از کودکان برخوردند که در حال بازی بودند. بچه‌ها با دیدن پیامبر (ص) دست از بازی کشیدند و به سوی ایشان رفتند و به پیامبر (ص) گفتند: «کن جملی!» (شتر من باش) رسول خدا (ص) درخواست کودکان را اجابت کردند و مشغول بازی با آن‌ها شدند؛ درحالی که مردم در مسجد در انتظار ایشان بودند. بلال که در مسجد همراه مردم منتظر ورود رسول خدا (ص) بود، با مشاهده تأخیر پیامبر (ص) به سمت خانه ایشان حرکت کرد. او در راه به رسول خدا (ص) رسید و با دیدن صحنه بازی کردن ایشان با کودکان خواست بچه‌ها را از اطراف ایشان دور کند اما رسول خدا (ص) مانع شدند و از بلال خواستند تا به خانه ایشان برود و برای کودکان چیزی تهیه کند تا به این ترتیب بچه‌ها حضرت را رها نکنند.

بهزاد آذر نیوشان

کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، بابلسر

بازی کودکان، تمرین زندگی بزرگ‌سالی

بلال رفت و از منزل پیامبر (ص) تعدادی گردو پیدا کرد و به محضر ایشان بازگشت. رسول خدا (ص) گردوها را از بلال گرفتند و به بچه‌ها فرمودند: «آیا شتران خود را به این گردوها می‌فروشید؟» کودکان نیز با دیدن گردوها، آن‌ها را از دست پیامبر گرفتند و حضرت را رها کردند.

بازی یکی از نیازهای اساسی کودک به شمار می‌رود که در عین سرگرم کردن کودک، کارکردهای مهم دیگری نیز دارد که هر یک از آن‌ها به جنبه‌ای از زندگی کودک مربوط می‌شود و او را برای ورود به زندگی بزرگسالی آماده می‌سازد. از این لحاظ، فضا، آزادی کودک، اسباب‌بازی‌های مورد استفاده و مدت زمانی که به بازی با کودک اختصاص داده می‌شود، در خور توجه است.

نکته‌ها و مسائل تربیتی بسیاری را می‌توان در خلال بازی‌ها به کودک

آموخت و به‌راحتی کودک را در مسیر درست تربیت کرد. همان‌طور که می‌توان

از خلال بازی‌های کودک به وضعیت و حالت عاطفی کودک، احساسات و افکار کودک پی برد. بنابراین بسیار لازم است که مربیان به نقش بازی در زندگی کودک توجه کنند و موقعیت مناسب را برای بازی‌های مناسب فراهم آورند. انسان به حرکت و جنبش نیاز دارد و بازی بخش مهمی از این نیاز است.

فلسفه بازی

هر فرد برای رشد ذهنی و اجتماعی به اندیشه و تفکر نیاز دارد و بازی خمیرمایه این تفکر و اندیشه است. آمادگی جسمی و روحی برای مقابله با مشکلات بخشی از فلسفه بازی دانش‌آموزان است؛ بنابراین، بازی هر چه گسترده‌تر، پیچیده‌تر و اجتماعی‌تر باشد، کودک از مصونیت روانی بیشتری برخوردار می‌شود. کشف دنیای اطراف بخش دیگری از فلسفه بازی است که کودک حس کنجکاوی خود را از این طریق ارضا می‌کند. بازی تن و روان کودک را ایمنی می‌بخشد و مسئولیت‌های اجتماعی و اقتصادی را که در آینده باید به دوش بکشد، به او می‌آموزد. کودک با بازی کردن موقعیتی به دست می‌آورد تا اعتقادات، احساسات و مشکلات خود را پیدا کند و مهارت‌های زندگی را بیاموزد. ساعات زیادی را که کودکان صرف بازی می‌کنند، نمی‌توان به هیچ‌وجه تلف شده تلقی کرد. بازی ممکن است شادی بخش باشد ولی در دوران کودکی کاری جدی است. بدون تردید، بازی بهترین شکل فعالیت طبیعی هر کودک محسوب می‌شود. لندرت، از نظریه‌پردازان بازی، در سال ۲۰۰۲ اظهار می‌دارد: «بازی کردن برای کودک مساوی است با اهمیت صحبت کردن برای یک بزرگسال. بازی و اسباب‌بازی کلمات کودکان هستند»

ویرجینیا اکسلاین، از پژوهشگران

بازی‌درمانی، معتقد است: میل به

بازی در سنین

محبت
رسول خدا (ص)
به کودکان به حدی بود که
ایشان ضمن نادیده گرفتن
موقعیت خود، با فروتنی به
بازی با آن‌ها می‌پرداخت



امروزه ثابت شده است که کودکانی که به اندازه کافی و به درستی بازی نمی کنند، از رشد ذهنی و اجتماعی مناسب و درست بی بهره اند

بالا کم کم کاهش پیدا می کند و کارهای مهمی جای آن را می گیرد، ولی تا سال های پایانی عمر نیز تمایل به بازی در انسان وجود دارد؛ هر چند شکل و ظاهر و هدف بازی عوض شده باشد. ممکن است کودک

دلیل بازی کردن خود را نداند یا آنکه نتواند برای آن علتی بیان کند و از بازی کردن دست بکشد. امروزه ثابت شده است کودکانی که به اندازه کافی و به درستی بازی نمی کنند، از رشد ذهنی مناسب و اجتماعی درست بی بهره هستند.

بازی گزینه ای برای رشد و نمو استعدادها یا تمرین مقدماتی برای اعمال آتی است. بازی فرایندی چند بعدی است که به نحوی چشمگیر در خدمت تکامل و رشد کودک قرار دارد و می تواند راهی برای تخلیه این انرژی ها در مسیر سازنده باشد. همچنین عاملی است برای رشد نیروهای بالقوه و آماده سازی آن ها برای استفاده در زندگی. بازی فرایند یادگیری را برای کودک، این انسان کوچک، لذت بخش می کند و همچنین به ارضای بسیاری از نیازهای اساسی و زیربنایی او منجر می شود. اهمیت بازی در مباحث روان شناسی رشد تا

حدی است که صاحب نظران

آن را «تفکر کودک» نامیده اند. کودکان از

طریق بازی ارتباط برقرار می کنند.

مشکلات کودکان در فرایند رشد اغلب با توانا نبودن

بزرگسالان برای درک آن ها، پاسخگویی به آنچه کودکان احساس

می کنند یا تلاشی که صرف ایجاد ارتباط می کنند، توأم است. بیشتر بزرگسالان

انتظار دارند که کودکان به همان نحوی که آن ها (بزرگسالان) می پسندند، ایجاد ارتباط

کنند، (یعنی ارتباط کلامی). آن ها به جای اینکه با کودک کودکانه رفتار کنند، انتظار دارند که او خود را به حد یک بزرگسال برساند.

کودکان سعی می کنند خود را بفهمانند، هر چند که اغلب از طریق کلامی موفق نیستند؛ به طوری که میان آنچه از زبان آن ها فهمیده می شود و آنچه بیان می کنند، تفاوت وجود دارد. کودکان معمولاً بیشتر از بیان، درک می کنند. اکثر بزرگسالان قادرند احساسات (درماندگی، اضطراب و...) و مشکلات شخصی خود را در قالب کلام اظهار دارند؛ در حالی که محدود کردن خواست کودکان به اظهاراتشان محدودیت هایی غیر لازم و غیر واقعی را در ارتباطی که باید بین کودک و مشاور به وجود آید، تحمیل می کند. به ویژه، اگر این ارتباط برای یک تجربه درمانی باشد. بازی برای کودکان مساوی است با صحبت با بزرگسالان، بازی وسیله ای است برای بیان احساسات، کشف روابط و ارضای خود. کودکان در صورتی که مجال یابند، احساسات و نیازهای خود را از طریق بازی به همان صورت و روشی بیان می دارند که مشابه روش بزرگسالان است.

پویایی بیان مسئله و وسیله برای ارتباط در مورد کودکان متفاوت است اما بیانات کودکان در مواردی مانند ترس، عصبانیت، شادمانی، ناکامی و غیره شبیه بزرگسالان است. بازی ها کلمات کودکان هستند و اگر تعدادی از آن ها به دقت گزینش شود، می تواند برای کودکان فرصتی فراهم آورد تا احساسات و مشکلات خود را همان گونه بیان کنند که تجربه کرده اند.

متخصصان کودک در مطالعات انجام شده متوجه این موضوع شدند که از طریق بازی می توان بر احساسات منفی و فشارها در کودک با برون ریزی این احساسات غلبه کرد. اهمیت بازی در کودک تا آنجاست که می تواند بهنجاری یا نابهنجاری وی را در بزرگسالی اش رقم بزند. در مورد کودکانی که قادر به بیان مشکلات و ناراحتی هایشان از طریق گفت و گو نیستند، بازی می تواند بهترین عامل برای شناخت و درمان اختلال هایشان آنان باشد. امروزه، در دنیا در زمینه بازی درمانی اقدامات پیشرفته ای صورت گرفته است که تمام اشکال لازم را شامل می شود. در کشور ما هم اقداماتی انجام گرفته که درخور توجه است.

در مراکز درمانی خصوصی و دولتی و در مراکز توان بخشی و مهدهای کودک، اتاق های بازی به شکل ساده ای ایجاد شده است که در آن ها خدمات درمانی و تشخیص با کادر مجرب استادان این رشته انجام می شود. نکته مهم، تدارک دیدن این گونه اتاق ها



در مدرسه‌هاست که می‌تواند از به وجود آمدن مشکلات جبران‌ناپذیر پیشگیری کند. به هر حال، بازی درمانی یکی از خدمات انسانی است که می‌تواند یک نسل را از وجود مشکلات روانی و اجتماعی و خانوادگی نجات بخشد و فرزندان سالم را به جامعه تحویل دهد. بازی درمانی اغلب برای درمان کودکان ناسازگار و کسانی که در حل مسائل مربوط به سازگاری مشکل دارند، استفاده می‌شود.

بازی درمانی روشی است که در آن ابزارهای طبیعی بیان حالت کودک، یعنی بازی، به عنوان شیوه درمانی به کار گرفته می‌شوند تا به کودک در مهار فشارهای احساسی خویش کمک کنند. همچنین این روش در مورد کودکان سه تا هشت ساله‌ای که به کار می‌رود که مشکلات خانوادگی (مانند جدایی والدین) دارند، ناخن می‌چوند، دچار شب‌اداری هستند، اختلال رفتاری دارند، بیش‌فعال‌اند، در روابط گروهی موفق نیستند یا قربانی انواع سوء استفاده شده‌اند. این نوع درمان در تعلیم و تربیت کودکان استثنایی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. درمانگرانی که از بازی درمانی استفاده می‌کنند، معتقدند این روش به کودک اجازه می‌دهد جهان را در مقیاسی کوچک‌تر با دستان خود بسازد و آن را تحت نفوذ خویش درآورد؛ کاری که در محیط پیرامون هر روز کودک امکان‌پذیر نیست. پیازه معتقد است که در فعالیت‌های خودجوش کودک، باید او را آزاد گذاشت؛ زیرا دخالت نامناسب و بی‌موقع در فعالیت‌های او استقلال و خودمختاری‌اش را از او سلب می‌کند. با این‌همه، تأثیر بزرگ‌ترها را در بازی کودک بی‌اهمیت نمی‌شمارد و به حضور مناسب آن‌ها در بازی‌های کودکان اشاره می‌کند. مشارکت مناسب والدین در بازی‌های کودکان موجب مستحکم‌تر شدن رابطه والد و فرزند می‌شود و در عین حال موقعیتی مناسب پیش می‌آورد که والدین به تربیت کودک بپردازند و نکات تربیتی‌اش را در خلال بازی به او آموزش دهند. والدین تعیین‌کننده نوع و شیوه بازی کودک نیستند و بهتر است موقعیتی سالم برای بازی برای او فراهم سازند و خود به‌عنوان همبازی شرکت داشته باشند و اجازه دهند کودک با قدرت خلاقیت خویش بازی را اداره کند.

در این بازی‌ها والدین نباید خواست و اراده خود را به کودک تحمیل کنند، بلکه باید همپا و هم‌ردیف او قرار بگیرند و امکان بازی شادی را فراهم کنند. پیامبر اکرم می‌فرماید: «هر کس که کودک نزد اوست، باید برای او کودک شود.» والدین تسهیل‌کننده مسیر بازی کودک هستند. کودکان با توجه به شرایط سنی‌شان نوع بازی خود را انتخاب می‌کنند. لازم است والدین دقت کنند مکان بازی موقعیتی سالم، امن و مناسب باشد تا مشکلی کودک را تهدید نکند. مثلاً با توجه به علاقه کودکان و حضور در بازی‌های اجتماعی در پنج سالگی لازم است والدین با فراهم آوردن زمینه برای چنین بازی‌هایی در انتخاب هم‌بازی کودک خود دقت کنند و به‌صورت غیرمستقیم بر بازی آن‌ها نظارت داشته باشند. همچنین، در انتخاب اسباب‌بازی نهایت دقت و تناسب را داشته باشند و اسباب‌بازی‌هایی را انتخاب کنند که برای رشد فکری و شناختی کودک مفیدند.

منابع

۱. احمدوند، محمدعلی؛ روان‌شناسی بازی (چ پنجم)، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ۱۳۸۱.
۲. اسپادک، برنارد؛ آموزش در دوران کودکی (چ هشتم)، مترجم: محمد حسین نظری‌نژاد (۱۳۸۷)، به‌نشر، تهران، ۱۳۸۷.
۳. اکسلاين، ویرجینیا؛ دبیز در جستجوی خویشتن. مترجمان: سرور مزینی و مریم نوذرآدان (۱۳۳۸). روزبهان، تهران، ۱۳۳۸.
۴. جلالی، مهدی؛ روان‌شناسی کودک، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۵.
۵. سدیدالدین محمد عوفی؛ جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات. ابن‌سینا، تهران، ۱۳۴۰.
۶. محمد اسماعیل، الهه؛ بازی‌درمانی نظریه‌ها، روش‌ها و کاربرد بالینی، دانژه، تهران، ۱۳۸۷.



هر فرد برای رشد ذهنی و اجتماعی به‌اندیشه و تفکر نیاز دارد و بازی خمیرمایه این تفکر و اندیشه‌است



کودکان و مشارکت در بازیافت کاغذ

مریم طاهریان

کارشناس ارشد علوم ارتباطات و دبیر آموزش و پرورش

کلیدواژه‌ها: بازیافت، مشارکت، تفکیک، پسماند، فرهنگ بازیافت، آموزش، کمپوست

بازیافت

بازیافت به آماده‌سازی مواد برای استفاده مجدد گفته می‌شود. موادی که می‌توان آن‌ها را بازیافت کرد عبارت‌اند از آهن آلات قراضه، پلاستیک، شیشه، کاغذ، مقوا و برخی مواد شیمیایی زباله که به کود کمپوست تبدیل می‌شود. بازیافت از به‌هدر رفتن منابع سودمند و سرمایه‌های ملی جلوگیری می‌کند و مصرف مواد خام و مصرف انرژی را کاهش می‌دهد. با این کار تولید گازهای گلخانه‌ای نیز کاهش می‌یابد. بازیافت مهم‌ترین مفهوم در مدیریت پسماند است.

تفکیک

منشأ مواد بازیافتی یا به عبارتی بازیافتنی‌ها بیشتر، منازل مسکونی و صنایع هستند. برای آسان‌تر کردن امر بازیافت معمولاً دو نوع جداسازی مواد صورت می‌گیرد که «تفکیک در مبدأ» و «تفکیک در مقصد» نام دارند. تفکیک در مبدأ در سطح شهر و خیابان‌ها و فروشگاه‌ها از طریق سبدها و سطل‌های جداسازی مواد انجام می‌شود ولی برای تفکیک در مقصد مکان ویژه‌ای به نام مرکز بازیافت مواد در نظر گرفته شده است. در مرکز بازیافت مواد بازیافتی و غیرقابل بازیابی دسته‌بندی می‌شوند. بسیاری از فروشگاه‌ها و کارخانه‌های بزرگ مواد زاید مانند قوطی‌های کنسرو، بطری‌های شیشه‌ای و روزنامه‌های باطله را به‌منظور بازیافت از مشتری بازخرید می‌کنند.

مشکلات ناشی از رعایت نکردن مسائل بهداشتی و زیست‌محیطی زباله

مضرات بهداشتی حاصل از عدم کنترل زباله‌های شهری و پیامدهای سوء آن در جوامع بشری، بخش مهمی از بیماری‌ها را به خود اختصاص داده است. وجود مواد غذایی، پناهگاه‌های مناسب، رطوبت و شرایط زیست مساعد در زباله‌های شهری، امکان تکثیر و رشد سریع حشرات و موجودات موزی را به‌وجود می‌آورد که مقابله با آن‌ها بسیار مشکل است. همچنین انتشار آلودگی یا انتقال بسیاری از بیماری‌های مهلک در جامعه ما موجب گردیده است که کشور ما در زمره مصرف‌کنندگان اصلی دارو قلمداد شود و آلودگی شیمیایی بر آلودگی‌های محیط ما اضافه گردد.

زباله، مخصوصاً پسماندهای غذایی و بخش فسادپذیر آن، هنگامی می‌تواند مفید واقع شود که با روش‌های مناسب توسط انسان کنترل شود و یا به‌وسیله بازیافت بهداشتی قسمت‌هایی از مواد آن مورد استفاده مجدد قرار گیرد. این مواد هنگامی برای آدمی مضرند که خارج از اصول بهداشتی، ذخیره‌سازی، جمع‌آوری، بازیافت

و یا دفع شوند. در این صورت با انتشار زباله‌ها در محیط و یا تلنبار شدن آن‌ها در حواشی شهرها، محیطی مناسب برای تولید، رشد و نمو حشرات، جوندگان و دیگر موجودات موزی به‌وجود می‌آید که به علل مختلف موجب آلودگی محیط و انتشار بیماری‌های مختلف در آن می‌شوند. در راستای پیشگیری از حوادث ناشی از دفع غیربهداشتی این مواد، لزوم شناخت روش‌های جمع‌آوری و دفع زباله و از همه مهم‌تر آشنایی با خطرات و بیماری‌های ناشی از آن‌ها اهمیت خاصی دارد.

اصلاح الگوی مصرف و کاهش تولید زباله

«بخورید، بیاشامید ولی اسراف نکنید.» (قرآن کریم)

تولید زباله محصول فعالیت انسانی است و کمیت و کیفیت زباله با الگوی مصرف کالا و مواد توسط قشرهای گوناگون اجتماع رابطه مستقیم دارد. لذا در چرخه کامل تولید و دفع زباله، «مصرف» اولین حلقه شناخته می‌شود و از این رو تأمل و تعمق در الگوی مصرف بسیار ضروری و حائز اهمیت است.

در جوامعی که مصرف کالاها ارزش تلقی می‌شود، ارائه تبلیغات تجاری و آموزه‌های نادرست، میزان مصرف مواد کالا از حد معقول و ضروری فراتر می‌رود و در نتیجه، پسماند یا زباله بیشتری تولید می‌گردد که معضلات و مشکلات خاص خود را دارد.

مثبت، آموزش، آن هم آموزش این عادت‌ها از دوران کودکی است. حفاظت از محیط زیست هم عادت است که باید از کودکی آموخته شود تا به یک باور ذهنی تبدیل شود. این باور کودک را موظف می‌کند تا از یگانه زیستگاهی که در آن زندگی می‌کند به بهترین وجه ممکن پاسداری کند. اگر در این سنین آموزش‌های درستی در محیط خانواده و مهدکودک‌ها در زمینه دوری از اسراف و بازیافت به کودکان داده شود، زمینه برای ایجاد فرهنگ بازیافت مهیا می‌شود. زمان به سرعت می‌گذرد و اگر فرصت آموزش کودکان را از دست بدهیم، بزرگ‌ترین فرصت را از دست داده‌ایم. در کار آفرینی همیشه تأکید بر بهره‌گیری از بهترین فرصت‌هاست و آموزش کودکان در این زمینه ستونی را پدید می‌آورد که بسیار محکم است. این ضرب‌المثل چینی را به خاطر داشته باشیم که می‌گوید: «پول، ثروت بی‌جان است ولی بچه‌ها ثروت زنده هستند.»

مربیان مهد با آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم می‌توانند تأثیر بسزایی در رشد این فرهنگ داشته باشند. آن‌ها با استفاده از مسابقات نقاشی، ارائه نمایش و سرود، داستان، شعر، ترانه، برپا کردن نمایشگاه و... در این زمینه می‌توانند کودکان را به این کار علاقه‌مند کنند.

تحقیقات بسیاری نشان می‌دهند که حمایت از رشد و تکامل اولیه کودک نه تنها نتایج سرشار فوری برای کودک و والدینش دارد، در بلندمدت نیز سبب توانایی بیشتری برای ایفای نقش در جامعه می‌شود.

عادت‌هایی که باید نهادینه شوند:

مهدکودک‌ها محیط بسیار مناسبی برای آموزش می‌باشند.

۱. استفاده بهینه از کاغذ؛ نقاشی کردن یکی از نخستین مهارت‌ها و علایق کودکان است. اغلب کودکان به محض آنکه بتوانند قلم به دست بگیرند، نقاشی می‌کنند. بنابراین، نخستین آموزش‌ها باید از همین نقطه آغاز شود. به کودک توضیح بدهیم مدادی که با آن نقاشی می‌کند چطور ساخته شده است. سپس به او یاد بدهیم که با استفاده بهینه از مدادرنگی‌ها و نتراشیدن بی‌رویه آن‌ها، می‌تواند به حفاظت از جنگل‌ها و درختان کمک کند.

۲. گام بعدی برگه‌های نقاشی است. علاوه بر دفتر نقاشی که برای او می‌خریم، برگه‌های باطله‌ای را که یک رویشان سفید و قابل استفاده است، دور نریزیم و روی میز کودک، کنار مدادرنگی‌های او قرار بدهیم تا از این برگه‌ها برای نقاشی استفاده کند. شیوه درست شدن کاغذ را برای او توضیح بدهیم و سپس به او شرح بدهیم که با استفاده مناسب از کاغذها می‌تواند مانع از قطع درختان برای تولید کاغذ شود.

۳. بازیافتی‌ها را دریابیم؛ با جمع‌آوری وسایل دورریختنی منزل یا وسایل شخصی فرزندمان و استفاده مجدد از آن‌ها مسئله بازیافت و جمع‌آوری زباله‌ها را به او بیاموزیم. به‌طور مثال، به کمک فرزندمان قوطی‌های نوشابه را جمع کنیم. آن‌ها را بشوییم و با بریدن در آن‌ها، از این قوطی‌ها جاقلمی برای روی میز تحریر فرزندمان درست کنیم. از این قوطی‌ها یا ظرف‌های پلاستیکی مواد شوینده می‌توانیم به‌عنوان گلدان هم استفاده کنیم.

۴. بازی در طبیعت؛ برای آنکه کودک را با طبیعت و وجود موجودات مختلف در طبیعت یا نعمت‌های طبیعی مثل باران آشنا کنیم، بازی‌ها و آزمایش‌های ساده‌ای را همراه او انجام دهیم. مثلاً هنگام بارش

در فرهنگ اسلامی، بر پایه و اساس موازین شرعی، اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از مناظر گوناگون بر پرهیز از اسراف تأکید شده و حفظ منابع و موهبت‌های خداوند همواره مورد توجه قرار گرفته است.

با عنایت به موارد فوق ضرورت دارد در شیوه‌های تهیه و مصرف کالا و مواد تجدیدنظر کنیم و با رعایت اصول به اصلاح الگوی مصرف بپردازیم تا در گام اول تولید زباله، تفاوت‌ها و تأثیرات چشمگیر و بسیار قابل ملاحظه‌ای را شاهد باشیم.

مطالعات نشان داده است که در یک‌سال تحصیلی سرانه سالیانه تولید کاغذ باطله هر دانش‌آموز تهرانی فقط در محیط مدرسه یک کیلوگرم است که با توجه به تعداد دانش‌آموزان در این سال (۱۶۸۷۹۱۵ نفر) جمعاً ۱۶۸۸ تن می‌شود. در زمان این مطالعه، میزان کاغذهای باطله و بازیافت شده در کشور ۶۵۰۰۰ تن محاسبه شده است که نه درصد میزان کاغذ مصرفی را شامل می‌شود و توسط شرکت‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد.

این یکی از تیرهای روزنامه خراسان است: تحقیقات نشان داده شصت درصد زباله‌های مشهد توسط کودکان و نوجوانان تولید می‌شود.

هر کودک مشهدی روزانه بین ۴۰۰ تا ۴۵۰ گرم انواع زباله تولید می‌کند، بخش زیادی از زباله تولیدی کودکان ظروف یک بار مصرف و کاغذ است. این آمار بسیار بالا و قابل تأمل است.

آموزش در مهدکودک‌ها

مهم‌ترین سال‌های شکل‌گیری شخصیت انسان چهار تا شش سالگی است. از آنجا که ما ارزش‌های خود را از طریق کودکان منتقل می‌کنیم برای نگهداشت آن‌ها نیز باید از کودکان شروع کرد. ارزش‌هایی مانند همکاری، تعاون، رعایت حقوق دیگران، دفاع از حقوق خود و مراقبت از محیط‌زیست در سال‌های پیش از دبستان در کودک ریشه می‌دواند. پژوهشگران معتقدند بهترین شیوه نهادینه کردن عادت‌های

حفاظت از محیط زیست هم عادت است که باید از کودکی آموخته شود تا به یک باور ذهنی تبدیل شود. این باور کودک را موظف می کند تا از یگانه زیستگاهی که در آن زندگی می کند به بهترین وجه ممکن پاسداری کند

باران ظرف های خالی مواد شوینده، بطری های خالی شیر و... را جلوی پنجره یا در حیاط بگذاریم تا آب باران داخل آن ها جمع شود. سپس از فرزندمان بخواهیم با آب باران جمع شده در این ظرف ها، گلدان های منزل را آبیاری کند. این آزمایش به صورت ساده و عملی جمع شدن آب باران در دریاها و اقیانوس ها را به کودک نشان می دهد. علاوه بر این او را با فواید نزولات آسمانی آشنا می کند.

۵. حفاظت از انرژی را بیاموزیم؛ چند لحظه قبل از شروع برنامه مورد علاقه او تلویزیون یا رادیو را از برق بیرون بکشید. در جواب اعتراض او توضیح بدهید که اگر از انرژی برق یا هر انرژی دیگری بی رویه استفاده کنیم، هنگام نیاز ضروری به آن، این انرژی در اختیار ما نخواهد بود. تلویزیون یا رادیو را روشن کنید تا این نبودن برق و لذت دوباره داشتن برق و تماشای تلویزیون در ذهن او بماند. درباره انواع انرژی، شیوه های تولید آن و... برای او توضیح بدهید.

۶. دانه بکاریم؛ برای آنکه فرزندمان مفهوم حفاظت از خاک و آب را به درستی دریابد، همراه او باغبانی کنیم. با کاشتن تخم سبزی ها یا دانه هایی مثل آفتابگردان در حیاط منزل یا گلدان او را با مراحل رشد گیاه، نیاز گیاه به خاک خوب، آب سالم، نور خورشید و... آشنا کنیم. برای درک بهتر او، بهتر است یک نمونه کوچک را با خاک نامناسب (مثل خاک آغشته به نفت) یا آب ناسالم (آب مخلوط شده با مواد شوینده) رشد بدهیم تا کودک به خوبی تأثیر آلودگی آب و خاک بر گیاهان را ببیند. مقایسه گیاه سالم و بیمار مفاهیم را به خوبی به او می آموزد. بازدید از گلخانه ها و پارک ها ارتباط او را با محیط زیست بیشتر می کند.

۷. آشغال ها را تفکیک کنیم؛ آموزش جدا کردن زباله های خشک و تر و جمع آوری و دفع زباله ها نکته دیگری است که باید به خوبی به کودک آموخته شود. برای این کار چند کیسه زباله انتخاب کنیم و آن را در محل مناسبی بگذاریم. روی هر کیسه با برچسب، نوع زباله ای را که باید درون آن بریزیم، مشخص کنیم. مثلاً مواد پلاستیکی، قوطی های فلزی، ظرف های شیشه ای و کاغذ (برای جلوگیری از آلودگی بهتر است فقط زباله های خشک را برای این کار جمع آوری کنیم). سپس از فرزندمان بخواهیم تا برای جمع آوری و تفکیک زباله ها ما را همراهی کند. به این ترتیب، او را با مسئله جمع آوری، تفکیک و دفع صحیح زباله آشنا کرده ایم.

۸. کار دستی بسازیم؛ ابتدا برای فرزندمان توضیح بدهیم که پارچه، چوب، کاغذ و... چطور تهیه می شوند. سپس با استفاده از پارچه های اضافی برای او وسایل مختلفی مثل عروسک، جاجورایی، جامدادی و... بسازیم. هر چقدر با استفاده از مواد به ظاهر دورریختنی مثل کاغذ، پارچه، چوب، پلاستیک (مثل ظرف های خالی مواد شوینده) و... وسایل جدید بسازیم به همان نسبت ارزش مواد را به فرزندمان آموخته ایم. از طرفی به او می آموزیم که به جای تولید آشغال می توان از موادی که به ظاهر دورریختنی به نظر می رسند، وسایل قابل استفاده ساخت.

۹. یک روز بدون انرژی؛ ماهی یک بار، روز بدون انرژی در منزل اعلام کنیم. در این روز خاص بازی با اسباب بازی ها یا استفاده از وسایل برقی یا باتری،

تماشای تلویزیون و... استفاده از تلفن همراه و... ممنوع است. در این روز فقط باید از وسایلی که با انرژی کار نمی کنند، استفاده کنیم (مثلاً بازی با اسباب بازی های غیر برقی و باتری ای و...) با این کار فرزندمان ارزش و اهمیت انرژی ها، جایگاه آن ها در زندگی امروز و ضرورت حفظ این منابع و جلوگیری از به هدر رفتن این منابع با ارزش را می آموزد. هفته ای یک بار گردش علمی ترتیب بدهیم یا اینکه در برنامه های تفریحی خانواده، آموزش های علمی را به طور غیر مستقیم بگنجانیم.

۱۰. مطالعه؛ با خرید کتاب های علمی درباره طبیعت، حیات وحش، حفاظت از محیط زیست، زباله ها و راه های بازیافت و دفع زباله او را به طور غیر مستقیم به سوی آشنایی با مفاهیم علمی و شیوه های حفاظت از محیط زیست سوق دهیم. فراموش نکنیم برای مطالعه فرزندمان را اجبار نکنیم؛ همین که کتاب ها را در معرض دید او بگذاریم و همراه او برای خرید کتاب به کتاب فروشی برویم، کافی است.

منابع

- طوسی، محمدعلی؛ مشارکت (در مدیریت و مالکیت)، مرکز آموزش و مدیریت دولتی، تهران، ۱۳۷۰.
- علوی تبار، علیرضا؛ بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، سازمان شهرداری های کشور، تهران، ۱۳۷۹.
- ویکی پدیا، دانشنامه آزاد <http://fa.wikipedia.org/wiki>
- محیط شناسی، سال ۲۳، شماره ۱۹، <http://database.irandoc.org>
- زرهانی، سیداحمد - جوان بخت اول، جعفر، مشارکت نوجوان در خانه، مدرسه و جامعه، سازمان انجمن اولیا و مربیان، ۲۱، ۱۳۸۰
- میرزا آقایی، حمید؛ «ضرورت رشد خلاقیت و کارآفرینی کودکان برای تأمین منابع انسانی سازمان های آینده» سایت فکرنو، بهمن ۱۳۸۶.
- Aramesh_gol@yahoo.com
- روزنامه فرهنگ آشتی سه شنبه ۹ مهر ۱۳۸۷ شماره ۱۵۶۰
- Fars News Agency سه شنبه ۹ مهر ۱۳۸۷
- www.ashtidaily.com/detail
- www.ebtekarnews.com/ebtekar/News.aspx

یافته قابل مشاهده است.

این مجله یک فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای مربیان مراکز پیش‌دبستانی، دانشجویان و کارشناسان و والدین و... می‌باشد. این مجله مربیان و دست‌اندرکاران این حوزه را با تازه‌ترین دستاوردهای علمی در زمینه آموزش پیش از دبستان آشنا می‌کند و زمینه مناسبی برای تقویت مهارت‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای مربیان و افزایش آگاهی‌های آنان دربارهٔ رخدادهای علمی و آموزشی پیش‌دبستانی در جهان را فراهم می‌نماید.

تصاویر: در این بخش گزارش‌های تصویری از فعالیت‌های مربوط به گروه مانند جلسات شورای برنامه‌ریزی، بازدیدها و... قابل مشاهده است.

فیلم: در این بخش فیلم‌های آموزشی مربوط به دوره، قابل رؤیت و ذخیره شدن است.

یادها و نکته‌ها: در این قسمت با توجه به مناسبت‌های مختلف مطالب مربوط به آن قابل مشاهده می‌باشد.

صفحه‌ار تباط با سردبیر: در این قسمت می‌توانید با سردبیر ارتباط برقرار کنید

پرسش و پاسخ: در این قسمت کاربران می‌توانند پرسش‌های خود را در مورد محتوای آموزشی دوره آمادگی مطرح نمایند و گروه مربوطه پس از پاسخ دادن، سؤال و پاسخ را جهت استفاده سایر کاربران در سایت منتشر می‌کند.

سایت‌های مرتبط: در این بخش سایت‌های مرتبط با فعالیت گروه معرفی شده است.



معرفی وبگاه

معرفی وبگاه پیش‌دبستان

رقیه قنبری



وبگاه آموزش پیش‌دبستان، وبگاه مربوط به گروه پیش‌دبستان دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه (نظری) می‌باشد. نشانی وبگاه پیش‌دبستانی دفتر تألیف چنین است:

www.Pre-school.talif.sch.ir

این وبگاه که از طریق پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت آموزش و پرورش به نشانی www.medu.ir نیز قابل دسترسی می‌باشد از بخش‌های متنوعی به شرح ذیل تشکیل شده است:

۱. سه بخش اصلی شامل **دوره آمادگی، کودکان دو زبانه و انس با قرآن** می‌باشد که هر کدام از این بخش‌ها دارای زیرمجموعه‌های زیر است:

الف: معرفی برنامه (در این قسمت متن کامل راهنمای برنامه مربوط به هر قسمت قابل دسترسی است)
ب: اخبار (منتخبی از آخرین اخبار و اطلاعات مربوط به هر بخش قابل دریافت است)

ج: معرفی کتاب (به معرفی کتاب‌های مربوطه می‌پردازد)
د: پژوهش‌ها (گزیده‌ای از پژوهش‌های انجام گرفته در سه بخش مربوط قابل دریافت است)
ه: مقالات (گزیده‌ای از مقالات نوشته شده در سه بخش مربوط قابل دریافت است.)

۲. سایر بخش‌ها

برنامه‌ها: این بخش شامل تبیین برنامه‌های پیش‌بینی شده و سیاست‌های دفتر تألیف برای تولید محتوای یاددهی - یادگیری در دوره پیش‌دبستانی و توجه خاص به مشارکت اولیاء و مربیان در تولید محتوا برای این دوره است.

ارتباط با استان‌ها: با عنایت به جهت‌گیری کلی گروه مبنی بر تعامل هر چه بیشتر با استان‌ها و استفاده از نظرات کارشناسی آنان حول موضوعات مشترک در این بخش مسائل مبتلا به دوره، همراه با فایل‌های ضمیمه‌ای به نمایش گذاشته می‌شود تا مخاطبان پس از مطالعه، نظر خود را ثبت نمایند و این نظرات توسط مدیر سایت به نمایش گذاشته می‌شود. در حال حاضر بنا به ضرورت، موضوع تولید بسته آموزشی مطرح گردیده و فایل ضمیمه برای مشاهده همه افراد درگیر در این موضوع قرار داده شده است که با مطالعه آن، نظرات و پیشنهادهای خود را برای هر چه تکمیل تر شدن این بسته اعلام کنند.

ویژه اولیا و مربیان: این قسمت از دو بخش سخنی با اولیا و سخنی با مربیان تشکیل شده است.

اخبار و اطلاعیه‌ها: در این بخش منتخبی از اخبار و اطلاعیه‌های گروه پیش‌دبستانی دفتر تألیف در زمینه انس با قرآن کریم، آموزش کودکان دو زبانه و دوره یک‌ساله آمادگی روی سایت قرار می‌گیرد.

مجلات رشد پیش‌دبستانی: در این بخش متن کامل همه شماره‌های مجلات رشد پیش‌دبستانی که تاکنون انتشار

مهارت‌های شغلی مربیان پیش از دبستان

مجید نیسی، معاون پرورشی متوسطه امام سجاد(ع)، منطقه شاورر، استان خوزستان
عاشور جلیزی، معاون آموزشی دبستان مرصاد، منطقه شاورر، استان خوزستان

اشاره

شناسایی و استانداردسازی مهارت‌های شغلی مربیان پیش از دبستان، مقصد واضح تری برای انتخاب و آموزش آنان ترسیم می‌نماید. پژوهش حاضر با هدف بررسی سطح صلاحیت‌های شغلی مربیان اجرا شد. جامعه آماری شامل ۵۵ نفر مربی منطقه شاورر است که با استفاده از سرشماری، کلیه آن‌ها در تحقیق شرکت داده شدند. ابزار اندازه‌گیری، مقیاس اندازه‌گیری مهارت‌های شغلی مربیان بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از میانگین، انحراف معیار، آزمون T و آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که مربیان از کفایت شخصیت ممتازی برخوردارند ولی از لحاظ صلاحیت تدریس در سطح متوسطی هستند؛ میان میزان مهارت‌های شغلی و مدرک، رشته تحصیلی، سابقه و دوره‌های آموزشی طی شده تفاوتی مشاهده نشد، شواهد حاصل نشان می‌دهد که مربیان به برگزاری مستمر دوره‌های آموزشی نیازمندند.

کلیدواژه‌ها: صلاحیت شغلی، کفایت شغلی، مهارت شغلی، مربیان دوره پیش دبستان

اهتمام به دوره پیش از دبستان، از مهم‌ترین اولویت‌های

آموزشی و تربیتی در قرن ۲۱ به‌شمار می‌آید (ابوحرب، ۲۰۰۵). این دوره در ایران به دوره‌های اطلاق می‌شود که کودکان گروه سنی ۴ تا ۶ سال را تحت پوشش قرار می‌دهد (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۲) و برنامه آن کودک‌محور و بر رشد همه‌جانبه کودک متمرکز است (کول، ۱۳۸۰). بنابراین، مربیان پیش از دبستان برای انجام مسئولیت بزرگ خود به کسب صلاحیت‌های خاصی نیازمندند. یکی از این کفایت‌ها توانایی تدریس است؛ تدریس و آموزش نوین بر پایه طرح برنامه‌ریزی شده دایره‌واری است که از حلقه‌ای شروع و به اهدافی مطلوب منتهی می‌شود. صلاحیت دیگر، کفایت شخصیتی است که مجموعه ویژگی‌های شخصی، انگیزه‌ها، توانایی‌ها و تمایلات را شامل می‌شود (زیتون، ۲۰۰۱). بنابراین، در نظام تربیت نوین، انتخاب مربی از مهم‌ترین، ظریف‌ترین و حساس‌ترین کارها به‌حساب می‌آید (نوال، ۲۰۰۳). پژوهشگران علوم تربیتی در سراسر دنیا مطالعات و پژوهش‌های بسیاری برای شناخت ویژگی‌های معلم خوب انجام داده‌اند (مرعشی، ۱۳۷۴). ولی تقریباً هیچ پژوهشی در زمینه مهارت‌های شغلی مربیان در کشورمان صورت نگرفته است. با وجود این به چند پژوهش خارجی اشاره می‌کنیم. نتایج تحقیق «نیازسنجی دوره‌های آموزشی مربیان پیش از دبستان» نشان

داد که آنان در زمینه‌های آشنایی با «ویژگی‌های رشد کودک»، «روش‌های رفتار با کودکان عادی و با نیازهای ویژه»، «کاربرد کامپیوتر در آموزش»، «ارزشیابی تکوینی مستمر»، «روش‌های خلاق در آموزش»، «تحقیق در رفتار کودک» و «فن گزارش نویسی عملکرد روزانه کودک» به شدت ضعیف بودند. همچنین در زمینه‌های «صحبت کردن لطیف با کودک»، «روش‌های احساس محبت توسط کودک»، «رشد اعتماد در والدین نسبت به فرزندان»، «مدیریت ارتباط با اولیا»، نیاز مبرمی به آموزش نشان دادند. (جاجان، ۲۰۰۶) در پژوهش دیگری به ضرورت برگزاری دوره‌های آموزشی مربیان با موضوعات اهداف، محتوا و ارزشیابی پیش از دبستان پی برده شد (العواد، ۲۰۰۳). تحقیق دیگری با هدف شناسایی صلاحیت‌های تدریس پیشرفته مربیان نشان داد که آنان در برنامه‌ریزی فعالیت‌ها و مهارت به‌کارگیری دانش در آموزش بسیار ضعیف بودند. (ابوحرب، ۲۰۰۵) اهمیت و ضرورت بررسی مهارت‌های شغلی مربیان را می‌توان در به‌دست آوردن اطلاعات مورد نیاز شغلی برای مربیان و برنامه‌ریزان، انتخاب دقیق‌تر مربیان، شناخت و بهبود سطح صلاحیت شغلی مربیان

مشخصات مربیان نیز با استفاده از پرونده‌ی دفترى آنان تکمیل شد؛ سپس با استفاده از نرم‌افزار SPSS اقدام به تجزیه و تحلیل داده‌ها کردیم. روش‌های تجزیه و تحلیل آماری، میانگین، انحراف معیار، آزمون T و آزمون تحلیل واریانس یک طرفه بود. اجرای تحقیق در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ از ابتدای آبان ماه تا آخر اسفند ماه سال ۹۱ به طول انجامید.

نتایج

سؤال اول: مربیان تا چه اندازه از صلاحیت‌ها و مهارت‌های اساسی شغلی و حرفه‌ای مرتبط برخوردارند؟ میانگین سنجش صلاحیت شخصی مربیان، در سطح بالا ولی صلاحیت تدریس آنان در سطح متوسط ارزیابی شد. از ۲۵ صلاحیت شخصی و ویژگی «داشتن ظاهری آراسته»، با بالاترین میانگین و «صلاحیت رفتار با کودکان عادی و کودکان با نیازهای ویژه»، با کمترین میانگین ارزیابی شده است. از مجموع ۳۳ صلاحیت تدریس، «توانایی به‌کارگیری روش‌های

از ۵۸ کفایت و از دو قسمت اصلی کفایت شخصیتی با ۲۵ گویه و کفایت تدریس با ۳۳ گویه تشکیل شده است. روش نمره‌دهی آن براساس طیف لیکرت شامل گزینه‌های (بسیار کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، عالی=۴، بسیار عالی=۵) است. روایی ابزار اندازه‌گیری، ابتدا براساس مطالعات انجام شده و با استفاده از نظر کارشناسان مرتبط بازمی‌سنجی شد و سپس مورد استفاده قرار گرفت. پایایی این ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ () محاسبه شد. فرم مشخصات مربیان، شامل مدرک، رشته تحصیلی، سابقه تدریس و تعداد دوره‌های طی شده، ابزار دیگر این پژوهش بود.

شیوه اجرا

بعد از ارائه درخواست انجام تحقیق به اداره آموزش و پرورش منطقه شاور و کسب مجوز، با مراجعه حضوری محققان به مراکز پیش‌دبستانی منطقه و توجیه مربیان در مورد موضوع تحقیق، مقیاس سنجش مهارت‌های شغلی، برای ۵۵ نفر مربی از ۵۳ مرکز و به‌صورت مشاهده تدریس مربیان توسط محققان تکمیل شد. فرم

و گام برداشتن به‌سوی ارزشیابی ملاکی جست‌وجو کرد. پژوهش حاضر با هدف بررسی صلاحیت‌های شغلی مربیان پیش از دبستان منطقه شاور جهت ارائه پیشنهادهاى علمى و عملى برای بالا بردن سطح کیفی برنامه‌های تربیت حرفه‌ای مربیان اجرا شد. این پژوهش در صدد پاسخ دادن به این پرسش است که سطح صلاحیت‌ها و مهارت‌های اساسی شغلی مربیان چه اندازه است و بین این سطح و مدرک و رشته تحصیلی، تجربه و دوره‌های آموزشی چه تفاوتی وجود دارد.

روش (الف) شرکت‌کنندگان و طرح پژوهش

شرکت‌کنندگان در این پژوهش کلیه مربیان پیش‌دبستانی منطقه شاور (از توابع شهرستان شوش دانیال) از ۵۳ مرکز پیش‌دبستانی با تعداد ۵۵ نفر مربی زن در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ بودند. تحصیلات ۴۵ نفر، فوق‌دیپلم و ۱۰ نفر لیسانس بود. ۱۶ نفر آنان بین ۱ تا ۵ سال و ۳۹ نفر آنان ۶ تا ۱۰ سال سابقه شغلی داشتند. با توجه به اینکه کلیه مربیان مورد مطالعه قرار گرفتند، از سرشماری استفاده شد و نمونه‌گیری انجام نشده است. نظر به اینکه پژوهش حاضر به توسعه دانش کاربردی میان دست‌اندرکاران و مربیان می‌پردازد، از نوع تحقیقات کاربردی و از طرفی با توجه به اینکه هدف پژوهش بررسی سطح صلاحیت‌های شغلی مربیان بود، از نوع توصیفی است.

ب) ابزار

ابزار اندازه‌گیری، مقیاس درجه‌بندی مهارت‌های شغلی مربیان «نوال» بود. این ابزار ابتدا توسط محققان به زبان فارسی ترجمه شد و سپس مورد تعدیل قرار گرفت. این مقیاس



جدول ۱. شاخص‌های آماری سنجش مهارت‌ها بر حسب رشته تحصیلی

صلاحیت	رشته تحصیلی	میانگین	انحراف	سطح معنادار بودن
شخصیتی	علوم تربیتی	۱۰۱/۷۶۶	۱۱/۸۹۴	۰/۹۸۷
	سایر رشته‌ها	۱۰۱/۸۳۳	۱۱/۰۴۲	
تدریس	علوم تربیتی	۱۲۰/۳۶۶	۱۹/۹۴۷	۰/۸۹۶
	سایر رشته‌ها	۱۱۹/۶۹۴	۱۵/۹۷۰	

جدول ۲. شاخص‌های آماری سنجش مهارت‌ها بر حسب مدرک تحصیلی

صلاحیت	مدرک تحصیلی	میانگین	انحراف معیار	سطح معنادار بودن
مهارت‌های شغلی	فوق دیپلم	۲۲۲/۰۷	۳۰/۴۳۸	
	لیسانس	۲۱۸/۱۱۷	۲۶/۲۵۸	

جدول ۳. تحلیل واریانس مربیان بر حسب سابقه کار

متغیرها	منابع تغییرات	مجموع مجذورها	میانگین مجذورها	درجه آزادی	F	سطح معناداری
صلاحیت شخصیتی	بین گروهی	۲۳۷/۸۸۸	۱۱۸/۹۴۴	۲	۰/۸۷۶	۰/۴۲۱
	درون گروهی	۱۰۱۸۲/۴۰۷		۷۵		
	جمع	۱۰۴۲۰/۲۹۵		۷۷		
صلاحیت تدریس	بین گروهی	۲۰۰۲/۵۱۸	۱۰۰۱/۲۵۹	۲	۲/۹۰	۰/۰۶۱
	درون گروهی	۲۵۸۱۶/۷۴۲		۷۵		
	جمع	۲۷۸۱۹/۲۶۰		۷۷		
مجموع صلاحیت‌ها	بین گروهی	۳۶۲۰/۷۲۲	۱۸۱۰/۳۸۶	۲	۲/۱۵	۰/۱۲۳
	درون گروهی	۶۳۰۰۷/۴۷۵		۷۵		
	جمع	۶۶۶۲۸/۲۴۷		۷۷		

حسب سابقه کار و صلاحیت تدریس و مجموع صلاحیت‌ها، تفاوت معناداری حسب سابقه کار مشاهده نمی‌شود. همان‌طور که در جدول (۴) ملاحظه می‌شود، میان میزان صلاحیت شخصیتی، صلاحیت تدریس و مجموع صلاحیت‌ها بر حسب دوره‌های کارآموزی تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود.

بحث

ضرورت شناخت مهارت‌های شغلی مربیان دوره پیش دبستان بر مبنای یک

تحلیل واریانس یک طرفه استفاده، و در جدول‌هایی خلاصه شده است. (جدول ۱) همان‌طور که در جدول (۱) ملاحظه می‌شود، میان میزان صلاحیت شخصیتی و صلاحیت تدریس بر حسب رشته تحصیلی و مربیان تفاوت معناداری وجود ندارد. همان‌طور که در جدول (۲) ملاحظه می‌شود، میان میزان مهارت‌های شغلی بر حسب مدرک تحصیلی مربیان تفاوت معناداری وجود ندارد.

همان‌طور که در جدول (۳) ملاحظه می‌شود، میان میزان صلاحیت شخصیتی

تربیتی توجیه آموزش‌های کلامی از طریق فعالیت مطلوب» با بالاترین میانگین و «توانایی کمک به خودسنجی کودک» با کمترین میانگین ارزیابی شد.

سؤال دوم: میان مهارت‌های شغلی

مربیان و عواملی مانند مدرک و رشته تحصیلی، سابقه خدمت و دوره‌های کارآموزی چه تفاوتی وجود دارد؟ برای مقایسه بین سطح مهارت‌های شغلی و مدرک و رشته تحصیلی از آزمون t و برای مقایسه بین سطح مهارت‌های شغلی و سابقه و دوره‌های کارآموزی از

جدول ۴. تحلیل واریانس مربیان بر حسب دوره‌های کارآموزی طی شده

متغیرها	منابع تغییرات	مجموع مجذورها	میانگین مجذورها	درجه آزادی	F	سطح معناداری
صلاحیت شخصیتی	بین گروهی	۲۴۸/۹۷۲	۱۲۴/۴۸۶	۲	۰/۹۱۸	۰/۴۰۴
	درون گروهی	۱۰۱۷۱/۳۲۳		۷۵		
	جمع	۱۰۴۲۰/۲۹۵		۷۷		
صلاحیت تدریس	بین گروهی	۸۰۳/۵۹۱	۴۰۱/۷۹۵	۲	۱/۱۱۵	۰/۳۳۳
	درون گروهی	۲۷۰۱۵/۶۶۹		۷۵		
	جمع	۲۷۸۱۹/۲۶۰		۷۷		
مجموع صلاحیت‌ها	بین گروهی	۱۹۳۳/۹۲۰	۹۶۶/۹۶۰	۲	۱/۱۲۱	۰/۳۳۱
	درون گروهی	۶۴۶۹۴/۳۲۷		۷۵		
	جمع	۶۶۶۲۸/۲۴۷		۷۷		

منابع

- کول، ویتلا، برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان، ترجمه دکتر فرخنده مفیدی، سمت، چ پنجم، تهران، ۱۳۸۰.
- مرعشی، علی اکبر، «بررسی مهارت‌های شغلی معلمان دوره ابتدایی»، نشریه روان‌شناسی و علوم تربیتی تعلیم و تربیت، بهار و تابستان، شماره ۴۱ و ۴۲، ۱۳۷۴.
- وزارت آموزش و پرورش؛ اساسنامه دوره پیش‌دبستانی، تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۲.
- أبو حرب، یحیی، الکفایات التدریسیه اللازمه لمعلمات مرحله ما قبل المدرسه فی ضوء تطویر نماذج المنهج للقرن الحادی والعشرین. فی مؤتمر الأطفال والشباب فی مدن الشرق الأوسط و شمال أفريقيا، دبي، الإمارات العربیه المتحدہ.
- جاجان، جمعه، محمد، أحلام و داؤ أدیب (۲۰۰۶). «الاحتیاجات التدریسیه لمعلمات ریاض الأطفال من وجهه نظر هن»، مجله أبحاث کلیه التربیه الأساسیه، ۱، ۴، ۲۰۰۵.
- حامد یاسین، نوال، «تقویم مهارت معلمات ریاض الأطفال بالعاصمه المقدسه»، مجله جامعه ام القرى للعلوم التربویه والاجتماعیه والإنسانیه، ۱۵، ۱ (۲۰۰۳).
- زیتون، حسن حسین، تصمیم التدریس: رؤیه منظومه، سلسله أصول التدریس، المجلد الثاني، القاهره: عالم الكتب. ط ۲ الكتاب الثاني: (۲۰۰۱).
- العواد، منى بنت حمد بن علی، الاحتیاجات التدریسیه لمعلمات ریاض الأطفال فی المملکه العربیه السعودیه. ملخص رساله ماجستیر، WWW.minshawi.com. (۲۰۰۳).

آنان دلالت دارد که بررسی این ویژگی در پژوهش‌های پیشین مغفول مانده بود. نتیجه غیرمنتظره این تحقیق یعنی بی‌تفاوتی در بین صلاحیت‌های شخصیتی و تدریس بر حسب مدرک، رشته تحصیلی، سابقه و تعداد دوره‌های کارآموزی طی شده احتمالاً به ضعف کارآموزی رشته‌های دانشگاهی مرتبط و آموزش مستمر مربیان بر می‌گردد. این نتیجه در نتایج پژوهش‌های گذشته گزارش نشده بود. البته به دلیل محدود بودن جامعه این پژوهش، می‌باید در تعمیم نتایج به کلیه مربیان کشور احتیاط کامل رعایت شود ولی از مقیاس مهارت‌های شغلی این پژوهش می‌توان به عنوان گامی مهم در ارزشیابی ملاکی مهارت‌های شغلی مربیان استفاده کرد. جا دارد دست‌اندرکاران دوره پیش‌دبستان ضمن تبیین مهارت‌های حرفه‌ای مربیان، پژوهش‌ها و برنامه‌های جامعی برای آموزش مهارت‌ها به‌طور مستمر تهیه کنند و دوره‌های کارآموزی را پیش از خدمت و ضمن خدمت همراه با نظارت و راهنمایی دقیق‌تر به‌مورد اجرا بگذارند.

مقیاس علمی اجتناب‌ناپذیر به‌نظر می‌رسد. اگر چه مهارت‌های شغلی مربیان یک مجموعه کلی است، دسته‌بندی مهارت‌ها برای بررسی و آموزش آن‌ها ضرورت دارد. در این پژوهش مهارت‌های شغلی مربیان در دو بخش صلاحیت‌های شخصیتی و صلاحیت‌های تدریس مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد که مربیان گروه نمونه با وجود برخورداری از صلاحیت شخصیتی بالا در برخی از ویژگی‌های شخصیتی، یعنی «توانایی تعامل با کودکان عادی و کودکان با نیازهای ویژه» در سطح پایینی ارزیابی شده‌اند؛ عدم توانمندی آنان در این زمینه، احتمالاً به دلیل فقر آموزشی و کارآموزی باشد. این نتیجه با نتایج مطالعه (جاجان، ۲۰۰۶) مطابقت دارد. متوسط بودن صلاحیت تدریس مربیان در این پژوهش، تجدید نظر جدی در انتخاب و آموزش مربیان را گوشزد می‌کند. بی‌بهره بودن مربیان از برخی مهارت‌های تدریس، مانند «توانایی کمک به خودسنجی کودک» به ضعف کارآموزی حرفه‌ای و آموزش ضمن خدمت

زمانی که خواندن این مقاله را آغاز می کنید ممکن است از خود سؤال کنید: کج خلقی و بد اخلاقی کودکان چیست؟ چه تفاوتی با پر خاشگری و عصبانیت آن‌ها دارد؟ آیا تنها والدین با این مقوله درگیرند؟ یا کودکان نیز این لحظات پرتنش و پراضطراب را تجربه می کنند؟

کج خلقی چیست؟

معنی لغوی کج خلقی اوج عصبانیت و فوران خشم و ناراحتی‌ای است که معمولاً در کودکان به شکل ناآرامی و بی‌قراری و بد اخلاقی ظاهر می شود. این رفتار در ۱۸ ماهگی تا ۳ سالگی به اوج خود می رسد گاه تا حدود ۵ تا ۶ سالگی نیز ادامه دارد. روان شناسان کج خلقی‌های کودکان را به دو گروه مشخص تقسیم می کنند:

۱. ناآرامی‌ها و کج خلقی‌هایی که به خشم و عصبانیت کودک مربوط می شوند.
۲. ناآرامی‌ها و کج خلقی‌هایی که ریشه در ترس، بهت و حالت گیجی کودک دارند.

ذهنیت والدین در مورد بد رفتاری و کج خلقی کودکان:

والدین تعبيرات مختلفی در مورد بد رفتاری و کج خلقی کودکان دارند، بعضی از آن‌ها کوچک ترین گریه اعتراضی کودک را نوعی بد رفتاری می دانند و عده‌ای دیگر جیغ کشیدن کودک، فریادهای بلند و لگد کوبیدن‌های او را کج خلقی می نامند. خلاصه اینکه هر یک از پدر و مادرها تعبیر و تفسیر خاصی از این حالات دارند.

عوامل ایجاد کج خلقی کودکان

جلب توجه:

نخستین ناآرامی‌های کودکان برای جلب توجه و تحت تأثیر قرار دادن پدر و مادر است اما اگر کودک پاداش ببیند و بزرگ ترها به این دلیل او را مورد توجه بیش از حد قرار دهند، ممکن است خیلی زود دوباره آن رفتار بد را تکرار کند. خواستن چیزی که متعلق به او نیست:

این مورد می تواند اسباب بازی، شیرینی یا هر چیز دیگری باشد. آموختن این مسئله که او باید برای انجام و اجرای خواسته‌هایش صبر کند، نیاز به زمان دارد. اثبات استقلال شخصی:

ممکن است کودک از تلاش برای نشان دادن استقلال خود به شما ناامید شود. برای مثال تقاضا برای پوشیدن یک لباس نازک در هوای سرد! اگر شما به او اجازه این کار را ندهید، حتی اگر دلبتان درست باشد، وی احساس می کند استقلال شخصی‌اش در معرض خطر قرار گرفته است و همین ترس عمیق موجب کج خلقی کودک می شود.

خشم و ناراحتی درونی:

احساسی که به خاطر نداشتن صبر در اثر محدودیت توانایی و قدرت کودک و عدم موفقیت در تلاش‌هایش ایجاد می شود، همچنین نداشتن توانایی در بیان و ابراز احساسات به خاطر نداشتن مهارت کلامی باعث ایجاد کج خلقی و بد رفتاری در کودکان می شود.

حسادت:

این حالت نسبت به خواهر و برادر یا یک کودک دیگر بروز پیدا می کند. خواستن یک کتاب یا یک اسباب بازی موجب ایجاد کج خلقی و بد رفتاری می شود.

خستگی و گرسنگی:

این عوامل همیشه می توانند سازگاری با مشکلات را سخت کنند. وقتی کودک احساس گرسنگی یا خستگی کند، به سادگی در مقابل مسائل دیگر حساس می شود و واکنش نشان می دهد.



کج خلقی و بد رفتاری در کودکان



محبوبه فیض نژاد

کارشناس ارشد پیش از دبستان و مدرس دانشگاه

مناسب برای دویدن، بازی‌های فعال و شنیدن موسیقی‌های شاد فراهم کنید تا مانع ایجاد خشم، ناآرامی و کج خلقی در کودک شوید.

– زمانی که کودک رفتار صحیحی دارد او را تشویق کنید.

– سرزنده و شاداب باشید؛ هر قدر رفتار شما شاداب‌تر، آرام‌تر و مثبت‌تر باشد، محیطی آرام‌تر و شادتر به وجود می‌آید و در نتیجه شاهد رفتارهایی شاد، آرام و دور از ناآرامی و کج خلقی در کودکان خواهید بود.

منابع

۱. منصف، گونسی؛ ناآرامی در کودکان و نوجوانان، ترجمه زهرا بازرگان، سخن، ۱۳۹۰.
۲. مهجور، سیامک رضا؛ چگونه کودکانی کارآمد داشته باشیم، مدرسه، ۱۳۸۴.
۳. ودیسی، پارما، ناآرامی و مشکلات رفتاری کودکان، ترجمه سیمین حسینیان، الزهرا، ۱۳۸۵.
۴. هیزز، ایلین؛ ناآرامی در کودک، ترجمه متین پنداری، پیدایش، ۱۳۸۷.

5. www.tebyan.net

6. www.ninikocholo2.pertion blogfa.ir

7. www.ninisite.com

تحریک بیش از حد:

بعضی از اوقات یک روز جالب و پرهیجان، یک میهمانی و یا گردش، باعث ایجاد نگرانی یا اضطراب در کودک می‌شود؛ چون این مسائل تاحدودی در برنامه روزانه کودک تغییراتی به وجود می‌آورند و باعث ناآرامی و کج خلقی در کودک می‌شوند.

بار احساسی و عاطفی سنگین:

گاهی اوقات کودک ممکن است به دلیل بار عاطفی، روحی و یا یک تجربه جدید، احساس سنگینی و فشار درونی کند. به طور طبیعی گاه این مسئله بر آن‌ها غلبه می‌کند در نتیجه کودک دچار درماندگی و بی‌قراری و سپس کج خلقی و بد رفتاری می‌شود.

شیوه‌های جلوگیری از بد خلقی کودکان

– سعی کنید به مسائل از دیدگاه کودک نگاه کنید؛ گاه این کار کمک می‌کند که بتوانید دنیا را مثل او ببینید و در این صورت متوجه بعضی از رفتارهای بد بزرگ‌تره‌های می‌شوید.

– توقعات خود را متعادل کنید؛ بسیاری از رفتارهایی که بزرگ‌تره‌ها از آن‌ها تحت عنوان «رفتار بد» یاد می‌کنند، بخشی از رفتار رشدی کودک هستند. در این زمینه صحبت و گفت‌وگو با والدین دیگر بسیار مؤثر است؛ چرا که والدین متوجه می‌شوند بسیاری از کودکان آن رفتار را دارند.

– در مورد قواعد و اصول خانوادگی زیاده‌روی نکنید؛ به این ترتیب کودک به علت کثرت این قوانین دچار سردرگمی نمی‌شود و می‌تواند به راحتی این قوانین را یاد بگیرد و با آن‌ها زندگی کند.

– تلاش کنید قواعد خانوادگی برای کودک ساده، قابل فهم و اجرا باشد؛ چرا که او می‌تواند به آن‌ها عادت کند و بعد آن‌ها را انجام دهد و همین مسئله موجب آرامش فضای خانه می‌شود.

– واقع بین باشید؛ برای کودک طبیعی است که واکنش‌های شما را آزمایش و بعد برخی از آن‌ها را تکرار کند؛ حتی با وجود آنکه شما «نه» می‌گویید. این بخشی از رشد و تکامل اوست. او می‌آموزد که چه رفتاری را «باید» و چه رفتاری را «نباید» انجام دهد.

– مسائل را با دادن نمونه و الگو برای کودک روشن کنید؛ کودکان بسیاری از موقعیت‌ها را با تقلید از بزرگ‌تره‌ها می‌آموزند. اگر می‌خواهید کودک آرام و خوش رفتار باشد، پس شما هم از رفتار و گفتار ناآرام و عصبی بپرهیزید.

– هنگامی که کودک خسته و عصبی است، کمی به او فرصت دهید. – به کودک برای یادگیری، تکرار و تمرین فرصت دهید. برای او فضا و زمان





حسن مؤمنی

دبیر آموزش و پرورش شهرستان دهلران، منطقه موسیان

الگوهای تربیتی والدین

بررسی سبک‌های تربیتی والدین

کلیدواژه‌ها: تربیت، الگوهای تربیتی، خانواده

اشاره

مسلماً هر

پدر و مادری مایل است

فرزندش را خوب تربیت کند، ولی

تمایل به تنهایی کافی نیست و والدین باید از

مسائل تربیتی کودکان و انتخاب سبک و الگوی تربیتی خود

آگاه باشند و از مفاهیم صحیح تربیتی و روش‌ها و شیوه تأثیرگذاری بر

کودک اطلاع کافی داشته باشند؛ زیرا عمل کردن بدون داشتن اطلاعات

کافی نه تنها آنان را به هدف نمی‌رساند بلکه حتی ممکن است آنان را از

هدف‌های سازنده دور سازد. بنابراین، صرف خوب تربیت کردن، والدین را

به مقصد نمی‌رساند.

در گستره فهم تربیت

از دشوارترین پرسش‌های مطرح در تمامی مکاتب و دوره‌های

زندگی از گذشته تاکنون، چیستی تربیت است. تربیت «شکوفایی

استعدادهای بالقوه فرد و هدایت آن در جهت مطلوب است» یا

«عملی است که بزرگسالان بر نسل جدید و ناپخته اعمال

می‌کنند.» همچنان که جان استوارت میل می‌گوید: «هر آنچه

را ما انجام می‌دهیم یا دیگران برای ما انجام می‌دهند تا ما

را به کمال طبیعتمان نزدیک کنند، تربیت است» (کاردان،

۱۳۷۶: ۴۰). از زمانی که معادل فارسی آموزش و پرورش

را در برابر اصطلاح Education قرار داده‌اند، ناخواسته حد

و مرزی بین تعلیم و تربیت تعیین شده و تحریف بزرگی

در قلمرو آموزش و پرورش حداقل در موضوع تربیت رخ

داده است. بنابراین، چنانچه محتوای آموزش و تعلیم

- که غالباً شناخت و توصیف واقعیات علمی و کشف

واقعیات علمی و کشف روابط بین پدیده‌هاست - اگر

به گونه‌ای تدریس شود که پیامد آن تغییر نگرش و

رفتار و منش فرد باشد، این آموزش خود نوعی

تربیت است. به عکس، اگر محتوای مطالب،

هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های دینی و فضایل

اخلاقی باشد اما فراگیری آن تنها در حد تأثیر

بر ذهنیات و حافظه‌پروری و انتقال اطلاعات

و (کسب نمره) باشد و باعث تحول اخلاق و

منش و تغییر نگرش‌های فرد نشود، هر چند

محتوا

ذاتاً پیامدهای

اخلاقی و تربیتی دارد، پیامد

آن صرفاً آموزش و آن هم آموزش با

کمترین تغییر و تحول خواهد بود. حال آنکه درسی

مانند فیزیک، اگر به شیوه درست و معنی‌دار و هدفمند

تدریس شود، می‌تواند آثار تربیتی مؤثری هم داشته باشد.

(سلیمانپور و همکاران، ۱۳۸۴، به نقل از کریمی، ۱۳۷۶: ۳۲)

مفهوم تربیت

تربیت واژه‌ای است که در فارسی پرورش خوانده می‌شود. در

لغت‌نامه دهخدا معنای پروراندن، پروردن و آموختن و غیره برای

آن آورده شده و با واژگانی چون آگاه ساختن، شکل دادن و بالاخره،

رشد و نمو بخشیدن همراه است. واژه تربیت در اصل عربی و از ماده ربو

است و با معانی مختلفی مثل فزون یافتن، زمین بلند و هر چیز دیگری

که در حال افزایش باشد، به کار می‌رود. ربانیز از همان ماده و به معنای

افزایش یافتن آمده است. راغب درباره تربیت چنین تعبیری دارد: «تربیت

پدید آوردن حالت تدریجی در چیزی است تا به حد کمال برسد.» در شرح

و بیان معنای اصطلاحی تربیت، دانشمندان علوم تربیتی تعاریف متفاوتی

دارند که نمونه‌هایی از آن را در ادامه می‌بینیم. تربیت عبارت است از انتخاب

رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت

تا بتواند استعدادهای نهفته‌اش را در تمام ابعاد وجود، و به‌طور هماهنگ پرورش

داده و شکوفا سازد و به تدریج به سوی هدف و کمال مطلوب حرکت کند. (امینی،

۱۳۷۳: ۱۴)

از مجموع تعاریف ارائه شده می‌توان تعریفی را برگزید که هم مختصر و هم

جامع اکثر این تعاریف باشد و آن عبارت است از: «آماده‌سازی شرایط و عوامل مناسب

برای شکوفا ساختن استعدادهای بالقوه انسان در همه ابعاد انسانی و رساندن تدریجی

پرورش‌یابنده به کمال مطلوب.»

عوامل جامعه‌پذیری و تربیت کودک خانواده

محیط خانه و خانواده^۱ اولین و بادوام‌ترین عاملی است که در رشد شخصیت افراد تأثیر می‌گذارد؛ زیرا در این فضا با توجه به بار عاطفی و فرهنگی خاصی که بر آن حاکم است، کودکان خصوصیات را از والدین خویش به ارث می‌برند و با زندگی جمعی، آداب معاشرت و فرهنگ جامعه خود آشنا می‌شوند.

نخستین نامید که از حیث تأثیر بر شخصیت فرد، مقام نخستین را دارد (بوکلی، ۱۹۹۰). به نقل از هاشمی داران و شیرانی، (۱۳۸۴: ۱۰)

موقعیت اجتماعی خانواده وضع اقتصادی، افکار و عقاید، آداب و رسوم، ایده‌آل‌ها و آرزوهای والدین و سطح تربیت آن‌ها در طرز رفتار کودکان تأثیر اساسی و انکارناپذیری دارد. همچنین، عاداتی که کودک در خانه کسب می‌کند، گاهی ممکن است صحیح و عقلانی باشد و گاهی مانع رشد طبیعی بچه شود. خانواده در تمایلات بچه‌ها، افکار و عقاید آن‌ها و طرز رفتار با دیگران نفوذ می‌کند. دیدگاه اعضای خانواده نسبت به کودک و به‌طور کلی به بهداشت، تعلیم و تربیت، عقاید، زندگی جمعی در طرز پرورش کودکان مؤثر است (هاشمی داران و شیرانی، ۱۳۸۴: ۱۰-۱۱).

بدون تردید خانواده که اولین محیط جامعه‌پذیری^۲ و فرهنگ‌پذیری کودک است، مهم‌ترین تأثیر را از جهت شکل‌گیری هویت فرهنگی، آگاهی‌های شناختی، اخلاقی و عاطفی او خواهد داشت. نحوه تربیت، آمادگی روحی، فکری، جسمانی و اجتماعی شدن کودک در خانواده از بسیاری جنبه‌ها از جمله نوع ارزش‌ها و کنش‌زبانی نگرش‌های ایجاد شده به وابستگی طبقاتی خانواده مرتبط است.

بوکلی خانواده را از آن جهت گروه



عکس: رضامتمدی

محیط خانه و خانواده اولین و بادوام‌ترین عاملی است که در رشد شخصیت افراد تأثیر می‌گذارد؛ زیرا در این فضا با توجه به بار عاطفی و فرهنگی خاصی که بر آن حاکم است - کودکان خصوصیات را از والدین خویش به ارث می‌برند و با زندگی جمعی، آداب معاشرت و فرهنگ جامعه خود آشنا می‌شوند

اساساً، تصورسازان کودکان عبارت‌اند از: پدر و مادر که به‌طور مداوم با کودک همراه‌اند، مسئولان رسمی تربیت در مدرسه، خویشان و بستگان و افرادی که بیشترین ارتباط جمعی را با آنان دارند، دوستان و معاشران، و محله زندگی و افراد جامعه و فرهنگی که بر محیط زندگی حاکم است. (سلیمانپور و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۳۹-۲۴۰)

هر یک از این عوامل در ساختار کاری، شخصیتی و تصورسازی کودکان نقش اساسی دارند و باعث می‌شوند آن‌ها نسبت به خود نگرشی مثبت یا منفی پیدا کنند که در جریان زندگی موفق یا ناموفق و ایجاد نوع خودپنداره‌شان کاملاً مؤثر است.

سبک‌ها و الگوهای تربیت

هر خانواده شیوه‌های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می‌گیرد. این شیوه‌ها، که شیوه‌های فرزندپروری نامیده می‌شوند، متأثر از عوامل مختلفی از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هستند (هاردی و همکاران، ۱۹۹۳). بنابراین، نگرش‌ها و اعتقادات و رفتارهای والدین که در قالب الگوی خانوادگی یا شیوه‌های فرزندپروری نمود پیدا می‌کند، عامل بسیار مهمی در تکوین شخصیت و تثبیت خصوصیات اخلاقی فرزندان و هویت محسوب می‌شود (کارگر شولی و پاکنژاد، ۱۳۸۲). هر کدام از این شیوه‌های خاص تربیتی می‌تواند در شکل‌گیری شخصیت و هویت کودک نقش اساسی داشته باشد؛ چنان‌که رشد یافتن در یک محیط خانوادگی گرم و صمیمی به‌طور مثبتی با رشد روانی سالم در طول دوران نوجوانی مرتبط است (گروتوانت و کوپر، ۱۹۸۶).

● والدین قاطع و اطمینان‌بخش (مقتدر)

والدینی که این الگوی فرزندپروری را دارند، به فرزندان خود استقلال و آزادی فکر می‌دهند و آن‌ها را تشویق می‌کنند اما نوعی محدودیت و کنترل را نیز بر آن‌ها اعمال می‌دارند. در خانواده‌هایی با والدین مقتدر اظهار نظرها و ارتباط اخلاقی وسیع در تعامل کودک و والدین وجود دارد و گرمی و صمیمیت نسبت به کودک در سطح بالاست (ماسن و همکاران، ۱۳۷۰).

● والدین سهل‌گیر

این والدین به‌صورتی افراطی نسبت به کودکان خود پذیرش و پاسخ‌دهی دارند اما توقعی از کودکان خود ندارند (اشتاین برگ، ۱۹۹۶) و نسبت به آموزش رفتارهای اجتماعی به فرزند خود سهل‌انگارند. در این خانواده‌ها نظم و ترتیب و قانون کمی حکم‌فرماست و پایبندی اعضا به قوانین و آداب و رسوم اجتماعی

فراگرد اجتماعی شدن در درون خانواده آغاز می‌شود و خانواده نماینده تمامی جهان پیرامون کودکان است. تصویری که کودکان از خودشان دارند، بستگی به این دارد که اعضای خانواده چه احساسی به آن‌ها دارند. ارزش‌هایی که یک فرد می‌پذیرد و نقش‌های گوناگونی که از او انتظار می‌رود بپذیرد، نخست در چارچوب محیط خانواده آموخته می‌شود. (کوئن، ۱۳۸۵: ۷۹)

مدرسه

برخلاف جوامع ابتدایی که در آن‌ها خانواده مسئول اجتماعی شدن اولیه کودکان بود، در جوامع پیشرفته این مسئولیت به سازمان‌هایی رسمی مانند مدرسه و مراکز پیش دبستان واگذار شده است. مراکز مراقبت از کودک، مهدهای کودک، آمادگی و پیش‌دبستانی‌ها قبل از ورود کودک به سازمان رسمی مدرسه این امر مهم را به‌عهده دارند. کودکان همین‌که به شش‌هفت سالگی می‌رسند، مدرسه مسئول اصلی انتقال دانش و شیوه‌های رفتار اجتماعی به آن‌ها می‌شود. مدرسه به‌عنوان یکی از عوامل عمده اجتماعی شدن بر پایه یک رشته قواعد بی‌چون‌وچرا، ساختار و سازمان می‌گیرد (کوئن، ۱۳۸۵: ۷۹)

تصور کودک از خود و تصورسازان

تصور درست یا غلط داشتن از خود مسئله‌ای مهم و سرنوشت‌ساز است؛ زیرا حرکت یا توقف آدمی در گرو آن است. تصور هر انسان درباره خود در وضع حال و آینده و اتخاذ مواضع او نقش مهم و اساسی دارد. بدین‌سان رفتار ما تا اندازه زیادی با واکنش‌های دیگران تعیین می‌شود. اگر تصویری که دیگران از فرد دارند، تصویری مطلوب باشد، باعث ارزیابی مثبت از خود و اگر تصویری که دیگران از او دارند نامطلوب باشد، ارزیابی منفی از فرد شکل می‌گیرد. تحقیق نشان می‌دهد که تصور کودک از خود و درباره خود حاصل به‌هم آمیختن چند عامل است:

۱. طرز برخورد و نوع رابطه‌ای که والدین و مربیان با کودک دارند و با القائات خود ذهنیت او را شکل خاصی می‌دهند.

۲. تصویری که کودک از موقعیت خویش نزد دیگران دارد؛ مثلاً کودکی که خیال می‌کند نزد پدرش فوق‌العاده عزیز یا منفور است و ...
۳. تجارب بد یا خوب که کودک در طول زندگی کوتاه‌ش به‌دست آورده، در این تصویرسازی ذهنی مؤثر است. این تجارب نتیجه موقعیت خانوادگی، فعالیت‌ها و ارتباطات اجتماعی و درون‌گروهی کودک است که گاه تبعیض و نابرابری و گاه درگیری خانوادگی خود یا انس و محبت و گاه درگیری و گاهی رفاه و صمیمیت و موفقیت را تجربه می‌کند.

۸. هبیتی، خلیل. «بررسی شیوه‌های فرزندپروری والدین و رابطه آن با شیوه‌های مقابله با استرس دانش‌آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستان‌های رشد زرقان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۱.

۹. ماسن، پاول هنری و دیگران؛ رشد و شخصیت کودک، مترجم: مهشید یاسایی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۰.

۱۰. کارگر شولی، هدایت و فاطمه پاکنژاد. «خانواده نخستین عامل تأثیرگذار بر هویت دانش‌آموزان»، ویژه‌نامه مجله دانشگاه علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۲. 11. Hardy, D. F. Power, T. G.; and Jeadicke, S. (1993). "Examining the relation of parenting to childrens coping with every day", child development. Vol. 64p. 1841.

12. Grotevant, H. D. and Cooper, C.R. (1986). "Individualization in family relationship", Human development, vol.29, p. 82-100

13. Carol K. Sigelman (1999). "Life span human developman". C.M.P.413.

بسیار کم است و هر کس هر کاری که بخواهد می‌تواند انجام دهد.

● والدین مستبد

شیوه فرزندپروری استبدادی با ویژگی‌های توقع بالا و پذیرش پایین مشخص شده است. این والدین قوانین خود را به صورت انعطاف‌ناپذیری تحمیل می‌کنند. از نظر تربیتی خشن و تنبیه‌گرند، با رفتار بد مقابله می‌کنند و کودک بدرفتار را تنبیه می‌کنند. ابزار محبت و صمیمیت آن‌ها به کودکان در سطح پایین است. آن‌ها امیال کودکان را در نظر نمی‌گیرند و عقایدش را جویا نمی‌شوند. کودکان چنین والدینی ثبات روحی و فکری ندارند و خویشتن را بدبخت می‌پندارند. آن‌ها زود ناراحت می‌شوند و در برابر فشارهای روانی آسیب‌پذیرند (هبیتی، ۱۳۸۱). خانواده‌ای که تابع اصول دیکتاتوری است، معمولاً رشد بچه‌ها را محدود می‌سازد. در چنین خانواده‌ای یک نفر حاکم بر اعمال و رفتار دیگران است (به نقل از شریعتمداری، ۱۳۷۷). تحقیقات کاگان و ماسن نشان می‌دهد که اگر والدین بسیار سختگیر و دیکتاتور باشند، مانع پیشرفت و توسعه کنجکاوی و خلاقیت کودک می‌شوند. والدینی که اجازه نمی‌دهند کودک ابزار وجود یا اظهار نظر کند، مانع بروز استعدادهای بالقوه کودک می‌شوند و در نتیجه، این کودکان در آینده روان‌آزرده و پرخاشگر خواهند شد.

● والدین مسامحه‌گر یا بی‌توجه

بر اساس مشاهدات زیگلن (۱۹۹۹) این گروه از والدین بسیار مهرورز و از خودگذشته (سهل‌گیر) اهمال‌ورز و مسامحه‌گر به نظر می‌رسند. این والدین دارای ویژگی‌های کنترل و پذیرش کم و کم‌پاسخ‌گو بودن هستند (هبیتی، ۱۳۸۱). به نظر می‌رسد آن‌ها نگران بچه‌های خود نیستند و حتی ممکن است آن‌ها را طرد کنند. آن‌ها طوری درگیر مسائل شخصی خود هستند که فرصت ایجاد و اجرای نظم و قانون در خانواده خویشتن را ندارند (کارول و همکاران، ۱۹۹۹).

پی‌نوشت‌ها

1. Family
2. Socialization

منابع

۱. امینی، ابراهیم؛ اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳.
۲. سلیمانپور و همکاران؛ مباحث اساسی در تعلیم و تربیت. در یاسر، ۱۳۸۴.
۳. شریعتمداری، علی؛ روان‌شناسی، امیرکبیر. چاپ دوم و سوم، تهران، ۱۳۷۶.
۴. دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۵. کوئن، بروس؛ درآمدی به جامعه‌شناسی؛ مترجم: محسن ثلاثی. توتیا، تهران، ۱۳۹۱.
۶. هاشمی‌داران، حسن و حسین شیرانی؛ اقتصاد خانواده. پرسمان، تهران، ۱۳۸۴.
۷. شادوارد، موریس؛ استادان بزرگ تعلیم و تربیت. مترجم: احمد قاسمی، تهران، با همکاری مؤسسه فرانکلین، تهران، بی‌تا.



اشاره

در دوره پیش از دبستان اهمیت بازی به‌عنوان مهم‌ترین شیوه یادگیری برای کودکان مطرح است چرا که کودکان از راه بازی می‌آموزند چگونه نیازهای فردی و اجتماعی خود را مرتفع سازند. رابطه بین کودک و بازی را می‌توان این‌گونه توصیف کرد؛ بازی شبیه کار کودک است یا به عبارت دیگر بازی کار دوران کودکی است. این توصیف‌ها یا جمله‌ها اهمیت بازی را نشان می‌دهند و اینکه چقدر نقش بازی در زندگی کودکان برجسته است؛ به همان اندازه که کار برای بزرگسالان مهم است و عنصری اساسی در زندگی آنان محسوب می‌شود اما تفاوت اصلی این است که کار بزرگ‌ترها ویژگی‌هایی نظیر یک‌نواختی و قابلیت پیش‌بینی دارد؛ در حالی که یک‌نواختی و قابل پیش‌بینی بودن دقیقاً با ویژگی‌های بازی کودکان مغایر است.

کلیدواژه‌ها: بازی، کودکان، مربیان، والدین

منظور از بازی واقعی کودکان چیست؟

بازی فرایندی است که کودکان از طریق آن جهان را می‌بینند و می‌فهمند. آن‌ها در بازی مسائلی مانند اینکه چگونه اشیاء را کنترل کنند، چگونه یاد بگیرند و چگونه خودشان و احساساتشان را بشناسند و چطور رشد کنند، سازگار شوند و مسئولیت‌پذیر و قدرتمند شوند را به تدریج می‌آموزند.

به عبارت دیگر بازی، طبیعت دوم کودک است و راهی طبیعی برای بیان احساسات و شناخت دنیای پیرامون کودکان محسوب می‌شود. به ایجاد روابط اجتماعی بین کودکان کمک می‌کند و در حمایت از رشد همه‌جانبه آن‌ها نقش ارزشمندی دارد. موقعیت‌های بازی تجربه‌هایی برای یادگیری کودک به شکل عینی فراهم می‌آورد؛ به گونه‌ای که به شرکت‌کننده‌های فعال و نه دریافت‌کننده‌های غیرفعال در روند کلی یادگیری مبدل می‌شود. مربیان خوب هر روز در کلاس‌های آموزشی خود متوجه اهمیت بازی می‌شوند. این مربی‌ها از طریق بازی آموزش می‌دهند، درس را به کودکان و شاگردان خود می‌آموزند، و به کودکان کمک می‌کنند تا خودشان و یکدیگر را از طریق بازی بشناسند.

بازی فرایندی ساده و واقعی است و در عین حال که بسیار اهمیت دارد، دارای سطوح مختلفی است که گاه ممکن است برای والدین و بزرگ‌ترها گیج‌کننده و حتی پیچیده باشد ولی از آنجا که کودکان خردسال از طریق بازی می‌آموزند، بسیار مهم است که ما بزرگ‌ترها به آن‌ها اجازه بدهیم زمانی برای بازی داشته باشند و برای آموزش مسائل مختلف نظیر رنگ‌ها، حروف الفبا، شکل‌ها، واژه‌ها و امثال این‌ها از بازی کمک بگیریم و به آن‌ها بیاموزیم. اما این تمام آنچه معلمان خوب درباره بازی برای کودکان می‌دانند نیست. اگرچه معلمان بازی را تقریباً در تمام طول کلاسشان تلفیق می‌کنند اما وقتی در مورد ارزش بازی صحبت می‌کنند، آن را به واژه بازی درست و واقعی تعریف می‌کنند یا اینکه واژه‌های مشابهی نظیر بازی آزاد یا بازی کودک‌محور یا کودک‌راهبر به کار می‌برند که تمامشان واژه‌های یکسانی هستند. عبارت‌هایی که مربیان و معلمان برای بازی‌های کودکان به کار می‌برند، بیشتر به

بازی،
طبیعت دوم کودک
است و راهی طبیعی برای
بیان احساسات و شناخت
دنیای پیرامون کودکان
محسوب می‌شود



دنیای بازی کودکان را بشناسیم

«بازی آن‌قدر برای رشد کودک مهم است که می‌توان آن را در کمیسیون عالی سازمان ملل در رابطه با حقوق بشر برای هر کودکی تعیین کرد... عنصرهای بازی مثل بلوک‌بندی، عروسک‌سازی و تمام بازی‌های از این دست، که کودکان برای انجام آن از تخیل خودشان استفاده می‌کنند، نسبت به اسباب‌بازی‌های انفعالی که هیچ‌گونه تخیل کودکان را تحریک نمی‌کنند برتری دارند... والدینی که اوقات بسیار زیادی را برای بازی کودکان خود اختصاص می‌دهند، به شدت باید مورد حمایت و پشتیبانی قرار بگیرند.»

چرا باید با کودک خود بازی کنید؟

بازی واقعی و درست یک فرایند کودک‌محور است اما این امر، بدین معنا نیست که بدون دخالت بزرگ‌ترها قابل

آنچه کودک در حین عمل یا فرایند بازی نشان می‌دهد - هنگامی که کودک تخیل خود را به کار می‌گیرد و فعالانه در خلق بازی مشارکت می‌کند - مربوط می‌شوند.

بازی واکنش منفعلانه کودک یا واکنش‌های کلیشه‌ای به مجموعه‌ای از فرایندهای از قبل تعیین شده نیست. بازی شبیه مسائلی دیگر که از آن‌ها لذت می‌بریم نیست. برای مثال، موسیقی یا ورزش ژیمناستیک می‌توانند لذت‌بخش و برای کودک مفید باشند اما یک بازی درست و واقعی به این شکل نیست. به همین ترتیب، ورزش‌های سازماندهی شده هم نمی‌توانند در تعریف بازی واقعی قرار بگیرند. حتی، بازی‌های رایانه‌ای هم نمی‌توانند به‌طور یکسان همراه با بازی واقعی به کار برده شوند؛ چرا که کودک در بازی واقعی مشارکت می‌کند و در جریان چنین بازی‌هایی تلاش می‌کند که برای مثال قالب‌های چوبی بسازد و از طریق آن قالب‌ها ساختاری را تشکیل بدهد و آن را به یک باغ‌وحش برای حیوانات اسباب‌بازی که در اختیار دارد، تبدیل کند یا اینکه برای اتومبیل‌های مسابقه‌ای کوچکش، جاده یا مسیر مسابقه بسازد. در چنین فرایندی عنصر تخیل وجود دارد و بازی کودک را به سمتی حرکت می‌دهد که اساساً تصور آن را نداشته است. هیچ شروع یا پایانی واقعی برای بازی کودک وجود ندارد؛ چون بازی، یک پدیده‌ای قابل سازگاری است. یعنی مادر حین فرایند می‌بینیم که چه مسیری را طی می‌کند.

مفهوم بازی درست یا واقعی آن‌قدر مهم است که انجمن پزشکی کودکان امریکا در سال ۲۰۰۶ سیاستی را در این زمینه تعیین و بازی را به‌عنوان ضرورت اساسی برای دوران زندگی کودکان معرفی کرده است. در گزارش این سازمان آمده است:





انجام باشد. بهترین مربیان و معلمان می‌دانند که زمان بازی وقتی نیست که کودکان را تنها بگذارند و خود بنشینند و برگه‌های امتحانی را نمره‌دهی کنند و یا روی یک کار تحقیقاتی تمرکز داشته باشند. معلمان خوب تلاش می‌کنند و همراه با دانش‌آموزانشان بازی می‌کنند و از این مزیت استفاده می‌کنند تا تعاملی معنادار و تک‌به‌تک با کودکان و شاگردانشان برقرار کنند.

ماهیت بازی کودکان به شما اطلاعات و دانش زیادی می‌دهد و افق‌های جدیدی را دربارهٔ اینکه کودک شما چگونه می‌اندیشد و چگونه در جهان اطراف خود عمل می‌کند، به روی شما می‌گشاید. به عبارت دیگر، بازی کودک به شما یاد می‌دهد که دربارهٔ او به چه مسائلی توجه کنید. حتی بازی کودکان، به شما فرصت می‌دهد تا در زمینه رفتار و رشد آن‌ها بیشتر تأمل کنید. بازی در مقایسه با هر رفتار دیگری، بیشترین فرصت بودن و شناخت کودکان را به شما می‌دهد.

در همین راستا، جمله مشهور افلاطون به ذهن خطور می‌کند که می‌گفت: «شما می‌توانید یک شخص را در ساعت‌هایی که بازی می‌کند خیلی بیشتر از یک سال گفت‌وگو و مکالمه با وی کشف کنید و بشناسید».

وقتی که با کودکان بازی می‌کنید، متوجه می‌شوید که چقدر او به بازی خودش اهمیت می‌دهد و آن را با جزئیات انجام می‌دهد. بازی

کودکان فرایندی بسیار غنی و پراز تخیل است که فهم آن برای بزرگ‌ترها پیچیده است. میزان وقت و دقتی که یک کودک به بازی خودش اختصاص می‌دهد، دانش و آگاهی زیادی دربارهٔ سطح توجه کودک و توانایی او برای سازگاری و انطباق با موقعیت‌های یادگیری مختلف در اختیار شما می‌گذارد.

ارتباط کودک و بازی ارتباط دوجانبه‌ای است. کودکی که جزئیات بیشتری از بازی خودش ارائه می‌کند، تمایل دارد توجه بیشتری هم به بازی داشته باشد. در عین حال، زبان بهتری برای بیان جزئیات به کار می‌برد و مهارت سواد در او قوی‌تر می‌شود. شما می‌توانید از طریق هدایت کودک به او کمک کنید تا بازی خودش را با جزئیات بیشتری توصیف کند و این توانایی‌ها را در وی افزایش دهید.

توصیه‌هایی برای بازی واقعی با کودکان

مربیان باید توجه داشته باشند که از طریق بازی می‌توانند به افکار و ایده‌های کودکان وارد شوند. زبان کودکان و مهارت‌های سواد آن‌ها را تقویت کند. به همین دلیل، می‌توان گفت کلاس‌های کودکان خردسال وقتی کلاس خوبی است که پراز وسایل بازی باشد و معلمان بالا از بازی در کلاس استفاده کنند. بازی‌های سطوح بالاتر، بازی‌های متنوع‌تر، پیچیده‌تر و با جزئیات بیشتر هستند. والدین می‌توانند در خانه هم این گام‌ها را انجام دهند و بازی‌های مناسب واقعی تهیه کنند.

پژوهش‌های بسیاری اهمیت بازی اجتماعی دراماتیک را نشان می‌دهند. در این پژوهش‌ها، چنین بازی‌هایی به عنوان ابزاری برای برنامهٔ درسی یادگیری کودکان ۳ تا ۶ سال محسوب می‌شود. لازم است برای معلمان سازماندهی و ساختار موضوعی دقیق از بازی‌ها تهیه شود و جدولی با محتوای مشخصی برای آنان تنظیم گردد. این جداول می‌تواند شامل گام‌های یادگیری و زمان مورد نیاز برای آموزش بازی‌ها باشد. پس می‌توان با تدوین برنامهٔ بازی‌ها به زمان‌بندی مشخص و هدف‌های دقیق، به انجام موفق بازی با کودکان همت گمارد.

از طرف دیگر می‌توان به این واقعیت اشاره کرد که اگر شما به عنوان مربیان و بزرگ‌ترها با کودک در حین بازی همراهی کنید، به چند هدف اساسی دست می‌یابید:

- اول می‌توانید به کودک در موقعیت‌های دشوار و اضطراب‌آور کمک کنید تا از آن موقعیت‌ها خارج شود.

- دوم به او می‌آموزید چگونه با کودکان و سایر افراد دیگر همزیستی کند، چگونه دوست پیدا کند، و چگونه برای دیگران دوست خوبی باشد.
- سوم به کودک نشان می‌دهید چطور می‌تواند به شما اعتماد کند و اینکه شما مراقب او هستید، به او توجه می‌کنید و در نهایت، کسی هستید که می‌تواند به شما اعتماد کند.

منابع

۱. کول، وینتا؛ برنامهٔ آموزش و پرورش در دورهٔ پیش از دبستان، مترجم فرخنده مفیدی، سمت، ۱۳۸۴.

2. Holewa, Lisa and Rice Joun (2008) What Kindergarten Teachers Know, Published by the penguin Group (USA) Inc.

بازی
کودکان فرایندی
بسیار غنی و پراز تخیل
است که فهم آن برای
بزرگ‌ترها پیچیده است

کارکردهای قصه و قصه‌گویی بر کودکان



قصه‌گویی و تقویت مهارت‌های زبانی و ارتباطی

رحیمه منصوری گرگر
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی

اشاره

قصه ابزاری برای انتقال فرهنگ شفاهی و ایجاد ارتباط کلامی و غیرکلامی مؤثر بین دانش‌آموزان است که با هدایت معلم شکل می‌گیرد و ادامه می‌یابد. همچنین، محملی است که با تقویت زمینه تخیل، بستر تلفیق سایر رشته‌های هنری برنامه را فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: قصه، قصه‌گویی، گردش علمی،
گفت‌وگوی آزاد، خلاقیت، زبان‌آموزی

داستان و بحث درباره اجزا و نتایج آن اقدام کرد. هنگام قصه‌گویی مربی باید از ژست‌های مناسب، حرکات اندام‌ها و چهره، تغییر مناسب شدت و حالات صدا و تا حد امکان تقلید صداهای مختلف برای ایجاد انگیزه در کودکان استفاده کند. (ب) کودک نقش قصه‌گو را ایفا کند که در این حالت مهارت‌های صحبت کردن او تقویت می‌شود و مربی با دعوت دیگران به دقیق گوش کردن به‌طور کلی مهارت‌های شفاهی آن‌ها را ارتقا می‌دهد. به این نوع قصه‌گویی

داستان‌پردازی نیز می‌گویند.

البته می‌توان این دو گونه قصه‌گویی را در هم تلفیق کرد؛ مثلاً از کودکان خواست قصه‌هایی را که مربی می‌گوید، بازبان خود بازگویی کنند یا اینکه معلم یک قصه را به‌صورت ناتمام برای بچه‌ها نقل کند و از هر کدام بخواهد با سلیقه خود آن قصه را به پایان برسانند. در این حالت، خلاقیت زبانی کودکان رشد بسزایی می‌یابد و آن‌ها احساس رضایت بیشتری از فعالیت‌های زبان‌آموزی خواهند کرد.

ماندالر و جانسون

معتقدند که گوش دادن به قصه، کودکان را در پرورش این مهارت‌ها یاری می‌دهد: توالی وقایع، شناخت

پژوهشگران ادبیات کودک و نوجوان ثابت کرده‌اند که قصه برای توسعه و پیشرفت زبان، مهارت‌های ادبی، مهارت‌های شنیداری، تقویت قوه ادراک و تخیل، و مهارت‌های مربوط به ایجاد ارتباط با دنیای اطراف کودکان مفید است.

از قصه‌گویی به دو صورت می‌توان در تقویت مهارت‌های زبانی و ارتباطی کودکان استفاده کرد:

الف) مربی نقش قصه‌گو را ایفا کند که در این حالت مهارت‌های گوش کردن کودکان تقویت می‌شود و پس از پایان قصه، می‌توان با استفاده از پرسش و پاسخ، بحث و گفت‌وگو به گسترش



• **انتقال مفاهیم:** قصه به دلیل کشش، زیبایی و نقشی که در برانگیختن حس کنجکاوی دارد، می تواند بسیاری از مفاهیم را به کودکان منتقل کند. همچنین، با انتقال مفاهیم، به روش غیرمستقیم، نه تنها باعث جذب بهتر و سریع تر مفاهیم به ذهن و زبان کودک می شود، بلکه فهم آن ها را عینی تر و ساده تر می سازد. به همین دلیل، قصه گویی از جدی ترین و بنیادی ترین روش های انتقال مفاهیم به دنیای مخاطبان، به ویژه کودکان، به شمار می آید. مفاهیم ساده علمی، طبیعی و حتی معنا و مفهوم واژگان را طی قصه و گاه بدون نیاز به توضیح، می توان منتقل کرد.

• **تقویت حس کنجکاوی:** قصه ها به علت دربرداشتن زنجیره رویدادها، کودک را وا می دارند که به تعقیب حوادث بپردازد یا آنچه را در قصه می شنود، در دنیای بیرون جست و جو کند. کودک پس از شنیدن قصه، انگیزه های بیشتر و کنجکاوی افزون تری برای چنین کاری پیدا می کند. گفتنی است که ما باید از نیرو و انگیزه های که قصه در کودکان ایجاد می کند، بهره گیری کنیم.

• **پرورش قدرت تخیل و خلاقیت:** در قصه ها عنصر تخیل بسیار قدرتمند و مؤثر است. در بسیاری از قصه ها، عناصر تخیلی حضوری بر جسته دارند. تخیل کودک با شنیدن و خواندن داستان پرورش می یابد. گاه دیده شده است که کودک هنگام بازگو کردن داستانی که شنیده است، به دخل و تصرف در آن می پردازد یا داستانی بر همان مبنا می سازد. اگر این تخیل جهت داده شود، راهی برای کشف استعداد کودکان است. از منظر دیگر، کودکان هنگام گوش دادن به قصه، عناصر، فضا و حوادث آن را در ذهن خویش می آفرینند و معمولاً خود را در جای قهرمان قصه قرار می دهند؛ به این ترتیب، حداقل تا پایان قصه غرق تخیل اند.

با طرح پرسش هایی در پایان قصه، می توان این فضای تخیل و تجسم خلاق را وسعت و عمق

روابط علت و معلولی و درک آغاز و پایان داستان. همه این مهارت ها در واقع برای تقویت مهارت خواندن (و خوب گوش دادن) اهمیت دارند. کاملاً مشهود است که کودکانی که در فعالیت های قصه گویی شرکت می کنند، از نظر درک مطالب خواندنی و ذخیره واژگانی نسبت به دیگران در سطح بالاتری قرار دارند.

مربی می تواند پس از گفتن قصه با تلفیق این شیوه با شیوه ایفای نقش، از کودکان بخواهد قصه گفته شده را به صورت نمایش اجرا کنند. با این شیوه «نگه داشت ذهنی مطالب» در کودکان تقویت خواهد شد.

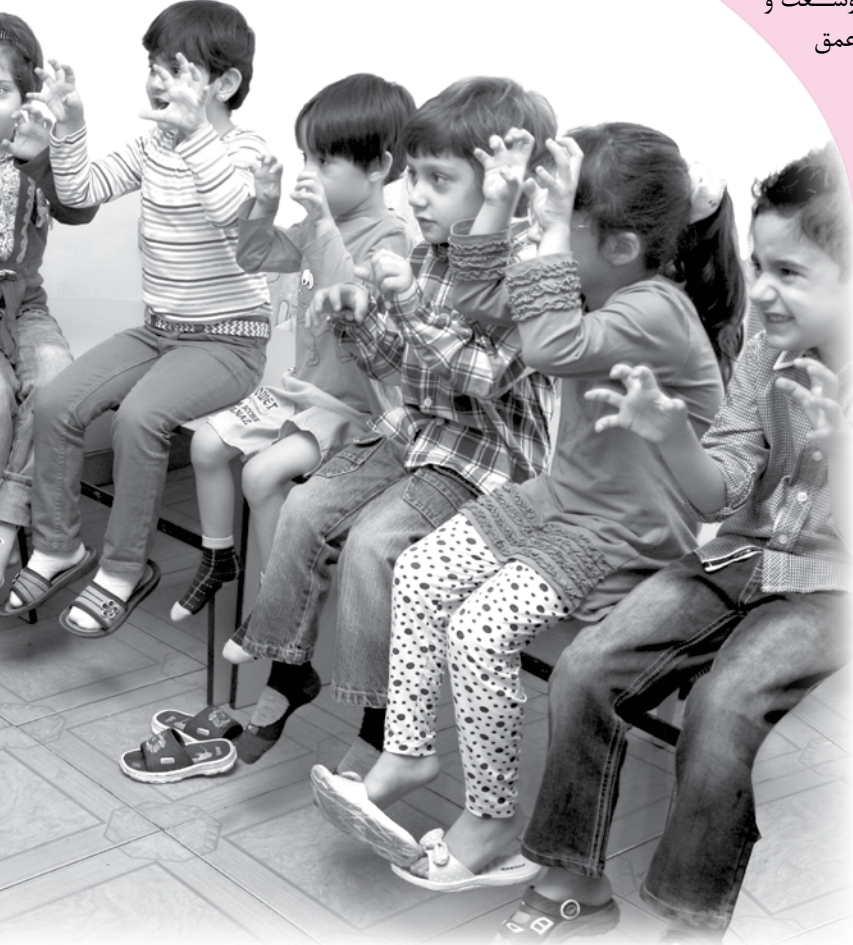
همچنین، کودکان علاوه بر مشارکت در گوش دادن (شنیدن قصه از زبان مربی)، به فعالیت گفتن نیز خواهند پرداخت (اجرای شفاهی قصه).

کارکردهای قصه برای کودکان

کودکان شیفته قصه و قصه گویی هستند و قصه تأثیری عمیق بر روان، زبان، رفتار و شخصیت کودک می گذارد. برخی تأثیرات قصه بر کودکان عبارتند از:

• **زبان آموزی:** قصه کودک را با واژگان، اصطلاحات، نام ها و ضرب المثل ها آشنا می سازد و از این راه، علاوه بر ایفای نقشی مهم و خطیر در زبان آموزی، فرصت خوبی برای اصلاح لغزش ها و اشکالات زبانی ایجاد می کند.

در کنار قصه گویی، می توان از کودکان خواست تا مثلاً بگویند که نام قهرمان چه بوده، از کجا حرکت کرده، چه دیده، چه گفته و چه کرده است. در قصه، چه عناصر دیگری وجود داشته و ... قصه گو چه ویژگی ها و قصه چه روندی داشته است. با طرح این پرسش ها در پایان قصه، می توان به کودکان کمک کرد تا درباره فضای قصه، قهرمانان قصه و حوادث قصه گفت و گو کنند



نصیحت باز نشود و قصه آموزنده و عبرت‌آموز باشد، چنین تأثیری را به صورت پنهان و پیدا در رفتار کودک خواهد داشت.

• **تعامل اجتماعی:** اگر کودکان در جریان قصه فعال شوند، حتماً قبل از گفتن قصه، از آن‌ها بخواهیم که در پرسش و پاسخ‌های بعد از قصه شرکت کنند و نظر خود را در مورد قصه و قصه‌گو بگویند، توجه و دقت شنوایی آن‌ها تقویت می‌شود. همچنین، زمینه‌ای فراهم می‌شود که آن‌ها با سخن گفتن و بیان احساسات، شیوه‌های ارتباط با دیگران را تمرین کنند. این شیوه، به‌ویژه برای کودکان خجالتی و انزواطلب بسیار کارآمد و مؤثر است.

• **پیوند فرهنگی:** قصه‌های قدیمی عامل انتقال میراث فرهنگی و پیوند میان امروز و گذشته‌اند. کودکان با شنیدن این قصه‌ها به آرمان‌ها، آرزوها، رنج‌ها و شادی‌ها، باورها و نوع زندگی گذشتگان پی می‌برند. گویی قصه‌ها پلی هستند که کودکان امروز را به روزگار گذشته می‌برند. این نوع قصه‌ها نوعی آموزش تاریخی نیز هستند؛ چون از لابه‌لای آن‌ها، تصویری از گذشته فراروی خواننده یا شنونده قرار می‌گیرد.

منابع

۱. مجیب، فرشته و دیگران؛ **فعالیت‌های آموزشی پیش‌دبستانی**، شرکت چاپ نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران، ۱۳۸۴.
۲. زندی، بهمن؛ **زبان‌آموزی**، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران، ۱۳۸۳.
۳. صفوی، امان‌الله؛ **کلیات روش‌ها و فنون تدریس**، معاصر، تهران، ۱۳۸۰.
۴. کول، ونیتا؛ **برنامه آموزش و پرورش پیش از دبستان**، ترجمه فرخنده مفیدی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، ۱۳۸۴.

<http://goroohedarsi.mihanblog.com>
<http://rhmani.blogfa.com>

بخشید. همراهی نغمه‌ای مناسب نیز به وسعت و عمق تخیل کمک می‌کند. برای ثبت این فضا که خود زمینه‌ساز بروز استعدادها و خلاقیت کودکان است، می‌توان نقاشی و کاردستی مناسب برای قصه و نمایش آن را در زمره فعالیت‌های هنری قرار داد.

• **آشنایی با واقعیت‌های زندگی:** کودک با شرکت کردن در تجربه‌های تلخ و شیرین قهرمانان قصه، با واقعیت‌ها آشنا می‌شود و روش‌های مواجهه با مشکلات را درمی‌یابد. به قول شارل پرو: «کودکان را می‌توان از طریق قصه‌های دل‌چسب و دوست‌داشتنی متناسب با توانایی‌های آنان با واقعیت‌های زندگی آشنا کرد. آن‌ها در موقع گوش دادن به قصه، مفاهیم پنهان در لابه‌لای واژه‌ها را درک می‌کنند؛ هنگامی که قهرمان داستان در مرداب بدبختی غوطه می‌خورد، آن‌ها غمگین و نگران می‌شوند و وقتی که به جاده خوشبختی قدم می‌گذارد، فریادی از شوق برمی‌آورند و اگر بخت با شخصیت بد داستان یار شود، بی‌صبرانه انتظار می‌کشند تا او به سزای کارهای زشتش برسد. این‌ها همه دانه‌هایی است که در دل کودکان کاشته می‌شود و تأثیر آن بروز حرکتی از سر شادی یا غم است که خود، نشان از بارور شدن ذهن آن‌ها دارد.» (فرهنگنامه ادبیات کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۶)

• **انتقال ارزش‌ها:** همراهی با قهرمانان قصه باعث می‌شود که صفات، فضایل و ارزش‌های آنان با روح و جان کودک آمیخته شود. وقتی قهرمان به‌خاطر خوبی، بخشش و صداقتش مورد حسد یا ستم واقع می‌شود و سرانجام، همین ویژگی‌ها او را نجات می‌دهد، عشق‌ورزی به این ارزش‌ها همچون بذری در نهاد کودک افشانده می‌شود و میل به گریز و پرهیز از کسانی که زشتی‌ها و بدی‌ها را منتشر می‌کنند، نیز در وجود او بارور می‌شود.

• **اصلاح رفتار:** قصه‌ها می‌توانند به اصلاح، بهبود و تغییر

رفتار کمک کنند؛ به عبارت دیگر، مقصود قصه

عبرت‌آموزی بوده است. تردیدی

نیست که اگر در پایان

قصه، باب

موعظه و



روش تربیت مربی کودکان خردسال

دکتر مرجان گودرزی



کتاب «روش تربیت مربی کودکان خردسال» را یکی از استادان ممتاز آموزش در دانشگاه‌های پنسیلوانیا و فلوریدای آمریکا نوشته است. این کتاب براساس تجربیات و دانسته‌های تحقیقی مربیان و خانواده‌ها تنظیم شده است. هدف اساسی کتاب کمک به مربیان برای درک چگونگی توانمند شدن برای نقش حرفه‌ای‌شان است. دیگر اینکه در صورت ورود به این حرفه پر تعهد و حساس به‌طور واقع‌بینانه با چه مسائلی روبه‌رو می‌شوند و نیز چگونه با آمادگی بر شایستگی‌های خود باید بیفزایند و از چه رهیافت‌هایی بهره‌گیرند.

کتاب شامل پنج بخش است که هر بخش نیز فصل‌هایی دارد. بخش یکم با عنوان «اشتغال در حوزه آموزش اوان کودکی» به بیان پیشینه‌ی حوزه‌های کار مربیان و ویژگی‌های اشتغال اختصاص دارد و فعالیت‌هایی پیشنهادی را نیز برای مربیان مطرح کرده است.

بخش دوم با عنوان «توجه به رشد کودکان» بازی را کلید یادگیری و رشد کودکان دانسته است و به تعریف بازی، مزایا و نقش آن از ابعاد گوناگون و نیز رشد کودکان از نظر جسمی و رفتار حرکتی، رشد عاطفی و اجتماعی، رشد شناختی ذهنی و فعالیت‌های مربوط به آن پرداخته است.

بخش سوم با عنوان «سازماندهی و مدیریت کلاس» به رویکردهای مختلف از جمله رفتارگرایان، رسش‌گرایان، ساخت‌گرایان و مدل‌های آموزشی آنان پرداخته است. محیط فیزیکی و برنامه‌ریزی برای طراحی فضا، راهبردها و فنون تدریس و فعالیت‌های پیشنهادی مربوط بحث جالب توجهی در این بخش است. ارتباط با کودک، والدین و ایجاد احساس مشارکت و ارتباط با همکاران از جمله موارد مورد بحث دیگر است.

بخش چهارم با عنوان «درایت در تدریس»، موضوع سوادآموزی و ادبیات و راهبردهای خلق واژه، قصه و داستان و دانش نسبت به ادبیات کودکان را مورد توجه قرار داده است. در قسمتی از این بخش، مواد قابل دست‌کاری، هنر و موسیقی، نیز به‌صورت عمیق‌تر مورد بحث قرار گرفته است.

در بخش پنجم، با عنوان «تایچ و چشم‌اندازها»، مشکلات فقر در دوران کودکی، مشکلات مراقبت از کودک و آموزش نادرست کودکان خردسال و آزمون‌های ورودی برای کودکان مستان مورد بحث قرار گرفته است.

در بخش پایانی پیوست‌های قابل توجهی درباره رهنمودهای پژوهش میدانی، مطالب یک پوشه کار با کودک، سازمان‌های مرجع و نشریات ادواری آمده است.

یکی از ویژگی‌های خوب کتاب نیز واژه‌نامه توصیفی و فهرست موضوعی و فهرست نام‌هاست. خواندن این کتاب را به همه علاقه‌مندان، مربیان، مدیران، والدین و دانشجویان و پژوهشگران کودک توصیه می‌کنیم.

نویسنده: مارگارت لی، دوپی‌یرا و جان دوپی‌یرا
 مترجم: سید جلال خادمی نوش‌آبادی، انسیه
 علبدینی‌منش
 ناشر: آبیژ
 سال انتشار: زمستان ۱۳۹۱
 قیمت: ۲۸۰۰۰ ریال





آموزش سواد رسانه‌ای واجب‌تر از نان شب

سید غلامرضا فلسفی

اگر فرصت تورق دفتر خاطراتمان را بیابیم به یاد خواهیم آورد که در گذشته‌ای نه چندان دور کودکان در ابتدای شب با لالایی والدین به خواب می‌رفتند اما از اوایل دهه ۱۳۷۰ و به خصوص اواخر دهه ۱۳۸۰ به موازات افزایش بهره‌گیری از دستاوردهای مدرنیته در کشور، سریال‌های ماهواره‌ای از طریق قاب تلویزیون تا پاسی از شب همنشین کودکان و والدینشان شدند. شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان در چارچوب تسلط فرهنگی با ایجاد سونامی پخش سریال‌های عامه‌پسند به بازمهندسی کیان خانواده با محوریت کودکان - که در درجه اول در معرض آثار منفی مواجهه با خشونت رسانه‌ای قرار دارند - پرداخته و به تغییر سبک زندگی در مسیری مغایر با باورهای مذهبی و ملی مبادرت ورزیده‌اند تا آنجا که بنا به اظهار اکثر مربیان پیش‌دبستانی روح غالب سپهر گفتمانی نوآموزان در مراکز را بازگویی روایت‌های سریال‌های سخیف شبکه‌های ماهواره‌ای و بازنمایی شخصیت‌های بی‌هویت آن سریال‌ها تشکیل می‌دهد. بازبینی تجارب گذشته بر مبنای مطالعات ارتباطی گواه آن است که اعمال ممنوعیت و تشدید محدودیت توان جلوگیری از این سونامی فرهنگ برانداز را ندارد لذا تنها راه چاره اهدای کلید سواد رسانه‌ای (Media Literacy) به نوآموزان و والدین آن‌هاست.

به بیانی ساده، سواد رسانه‌ای همچون رژیم غذایی هوشمندانه مراقب است که چه موادی مناسب و چه موادی نامناسب‌اند. چه چیزهایی را باید مصرف کرد و چه چیزهایی را نباید و اینکه میزان مصرف هر ماده باید بر چه مبنایی استوار شود. سواد رسانه‌ای می‌تواند به مخاطب رسانه بیاموزد که از حالت مصرف منفعلانه به ارتباطی تراکنشی وارد شود که در نهایت به نفع او تمام می‌شود. به دیگر سخن، سواد رسانه‌ای به ارتباط‌گیرنده کمک می‌کند تا از سفره رسانه‌ها به گونه‌ای هوشمندانه طعامی مناسب خود برگیرد.

با عنایت به تجربه موفق دیگر کشورها در حوزه سواد رسانه‌ای مانند استرالیا که از میانه سال‌های ۱۹۹۰ آموزش سواد رسانه‌ای را در پیش‌دبستان اجباری نموده و همچنین ضرورت و اهمیت پرداختن به آموزش سواد رسانه‌ای در کشور که در گزارشات رسمی از جمله گزارش دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۵ با نام «سواد رسانه‌ای رویکردی نوین به نظارت رسانه‌ای» به آن اشاره شده است، تسریع در برداشتن گام‌های مؤثر جهت طراحی و تدوین فعالیت‌های مناسب در چارچوب محتواهای تولیدی استانی در حوزه آموزش سواد رسانه‌ای، به‌کارگیری مشاوران خبره و متخصص علوم ارتباطات اجتماعی از دفتر تألیف کتاب‌های درسی تا گروه‌های تولید محتوا و مراکز پیش‌دبستانی، برگزاری دوره‌های مستمر آموزش مربیان در این حوزه ارتباطی و... می‌تواند در زمینه ایجاد و گسترش سواد رسانه‌ای متمرکز واقع شود.



کارهای عجیب و جالب **گیوسب آرجم بولدو**، طراح و نقاش ایتالیایی نشان‌دهنده رابطه نزدیک و زیبای طبیعت و انسان و نشانگر احترام و ارزش به طبیعت و سپاسگزاری از نعمات الهی است. در بهار طبیعت، چون همیشه ایام، قدردان رحمت و شگفتی‌های جهان هستی باشیم.



نمایشگاه آثار گیوسب آرجم بولدو



نمونه‌ای از آثار بچه‌ها بر اساس ایده آثار گیوسب آرجم بولدو

